چاپ شانزدهم

مجموعه کتاب های سرنوشت انسان ۲

عالم قبر

حسین معراجی

مهدی باقر بودی

بسم الله الرحمن الرحیم

عالم قبر

نویسنده:

مهدی فربودی

ناشر چاپی:

دیوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عالم قبر: تحقیقی قرآنی و روایی درباره عالم قبر

مشخصات کتاب

سرشناسه : فربودی، مهدی، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور : عالم قبر: تحقیقی قرآنی و روایی درباره عالم قبر / تالیف مهدی فربودی.

مشخصات نشر : تهران: دیوان ...، [۱۳۸۷].

مشخصات ظاهری : [۱۹۲] ص.

فروست : مجموعه کتاب های سرنوشت انسان؛ ۲.

شابک : ۱۷۵۰۰ ریال (چاپ اول) ؛ ۲۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۷۸-۰۰-۵ : ؛ ۲۵۰۰۰ ریال (چاپ هفتم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(چاپ پنجم)

یادداشت : نام نویسندگان در روی جلد حسین محرابی و مهدی فربودی ذکر شده است.

یادداشت : کتاب حاضر با عنوان "عذاب های قبر: تحقیقی قرآنی و روایی درباره عالم قبر" نیز منتشر شده است.

یادداشت : چاپ اول: ۱۳۸۶.

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۷(فیپا).

یادداشت : چاپ پنجم.

یادداشت : چاپ هفتم: [۱۳۸۷؟].

یادداشت : ناشرین دیوان، بقیت الله، رازبان، عقیق عشق.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۹۲] ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : تحقیقی قرآنی و روایی درباره عالم قبر.

موضوع : مرگ

موضوع : زندگی پس از مرگ (اسلام)

موضوع : عذاب قبر

رده بندی کنگره : BP۲۲۲/۲۲ الف/ف۳۶ع۲ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۱۱۴۲۴

ص: ۱

اشاره

مقدمه مؤلف

رسول خـدا حضـرت محمد (صَـلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَـلم) به امیرالمؤمنین علی (علیهِ السَّلام) فرمودند: «ای علی، شاد باش و مژده بده که برای شیعه تو نه حسرتی است وقت مردن و نه وحشتی در قبر و نه اندوهی در روز برانگیخته شدن.»

تفسیر فرات کوفی، صفحه۳۴۸

یکی از چیزهایی که همه ما روزی به آن خواهیم رسیم و کسی را از آن گریزی نیست عالم قبر می باشد.

بنـابراین شـناخت آن چیزهـایی که در آن خانه برای ما می خواهنـد اتفاق بیافتنـد و آنچه که در آن سـرا به آن احتیاج است از ضروریات و اولویتهای دانسـتنیهای هر انسان دانا و دور انـدیش می باشـد. ولی مشـکل بزرگی که در بین است این است که با آمدن مرگ و رفتن جان از بدن انسان قادر به سـخن گفتن نمی باشد و بنابراین نمی توان سؤالاتی را که به ذهنمان می آید از مرده ای پرسـید، که مثلاً در آن عالم چه دیده و چه شـنیده و چه بر سر او آمده و یا چه توصیه ای به آنانی که زنده اند دارد و آیا دوست دارد دوباره به دنیا برگردد یا نه و....

پس اگر ما نمی توانیم به آن عالم برویم یا با مرده ای صحبت کنیم، راه حل فهمیدن این جوابها چیست؟

پیغمبر مکرم اسلام و ائمه معصومین (عَلیهِم السَّلام) که جانشینان بر حق او

از طرف خداوند هستند، بزرگترین دلسوزان انسان می باشند، که هیچ گاه بشریت را حتی در جزئی ترین کارها نیز رها نکرده و با دستورات نورانی خود آداب و احکام آنها را بیان نموده اند، چه برسد به اموری مانند مرگ و قبر و آخرت که سعادت و یا بدبختی انسانها در آن است.

بنابراین بر آن شدیم تا با جمع آوری مجموعه ای کوچک در این موضوع قسمتی از آن دستورات پرگوهر و بخش بسیار ناچیزی از اوضاع آن عالم و ساکنان آن سرا و قوانین حاکم بر آن عالم را که در کلام بزرگان ما آمده است ذکر کنیم که انشاءالله برای همه ما تذکری بوده و موجب سعی و تلاش بیشتر در راه بندگی خداوند جل و اعلا گردد.

همچنین در این کلام از داستانهای مستند و آموزنده جهت روشنتر شدن موضوع و نیز جلوگیری از خستگی مخاطب استفاده گردیده است.

در ضمن لازم به ذکر می باشد که با توجه به اینکه عالم قبر همان عالم برزخ می باشد، علت نوشته شدن دو کتاب مجزا در این باب توجه بیشتر به احکام و اموری مانند تشییع جنازه، آداب کفن و دفن، شب اول قبر، وحشت و عذاب قبر و کارهایی که برای جلوگیری از آنها مفید است، می باشد، بنابراین ممکن است خوانندگان محترمی که مجموعه هفت جلدی سرنوشت انسان را تهیه کرده باشند بعضاً با داستانها و یا نکات مشابه

مواجه شوند.

در پایان از همه برادران و خواهرانی که این کتاب را مطالعه می فرمایند از هرگونه نقص و اشتباه احتمالی که ممکن است در این کتاب ببینند، چه در مرحله تألیف و چه در مراحل چاپی، معذرت خواهی می کنم و طلب حلالیت و التماس دعا دارم.

مقدمه کتاب

جابربن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) نقل می کند که فرمودند:

«هنگامی که جنازه بدبخت و دشمن خدا در قبرگذاشته می شود خطاب به مردمی که او را دفن کرده اند می گوید: «ای برادران من! آیا صدای مرا می شنوید؟ من به شما شکایت می کنم از آنچه بر سر برادر بدبخت شما آمد و مرا بدبخت و بیچاره کرد که شما از آن ها بپرهیزید و مثل من بدبخت نشوید.

دشمن خدا، شیطان مرا گول زد و قسم خورد که نسبت به من ناصح(۱) است اما حقیقت را برمن پوشاند (و مرا به هلاکت انداخت).

و شکایت می کنم از دنیای حیله گر که به من حیله و نیرنگ زد، وقتی من به او اطمینان پیدا کردم مرا تنها گذاشته و فرار کرد. و شکایت می کنم از دوستان ناباب و هواپرست که مرا مبتلا به گناه و معاصی کردند؛ سپس از من بیزاری جسته و مرا خوار و ذلیل نمودند.

و شکایت می کنم از فرزندانم که از آنان حمایت کردم و ایشان را .

۱- خیرخواه.

بر خود مقدم داشتم و از حلال و حرام هر چه درآوردم بر ایشان خرج کردم و آنان مال مرا خوردند اما مرا تسلیم چنگال های مرگ و خاک سیاه کردند.

و شکایت می کنم از مالم که حق خدا را از آن ندادم و همه را جمع کردم الآن گریبان گیر من است و خودش نصیب دیگران و شکایت می کنم از خانه ام که آن همه زحمت کشیدم و آن را ساختم و آباد کردم الآن غیر من در آن ساکن هستند و خود از آن محرومم و بی نصیب شدم و شکایت می کنم از طول اقامت در قبر که قبر صدا می زند: «من خانه کرم ها هستم. من خانه ظلمت و تاریکی هستم. من خانه وحشت و اضطراب و دلهره هستم. من تنگ هستم. (من انیس و مونس ندارم. من فرش ندارم. من چراغ ندارم من....)»

و به من وعده آتش داده اند و من خوار و حقیر و پست شده ام و مورد غضب و خشم خداوند عزیز جبّار قرار گرفته ام.

ای افسوس بر من به خاطر آن کارهای ناروایی که در محضر خداوند انجام دادم. و وای بر من از گریه های دراز مدت و با صدای بلند که خواهم داشت و هیچ شفیعی ندارم که به حرفم گوش کنند و مرا نجات دهد. و هیچ دوستی ندارم که بر من رحم کند.

اگر یک بار دیگر به من مهلت داده می شد و من به دنیا برمی گشتم کارهای نیک انجام می دادم و از مؤمنان می گشتم ولی هیهات و هیهات که دیگر بازگشتی نیست پس شما که در دنیا هستید، تا فرصت

باقی است و صدای حزین و غمناک مرا شـنیدید و دست خالی و طول مسـیر مرا دیدید و شـنیدید به فکر آیید آن کاری را که انجام می دهید و آن کاری را ترک کنید که اگر من دوباره به دنیا برمی گشتم آن را انجام می دادم.(۱)

پس ای برادر و خواهر من هم اکنون که این نعمت بسیار با ارزش زندگی را در اختیار داری در راه بندگی خدا کوشش کن و قبـل از اینکه دفتر عمر تو بسـته شود بـا توبه و کسب معرفت و جبران گذشـته رضایت پروردگارت را جلب کن، که کسـی که خداوند از او راضی باشد، در دو دنیا سعادتمند خواهد بود. .

۱- بحارالانوار، ج۶، ص-۲۵۸ داستان های شگفت انگیزی از قبر و اجساد سالم.

فصل اول: وظیفه زندگان در قبال مردگان

اشاره

فصل اول: وظیفه زندگان در قبال مردگان (۱).

ص: ۱۷

۱- اکثر مطـاب این فصـل، به علت قلم خوب و کامـل بودن مطلب، بـا انـدکی تغییر از کتاب «مردگان از ما چه می خواهنـد؟» انتشـارات تهـذیب نوشـته خـانم معصومه بیگم آذرمی اسـتخراج شـده که برای کسب اطلاعـات بیشتر در این باب خانـدان آن کتاب را به شما توصیه می کنم.

قبـل از آنکه زمان دفن و تشـییع جنازه فرا رسـد؛ صاحبان عزا می بایمست همانطور که مقررات قانونی خاک سـپاری را تعقیب می کننـد با حوصـله و صـبوری ولو اگر توأم با گریه و زاری باشـد، وسایل مورد احتیاج دفن را مهیا نماینـد، مخصوصاً کفن و لوازمی که به آن تعلق دارد و حتمـاً میت به آنهـا سـفارشاتی داشـته است، زیرا اگر میت در زمـان حیات از غافلان نبوده باشـد برای خود کفن تهیه کرده است، چنانکه امام صادق (علیهِ السَّلام) فرموده اند:

«مَن کانَ کَفَنه فی بَیتِه لَم یَکتب مِنَ الغَافِلین»

«کسی که کفنش در خانه اش باشد از زمره غافلان نوشته نشود»

و بهتر است قبل از تشییع مقداری خاک رُس تهیه کرده فردی متدّین و معتقد بر آن هفتاد مرتبه «آیه الکرسی» بخوانند و بدمند و آن را هنگام دفن زیر صورت میت بریزند.

ص: ۱۸

اگر تربت حضرت اباعبدالله الحسین (علیهِ السَّلام) همراه باشد و عقیقی که بر آن اسامی ائمه معصومین (عَلیهِم السَّلام) نقش شده برای زیر زبان میت با خود بردارند و چه خوش است آدمی در ایام عزاداری حضرت سیدالشهدا (علیهِ السَّلام) اشک هایش را با دستمالی پاک و طیب و طاهر از گونه هایش برچیده و وصیت کند آن دستمال را روی سینه اش گذارند.(۱)

،،،،،،،،

تعجیل در تشییع جنازه

باید بدانیم احترام و بزرگداشت و توجه به میت این است که در تشییع او تأخیر روا نداشته بلکه به سفارش حضرت نبی اکرم (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) تعجیل کنیم؛ ولی متأسفانه در عصر ما امکان آن نیست که در هر زمانی که آدمی تسلیم اراده الهی شد و جان به جان افرین تسلیم کرد، همان لحظه به خاک سپرده شود، زیرا طی کردن مقررات اداری کفن و دفن مانع چنین وظیفه ای خواهد شد و برخلاف دستور اسلام این امر مهم به تأخیر خواهد افتاد؛ و در بعضی از محیط ها که مقررات اداری دست و پا گیر نیست، خرافات اجازه نمی دهند؛ مثلاً ـ میتی که در آستانه غروب از دنیا رفته را در شب دفن نمی کنند! در صورتی که رسول اکرم می فرمایند:

«نباید کسی از شما را ببینم که میتی از او در شب مرده باشد و تشییع او را به صبح اندازید و یا اگر روزه مرده باشد موکول به شب .

۱- چنانکه بعضی از علمای جلیل القدر مانند آیت الله مرعشی نجفی در وصیت نامه آموزنده شان دستور به دفن سجاده ای که در آن هفتاد سال نماز شب خوانده بودند و از خوف خدا در آن گریه کردند بودند، دادند؛ و همچنین دستمالی که در مصیبت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در آن گریه کرده بودند.

کنید؛ برای مردگان خود به انتظار طلوع و غروب خورشید نباشید، آنان را به تعجیل به سوی خوابگاه هایشان ببرید، خدا شما را رحمت کند.»

چنانکه حضرت صدّیقه طاهره فاطمه مظلومه شهیده و امیرمؤمنان حضرت علی (علیهِ السَّلام) در شب دفن شدند.(۱)

هر چند امروزه مسئله تشییع جنازه با مشکلاتی توأم شده و اکثر مردم از چنین فیضی محروم می باشند و اگر در مکانی وسیله اش هم فراهم گردد، مردمانی هستند که با اطلاع یافتن از مرگ آشنائی تصمیم می گیرند فقط در مراسم ختم شرکت نمایند و به این ترتیب خود را از فیض تشمییع محروم می سازند. در صورتی که در روایات ما ثواب بسیار زیادی برای تشییع کنندگان ذکر گردیده است:

حضرت موسی (علیهِ السَّلام) در مناجات خود با پروردگار عرض کرد:

«پروردگارا ثواب کسی که تشییع جنازه کرد چیست؟»

خطاب رسید: «فرشتگانی از فرشتگانم را بر او می گمارم که با داشتن پرچمهایی آنان را از قبرهایشان تا روز حشر تشییع کنند.»

مراسم تشییع

بدون هیچ شرح و توضیحی به بیان آدابی که می باید برای میت مراعات شود می پردازیم:

اول: وقتی خبر مرگ آشنایی را شنیدی بدون این که فرصت را از .

۱- البته اینکه ایشان در شب دفن شده اند به علت این نبوده که در شب از دنیا رفته اند؛ بلکه در شرایط بسیار خطرناک آن زرمان احتمال جسارت به بدنهای مبارک ایشان می رفت که خود دلیلی محکم در مظلومیت این دو بزرگوار می باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر به کتابهای تاریخ صدر اسلام مراجعه شود.

دست بدهید خود را به مراسم تشییع برسانید که رسول خدا فرمودند: «چون به عروسی دعوت شدید به آرامی بروید که شما را به یاد دنیا می افکند و چون به تشییع جنازه دعوت شدید شتاب کنید که آخرت را به یاد شما می آورد.»

دوم: درباره اینکه پشت یا پیش جنازه در مراسم تشییع حرکت کنیم امام صادق (علیهِ السَّلام) فرمودند: «المشی خلف الجنازه افضل من المشی بین یدیها» راه رفتن پشت سر جنازه برتر از راه رفتن پیش روی جنازه می باشد.

حضرت امام باقر (علیهِ السَّلام) فرموده اند: «رسول خدا پشت سر جنازه ای راه می رفتند به ایشان عرض کردند: یا رسول الله چرا در پشت سر جنازه راه می روید؟

فرمودند: فرشتگان را می بینم که از جلو می روند و ما متابعت ایشان می کنیم (به دنبال ایشان می رویم.)

مگر اینکه عارفی از تبار شیعیان را تشییع کنند که به فرموده امام صادق (علیهِ السَّلام) می باید جلوی جنازه اش راه رفت.

سوم: اینکه حتماً در تشییع جنازه پیاده راه بروید، سوار بر وسیله ای نباشید؛ زیرا رسول خدا همراه جنازه ای راه می رفتند یکی از اصحاب عرض کرد: یا رسول الله چرا سوار نمی شوید؟ فرمودند: «من دوست ندارم سوار باشم در حالی که فرشتگان پیاده می روند.»

و در جایی دیگر وقتی می بینند که گروهی پشت جنازه سواره

تشییع می کنند، فرمودند: «اینها شرم نمی کنند که دنبال جنازه رفیق خود سواره می روند و او را به این حال گذاشته اند.»

چهارم: آن گاه که در کنار جنازه ای قرار گرفتید که بر روی دوش تشییع کنندگان حمل می شود به آن فکر کنید که امام صادق (علیهِ السَّلام) به ابوصالح فرموده اند: «وقتی جنازه ای را حمل کردی آن گونه فکر کن که تو مرده ای و تو را حمل می کنند گوئی که از پروردگارت خواستاری تو را به دنیا برگرداند و خدا نیز پذیرفته، بنگر چه کار می کنی؟ سپس فرمودند: «تعجب دارم از گروهی که پیشینیان آنها حبس شده اند (و منتظرند) تا از پشت سر روندگان برسند؛ سپس ندای کوچیدن به گوششان بخورد (در حالی که) همه سرگرم بازی باشند.»

پنجم: اگر به تشییع جنازه ای برخورد کردید آنگاه که چشمتان به جنازه افتاد حتی اگر شخص را نمی شناسید به دستور امام باقر (علیهِ السَّلام) بگویید:

«اَلحَمدُ للهِ الَّذی لَم یَجعَلنی مِنَ السَّوادِ المُخَتَرم»

«حمد و ستایش خدای را که مرا از جمله هلاک شدگان قرار نداد.»

و رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرموده اند: «کسی که به استقبال جنازه ای رود یا جنازه ای را مشاهده کند بگوید:

«الله اکبر. هذا ما وَعَدنَا اللهُ وَ رَسولُهُ وَ صَدَقَ اللهُ وَ رَسُولُهُ اَللَّهُمَّ زِدنا ایماناً وَ تَسلیماً. اَلحَمدُللهِ الَّذی تَعَزَّزَ بِالقُدرَهِ وَ قَهرَ العِبادَ بِالمَوتِ لَم یَبقَ فِی السَّماءِ مَلَکٌ اِلاّ بَکی رَحمَهً لِصَوتِه»

ششم: تنهـا به تشـییع جنازه اکتفا نکرده بلکه هرگونه تابوت را به دوش گرفته در حمل جنازه شـریک باشـند. امام صادق (علیهِ السَّلام) فرموده اند: «هر که چهار گوشه تابوت را بگیرد خدای تعالی چهل گناه بزرگ او را می آمرزد.»

هفتم: اگر در تشـییع جنازه ای شـرکت کردید و مشـکلی نداشتید تا زمان دفن میت صبر کنید که امام صادق (علیهِ السَّلام) می فرمایند: کسی که جنازه مؤمنی را تشییع کند (و صبر نماید) تا به خاک سپرده شود خدای تعالی هفتاد فرشته را مأمور می سازد تا موقعی که برای حضور در موقف قیامت از قبر بیرون می آید او را تشییع کنند و برای و طلب آمرزش نمایند.»

ذکر در تششیع جنازه

می دانیم بعضـی از احکـام عبـادی اسـلام با اذکار و ادعیه های مخصوص به خود آغاز می شود. تکبیرهای نماز فطر، پوشـیدن احرام حج و.... تشـییع جنازه نیز از جمله همان سـنت های خاص است که با ذکری انجام می پذیرد چنان که پیامبر اکرم (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) می فرمایند:

«اَکثِروا فِی الجِنازَهِ قَول لا اِلَه اِلّا الله»

در تشییع جنازه بسیار «لا اله الا الله» بگوئید.

پاداش تشییع

علاـوه بر ثوابی که قبلاًـ به آن اشاره کردیم؛ در متون روائی اسـلامی پاداش زیادی برای تشـییع کننـدگان ذکر گردیـده است؛ برای مثال از

امیرالمؤمنان حضرت علی (علیهِ السَّلام) روایت شده که فرمودند:

«نخستین هـدیه ای که در قبر به شـخص مؤمن داده می شود این است که کسانی که جنازه او را تشـییع کرده انـد آمرزیـده می شوند.»

و کدام پاداش از این بالاتر که تشییع کننده با شرکت خود در مراسم خاکسپاری باعث دلجوئی بازماندگان او شود.

غسل میت

دربـاره علت غسـل میت بـدون این که به مقـدمه ای متوسل شویم به کلام مبارک حضـرت امام صادق (علیهِ السَّلام) اکتفا می کنیم که می فرماینـد: «بدن مرده از پلیدی هائی که از رهگذر بیماری ها و امراض به او رسـیده پاک و تطهیر می شود و آنگاه که به دیدار فرشتگان و اهل آخرت می روند پاک است؛ و علت دیگرش این است، هنگامی که از پلیدی ای که از آن آفریده شده (منی) جُنُب می گردد، به همین منظور غسل داده می شود».

اما در هنگام غسل دادن میت باید به نکاتی توجه نمود که در اینجا به طور خلاصه و فهرست وار به آن اشاره می کنیم:

اول: باید در عریان کردن بدن میت بی پروائی نشود. امام صادق (علیهِ السَّلام) فرموده اند:

«هر کس میتی را غسل دهـد و او را پوشـیده و پنهان دارد هماننـد روزی که از مادر متولد شده است از گناهان خود بیرون می شود.»«

در این صورت همانطور که او را عریان می کنند می باید پوششی

هم برای لااقل محل عورت او قرار دهند البته فرموده اند بهتر است از زانو تا ناف باشد.

دوم: درباره این که چه کسی میت را غسل دهد، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیهِ السَّلام) فرموده اند: «سزاوارترین مردم به میت او را غسل می دهد»(۱)، یا کسی که ولی میت به او اجازه می دهد تا به غسل میت اقدام کند و اگر مانند عصر ما که کادر اداری غسال خانه ها مانع می شوند، اقوام یا نزدیکان میت او را غسل دهند.

چون به فرموده رسول خدا میت می داند چه کسی او را می شوید و چه کسی او را کفن می کند و چه کسی او را به خاک می سپارد بهتر است اولین ظرف آب را آشنائی به روی میت بریزد و خوش است آشنائی که میت انتظار دیدارش را داشته اما فرشته مرگ امانش نداده است، اولین ظرف آب را روی میت بریزد و آنگاه غسال مشغول شستشو شود و به دستور امام صادق (علیهِ السَّلام) بگوید: «رَّب عَفوَکَ عَفوَک»،،،،،،پروردگارا عفو و بخشایش خود را به او برسان.

(و این را نمی گوید) جز آنکه خدا او را عفو نماید.

و هرگاه او را از پهلوئی به پهلوئی دیگر می غلطانند بگوید: «اللّهُمَّ هذا عَبدک المُومِن وَ قَد اخرجت روحَه مِنه فَرقت بینهما فَعَفوک عفوک عفوک»

سوم: دستور داده اند هر کس میت مؤمنی را غسل می دهد آن چه .

۱- برای مثال سزاورترین مردم به زن همسر اوست و بالعکس.

خود به تنهایی دیده تا دفن میت به کسی خبر ندهد.

آخرین دیدار

کمتر بلکه به ندرت اتفاق افتاده است که نزدیکان میت تمایل نداشته باشند برای آخرین بار دیداری با عزیز از دست رفته خود داشته باشند و او را در آغوش گرفته و نبوسند؛ که چنین رفتاری را مانعهی نیست زیرا نوشته اند رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) پس از مرگ عثمان بن مظعون(۱)، در حالی که اشک می ریختند او را می بوسیدند و یا در مورد دفن بدن مطهر و مقدس حضرت سیدالشهدا (علیهِ السَّلام) نوشته اند امام سجاد (علیهِ السَّلام) در حالی که شدیداً گریه می کردند خویش را روی بدن امام انداخته و او را می بوسیدند و می بوئیدند.

حنوط

سنت بوده است پس از اتمام مراسم غسل قبل از کفن نمودن میت، مواضع سجده او را با کافور تازه (نه کهنه بی بو)، حنوط کنند، از امام صادق (علیهِ السَّلام) روایت شده است که: «وقتی غسل دهنده از غسل میت فارغ شد، او را با جامه ای خشک کند و کافور و جنوط در مواضع سجود او یعنی پیشانی، بینی، دو کف دست، دو زانو و پاهایش بگذارند و مقداری از آن را در گوش ها، چشم ها، دهان و (اگر مرد است) روی ریش و سینه اش بگذارند. .

۱- از اصحاب باوفا و نزدیک رسول خدا. (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) بود.

کفن

آخرین لباسی است که آدمی خودش قبل از مردم یا دیگری بعد از مرگش از لباسهای دنیا تهیه می کند. و چه زیباست قسمتی از سه پاره کفن را قبل از مرگ تهیه نموده در آن نماز گزارده و قرآن بخواند و ختم صلوات بردارد. دعای توسل و زیارت عاشورا بخواند. و اگر سعادت نصیبش گردید روز عاشورا بر مبنری که روضه خوانان سالخورده از تبار سادات ذکر مصائب اهل بیت (عَلیهِم السَّلام) را می نمایند انداخته سپس با همان کفن آب ندیده او را کفن کنند.

چنان که امام صادق (علیهِ السَّلام) می فرمایند: «پدرم مرا وصیت کرد که او را در سه جامه کفن کنم یکی از آنها رداء رواجبره[(۱)] بود که در آن نماز جمعه می خواند. و در مورد قطعه های کفن به آنچه علی بن ابیطالب (علیهِ السَّلام) پیکر مطهر و مقدس نبی اکرم (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) را کفن نموده اند تأسی کرده اند که سه جامه بوده است و لذا امروز کفن از سه پارچه لنگ و پیراهن و سرتاسری تهیه می کنند.

در تهیه کفن به چند موضوع می باید توجه داشت:

اولین و مهمترین نکته این است که کفن بایـد از پول حلال تهیه شده باشد یعنی علاوه بر اینکه آن پول باید از درآمد حلال به دست آمده باشد، باید خمس آن پول نیز داده شده باشد. چنانکه امام باقر (علیهِ السَّلام) فرموده اند: .

۱- نوعی بُرد یمانی، که نوعی لباس است.

«من اشتری شیئا من الخمس لم یعذره الله اشتری ما لا یحل له»

«هر کس از مالی (که خمس آن داده نشـده) چیزی بخرد عـذر وی در پیشـگاه خدا پذیرفته نخواهد شد زیرا او مالی را خریده که برای او حلال نبوده است.»

نکته دوم درباره رنگ کفن است؛ همانطور که ملاحظه می کنیـد و دیده اید، رنگ کفن سـفید است و در بعضـی از موارد از پارچه های دستباف سنتی قدیمی تهیه کرده اند که تقریباً شکری رنگ یا کمی روشن تر می باشد و دیده نشده که غیر از این رنگها مورد استفاده قرار گیرد. ولی رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) عموی بزرگوارشان شهیدشان حضرت حمزه (علیهِ السَّلام) را در پارچه ای سیاه رنگ کفن کردند و نیز حضـرت اباعبدالله الحسین سیدالشهدا (علیهِ السَّلام) «اسامه بن زید» را در بُردی سرخ رنگ کفن کردند.

نماز میت

از جمله واجباتی است که بایـد در حق میت مسـلمانان مراعات شود و رسول خـدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرموده انـد: «لا تدعوا احداً مِن اُمَّتی بِلا صَلاه»

«هیچ یک از امتم را بدون نماز گذاردن، دفنم نکنید.»

و زمان اقامه آن به طلوع و غروب خورشـید بسـتگی پیـدا نمی کنـد ولی آنچه قابل توجه می باشد این است که امام رضا (علیهِ السَّلام) می فرماینـد: «بر مؤمن بـا پنـج تکبیر نمـاز بخوانیـد و اگر منافق است چهار تکبیر گفته شود زیرا ولایت را نپـذیرفته» و فرموده اند: «علت این که پنج تکبیر

بر میت گفته می شود آن است که خداونـد پنـج فریضه را بر مردمان واجب گردانیده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. و خداوند متعال برای میت بدل از هر فریضه تکبیری مقرر فرموده است.»

پس نمی شود به بهانه شرب خمر و زانی و سارق بودن نماز میت را از میتی ساقط کرد. چنان که وقتی «هشام بن حکم» در این باره از امام صادق (علیهِ السَّلام) سوال می کند که اگر شـراب خوار و زانی و دزد بمیرند می شود بر آنها نماز خواند؟ حضرت در جواب فرمودند: آری.

بلکه امام باقر (علیهِ السَّلام) دستور داده اند: «هر کس از اهل قبله (مسلمان) بمیرد بر وی نماز بگذار و حسابش با خداست.»

موضوع مهمی که می باید به آن اشاره نمود این است که رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) می فرمایند: «اگر سه صف در نمـازمیت تشـکیل شـود میت آمرزیـده گردد. و از کرم خداونـد کریم تعجبی نیست، که چطـور به بهـانه هـای مختلف از سـر تقصـیرات آدمی می گـذرد. و بـا این کیفیت از مروت به دور است آنـان که در تشـییع جنـازه شـرکت نموده انـد به نماز میت حاضـر نشونـد، بلکه بایـد مشـایعت کننـدگان جنـازه، مـدت زمانی که انتظار میت خود را می کشـند، در نماز میت جنازه های دیگران نیز شرکت کنند، تا حد نصاب صفوف نماز به سه صف برسد و آن میت نیز اگر گناه صغیره ای در دفتر اعمالش دارد بخشوده شود.

کندن قبر

امروز اگر در شهرهای بزرگ، کار کندن قبور، به کارگرانی که برای

این کار به استخدام درآمده اند خلاصه شده است، ولی هنوز در همین شهرهای بزرگ و کوچک مردمانی هستند که کندن قبر را نوعی وظیفه شرعی می دانند، که حکم واجب کفائی را دارد و معتقدند مؤمن بایستی در زمان حیاتش چندین قبر حفر کند.

رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) نیز فرموده اند: «هر کس برای رضای خدای برای مسلمانی قبری بکند خدا او را بر آتش حرام کند و او را در خانه بهشتی جای دهد و او را وارد حوض فرماید که به شماره ستارگان جام ها در کنار دارد.»

و امام صادق فرموده اند: «هر کس مؤمنی را کفن کند همچنان است که تا روز قیامت ضامن پوشاك وی شده و هر که برای مومنی قبر بکند چنان است که او را تا قیامت در خانه ای مناسب و موافق جای داده باشد»

با این دو کلام مبارك به جاست حتی اگر گورکنی را برای کندن قبری مأمور یا اجیر کرده اند کسانی که حاضرند، در کندن قبر به او کمك کنند تا از ثواب و اجر این سنت اسلامی محروم نمانند.

بر دوش همراهان به سوی خانه ابدی

بعد از اقامه نماز بر جسدی که تسلیم اراده خدا شده است، مشایعت کنندگان تابوت را بلند کرده تا بر دوش گیرند و او را به سوی خانه قبر حمل نمایند. رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) می فرمایند: زمانی که بدن میت ر ا از زمین بردارند روح میت بر تابوت قرار گیرند و با تشییع کنندگان خود سخن گوید و چنین ندا می نماید:

ص: ۳۰

«ای خانواده من و ای فرزنـدان من دنیا با شـما بازی نکند چنان که با من بازی کرد و فریبم داد و از حلال و حرام جمع نمودم، و برای غیر خود قرار دادم. لذت آن مال ها برای دیگران است و حساب روز میقات آن مال می باشد. و بترسـید از آنچه بر سر من آمده است.»

ولی چه سود که بر اثر تعلق به دنیا و غرق لذائذ فانی آن بودن از شنیدن آنچه می گوید عاجزیم و این محرومیت به میزان خود بـاختگی مـاست. و به جز آن عـده که مزه مرگ اختیاری را چشـیده انـد، و چشم و گوش برزخی دارنـد، هیـچ کس از تشـییع کنندگان نه قدرت دیدن التهاب میت را دارند و نه دارای گوشی هستند که آن همه ضجه و تضرع را بشنوند...

چه کسی و چگونه برای دفن برود؟

در همین زمان که میت را دور از خانه اش از دوش بر زمین می گذارنـد تا از اهل هول و هراسـش کاسـته شود، به دو موضوع می باید توجه داشت و این آداب را رعایت کرد:

اول: به فرموده امام صادق (علیهِ السَّلام) پسر می تواند داخل قبر پدر خویش گردد ولی نباید پدر وارد قبر فرزندش شود. دیگر این که چه کسی حق ورود بر قبر زن را برای انجام مراسم تدفین دارد؟ فرموده اند:

«شوهر سـزاوارتر از دیگران به زن خود می باشـد تـا او را در قبرش بگـذارد.» و اگر به جهاتی برای شوهر امکان مراسم تـدفین نبود یا زن، شوهر نداشت، امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) فرموده اند:

«داخل قبر زن نشود مگر کسی که در حال حیات و زندگانیش او را دیده باشد.» به این معنا که کسانی که به او محرم بودند مانند خواهر زاده، برادرزاده، برادر، عمو، دائی می توانند داخل قبر شده مراسم تدفین را به اتمام رسانند.

دوم: کسی که می باید برای انجام واجبات امور تدفین داخل قبر شود نخست با طهارت باشد، سر برهنه، دکمه های لباس خود را باز کند، ردا و کفش خود را کنده سپس داخل قبر شود زیرا رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) به چنین سنتی دستور داده اند.

سوم: از محدث بزرگ شیخ صدوق (رَحمَه الله) از پدرشان علی بن حسین قمی (رَحمَه الله) می گوید: «هنگامی که در قبر رفتی تا مرده ای را گرفته و در گور قرار دهی، سوره های حمد و ناس و فلق و آیه الکرسی را بخوان.»

چه خوش است خواندن زیارت عاشورا در قبر که بزرگان به این سنت توجه اکید داشته اند و خوشبختانه بعضاً مراعات هم می شود.

چهارم: در همین اوقات که به تلاوت قرآن یا زیارت عاشورا اشتغال دارند به فرموده امام صادق (علیهِ السَّلام) برای میت بالشی از خاک فراهم آورده تا سر میت به زیر نیفتد و بهتر است خاکی که بر آن هفتاد آیه الکرسی خوانده شده است. زیر صورتش بریزند.

پنجم: سپس به تبعیت از پیامبر خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) که سه مشت خاک در قبر می پاشیدند از خاک های گور که بیرون ریخته شده است برداشته در حالی که می گوید:

ص: ۳۲

«اَللّٰهُمَّ اِیماناً بِکَ وَ تَصدیقاً لِرُسُلِك وَ ایقاناً بِبَعثِکَ، هذا ما وَعَدَ الله وَ رَسوله وَ صَدَقَ الله وَ رَسولُه»

خاك را بر قبر بپاشید که فرموده اند: «به اندازه هر ذره ای از خاك حسنه دارد» چنانکه که امیرالمؤمنین حضرت علی (علیهِ السَّلام) اینچنین می فرمودند.

ششم: وقتی از این امور فارغ گشت به صلوات و استغفار مشغول باشد که دارای فیوضات غیرقابل وصف می باشد. می باید از کسانی که در جوار و نزدیک میت ایستاده اند تقاضا کرد هر کدام به دعائی یا ذکری مشول باشند و از پرداختن به امور دنیا یا کلماتی که گویای خاطره خوشی از میت نباشد اجتناب نمایند.

نحوه به قبر بردن

در پی این آداب و سنن که هر کدام دارای فیض و برکتی است میت را اندك اندك (به قبر) نزدیک سازند، مرد را پایین پای قبر و زن را پیش روی قبر، سمت قبله گذارند و سپس با دعائی که امام صادق (علیهِ السَّلام) تعلیم داده اند جنازه را به آرامی بلند کنند و بگویند:

«بسم الله و بالله و علی مله رسول الله اللهم الی رحمتك لا الی عذابک» «به نام الله و به الله و بر سیره و روش رسول خدا (این کار را انجام می دهم)، خداوندا به سوی رحمت تو، نه به سوی عذابت (او را هدایت بفرما.»

و آنگاه اگر میت زن بود شوهرش در جائی می ایستد که از قسمت

میان تن و ران او را بگیرد و دیگری بالای تنه زن را بگیرد نفر سوم نیز سمت پا را بگیرد و اگر میت مرد بود او را با سر از سمت پای قبر که به فرموده رسول خدا (صَلّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) درب قبر محسوب می شود آهسته وارد قبر می کنند و خوب است در این موقع همان دعائی را بخوانند که از لبان مبارک حضرت علی مرتضی (علیهِ السَّلام) شنیده شده است:

«بِسمِ اللهِ وَ عَلی مِلَّه رَسولِ الله اَللّهُمَّ اَفسِخ لَه فی قَبرهِ وَ نَوِّر لَه وَ اَلحِقُه بِنَبِّیهِ وَ اَنتَ عَنه راضٍ غَیرَ غَضبانٍ»

«به نام خدا و بر طریق و ملت رسول خدا. خداوندا قبر را برایش فراخ گردان و آن را نورانی کن، و این میت را با پیغمبرش محشور گردان در حالی که از او راضی و غیرخشمناک باشی.»

آداب به خاک نهادن

وقتی میت را به طور کامل داخل قبر نهادند او را در حالی که رویش به قبله است به طرف راست در لحد گذاشته خشتی یا کلوخی در پشتش بذارند تا تکیه گاه بدنش باشد سپس همه بندهای کفن را گشوده صورت میت را بر همان بالش خاکی که از پیش فراهم آورده شده بگذارند و این دعا را بخوانند:

«اَللّهُمَّ جافِ الاَرضَ عَن جَنبَیهِ وَ صَعِّد اِلیکَ وَ وَلَقِّهِ مَنکَ رِضوَانا»،

به فرموده رسول خدا (صَلّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) داست را روی بینی اش بگذار تا این که رو به قبله بودنش محرز گردد و آنگاه بعد از «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» سوره های حمد و فلق و ناس و آیت الکرسی را خوانده سپس

بگوید:

« اَللّهُمَّ یا رَبّ عَبدکَ وَ ابنَ عَبدِکَ نَزَلَ بِکَ وَ اَنتَ خَیرَ مَنزولٍ بِه»

خداوندا بنده تو و پسر بنده تو به نزد تو فرود آمده و تو بهترین کسی هستی که به نزدش فرود آیند (بهترین میزبان می باشی.)

تلقین

نخست باید بدانیم که میت در تمامی مراحل مراسم خاکسپاری بر آنچه می گذرد اشراف داشته، می بیند و می شنود زیرا رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) درباره فاطمه بنت اسد (عَلیها السَّلام) مادر مکرم حضرت امیرالمؤمنین علی (علیهِ السَّلام) فرمودند: «قسم به آن کس که جان محمد به دست اوست محققاً فاطمه (بنت اسد) صدای به هم خوردن دست راست و چپم را شنید.» و این شنیدن به مؤمن و کافر بودن جنازه ارتباطی ندارد و از خواص آن عالم است چنانکه در روایت آمده است که: «در جنگ بدر که جنازه های کفار را در چاهی ریخته بودند حضرت رسول (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) خطاب به آن جنازه ها در چاه فرمودند: «من آنچه را که خداوند به من وعده داده بود را به حق یافتم، آیا شما هم آنچه خدا به شما وعده داده بود یافتید؟»

عده از اصحاب به حضرت گفتند: «آنها هم اکنون مرده اند چطور شما با آنها سخن می گویید؟

حضرت فرمودند: «آنها هم اکنون از شما شنواتر و بیناتر هستند....»

وقتی آداب خوابانیدن میت به اتمام رسید کسی که مراسم تدفین را

انجام می دهـد دست راست خود را زیر شانه راست که بر زمین است قرار می دهـد، اگر کلمات تلقین را حفظ است، از حفظ می خواندوگرنه کسی از بیرون بخواند و او زیر گوش میت همان کلمات را تکرار کند. سپس سنگهای لحد را مرتب و دقیق به جایش گذارده بنابر دستور امام صادق (علیهِ السَّلام) بخواند:

« اَللّهُمَّ آنِسٍ وَحشَتَهُ وَصِلِ وَحدَتَهُ وَ ارحَم غُربَتَهُ وَ آمِن رَوعَتَهُ وَ اَسکِن اِلیهِ رَحمَهً واسِعَهً یَستَغنی بِها عَن رَحمَهِ مَن سِواکَ وَ احشُرهُ مَعَ مَن کانَ یَتَوَلّاهُ»

«خداوندا وحشتش از قبر را به انس مبدل کن، و تنهائی وی را جبران نما، و به غربت وی رحم کن، و از ترس در امانش بدار، و به رحمت واسعه خود او را جای ده که از رحمت دیگران بی نیاز شود و با موالیانش (۱) (دوستانش از اهل بیت (عَلیهِم السَّلام)) محشورش کن.

و هر وقت که به زیارتش رفتی این کلمات را بگوی. سپس به سنگ لحد توجه نموده، اگر روزنه ای دیده می شد، آن را مسدود کند که رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) خودشان اینچنین می کردند و می فرمودند: خدا بنده ای را دوست دارد که وقتی عملی انجام می دهد آن را محکم و خوب به پایان رساند. وقتی کار به اتمام رسید همانطور که امام صادق (علیهِ السَّلام) فرموده اند میت را از هول آنچه بر آن مشرف است به خداوند سپارد و در حالی که خاک را از دستهایش می تکاند بگوید: .

۱- جمع مولا.

«انا لله و انا الیه راجعون»، «همه ما از خداوندیم و بازگشتمان به سوی اوست»

از سمت پا بیرون آید که امام صادق (علیهِ السَّلام) فرموده اند:

«هر که وارد قبر می شود باید از جانب پاهای میت بیرون آید.»

سپس قبر را به فرموده رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) با گلی که از خاک همان قبر فراهم آورده اند، پُر و مسدود کنند. و وقتی این کار تمام شد، حاضرینی که نسبت خویشاوندی با میت ندارند با پشت دست خود خاک بر قبر بریزند. و این دعا را بخوانند:

« اَللّهُمَّ ایماناً بِکَ وَ تَصدیقاً بِکِتابِکَ هَذا ما وَعَدَنَا اللهُ وَ رَسولُهُ وَ صَدَقَ اللهُ وَ رَسولُه.»

«خدایا جمله این کارها که انجام می دهیم بدان سبب است که به تو ایمان داریم و کتاب تو را باور داریم. این امور چیزی است که خداوند عزوجل و رسول او ما را بدان وعده داده اند و خدا و رسول او راست و درست گفته اند»

و آنگاه که خاک ریختن آغاز شد بهتر است زیارت عاشورا خوانده شود و ثوابش را به روح میت هدیه کنند.

پاشیدن آب بر روی قبر

پس از اتمام عمل خاک ریزی به تبعیت از ابوذر غفاری که بر مزار فرزند دلبندش انجام داد دست بر قبر کشیده بگوئید: «ای فلان (اسم میت را ببرید) خدا تو را رحمت کند به خدا قسم که تو نسبت به من

بسیار نیک رفتار و نیکوکار بودی و در حالی که از تو خشنود بودم تو را از من گرفتند و به دیار مردگان شتافتی.»

و بعد هنگامی که قبر مستطیل شد بر قبر، آب پاشیده و رو به طرف قبر در حالی که قبله را پیش روی خود قرار می دهی آب را از بالای سر به روی قبر می پاشی و به دور قبر نیز می پاشی، سپس از چهار سو از اطراف قبر آب را می پاشی تا بر می گردی بدون این که آب را قطع نمائی و اگر از آب چیزی زیاد آید آن را در وسط قبر بریز سپس کفت دستت را نزدیک سر میت بگذار و انگشتانت را باز کن و کف دست را بر خاک فرو بر.

از حضرت امام صادق (علیهِ السَّلام) درباره پاشیدن آب بر روی قبر پرسیدند. حضرت در پاسخ فرمودند: «تا وقتی که رطوبت در خاک قبر باقی است عذاباز میت دور می شود.»

تضرع مردگان به بازماندگانشان

از «لب اللّباب قطب راوندی» نقل شده که در روایت است که مردگان در هر شب جمعه از ماه مبارک رمضان می آینـد و هر یک از آنها با صـدای گریان فریاد می زند که اهل اهل من، ای فرزندان من، ای خویشاوندان من! مهربانی کنید به ما با چیزی، خـدا رحمت کنـد شـما را، ما را به خاطر بیاوریـد، فراموش مکنیـد ما را، رحم کنید بر ما و بر غربت ما. رحم کنید بر ما و بخل نکنید از دعا و صدقه ای برای ما، شاید خدا شما را نیز رحم کند پیش از آنکه شما نیز مانند ما شوید.

ص: ۳۸

ای دریغ که ما توانا بودیم مانند شما. ای بندگان خدا بشنوید سخن ما را و ما را فراموش نکنید، به درستی که این زیادیهای معاش که در دست شما است در دست ما بود؛ ما آنها را در راه خدا خرج نکردیم و حق را منع کردیم، اینک آنها وبال(۱) ما گردیده و منفعت برای دیگران.

پس فریاد می کنند: چقدر نزدیک است که به حال خود گریه کنید و نفع ندهد، چنانکه ما اینک گریه می کنیم و نفع نمی دهد ما را. پس کوشش کنید پیش از آنکه مثل ما شوید.(۲)

و در «جامع الاخبار» نقل شده که بعضی از صحابه حضرت رسول (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) از آن حضرت نقل کردند که فرمودند: «هدیه بفرستید برای مردگان خود، عرض کردیم هدیه مرده ها چیست؟

فرمودند: صدقه و دعا، و فرمودند: ارواح مؤمنین هر جمعه به آسمان دنیا می آیند و هر یک از ایشان به آواز حزین و گریان، مقابل خانه ها و منزلهای خود فریاد می کنند: ای اهل من و ای پدر و مادر من و ای خویشان من! خدا شما را رحمت کند، با ما مهربانی کنید، به آنچه در دست ما بود و اینک عذاب و حساب آن بر گردن ماست و نفعش برای غیر ما. و هر یک فریاد می کنند خویشان حود را که مهربانی کنید به ما با درهمی(۳) یا قرص نانی یا لباسی، که خداوند بپوشاند شما را از لباس بهشت. پس رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) گریستند و ما .

۱- عذاب و سختی.

۲- سفینه البحار، ذیل کلمه موت.

۳- واحد پول آن زمان که ارزش آن بسیار کم بود.

نیز گریه کردیم؛ و آن جناب از شدت گریه قادر به سخن گفتن نبودند.

سپس فرمودند، اینها برادران دینی شمایند که زیر خاک پوسیده شده اند بعد از سرور و نعمت، پس ندا می کنند به عذاب و هلاکت بر جانهای خود و می گویند: وای بر ما اگر آنچه را که در دست ما بود در راه طاعت و رضای خداوند انفاق نمی کردیم، اینک به شما محتاج نبودیم، پس بر می گردند با حسرت و پشیمانی و فریاد می زنند: زود بفرستید صدقه مردگان را.(1)

و نیز در آن کتاب از آن حضرت روایتی است که فرمودند: «هر صدقه ای که برای مرده ای بدهید ملکی آن را می گیرد و در طَبَقی(2) از نور می گذارند، که آنچنان درخشان است که شعاع آن که به هفت آسمان می رسد، پس بر لب قبر می ایستد و فریاد می کند: «السلام علیکم یا اهل القبور(3)» اهل شمکا این هدیه را به سوی شما فرستاده اند. پس میت آن را می گیرد و به قبر خود می برد و به وسیله آن هدیه خوابگاهش فراخ و وسیع می گردد.

و فرمودند: آگاه باشید که هر کس مرده ای را با صدقه ای مهربانی کند، نزد خدا (بزرگی) اجر او مانند کوه احد است، و در روز قیامت که سایه ای جز سایه عرش خدا نیست، در سایه عرش خداوندی آرام می گیرد، و زنده و مرده با این صدقه نجات می یابند.(4) .

۱- جامع الاخبار، ص۱۹۷.

۲- نوعی ظرف.

۳- سلام بر شما ای اهل قبور.

۴- جامع الاخبار، ص۱۹۷.

حکایت شده که امیر خراسان را در خواب دیدند که می گفت: آنچه را که برای سگان خود می اندازید برای من بفرستید که به آن محتاجم. علامه مجلسی (رَحمَه الله) در «ذادالمعاد» فرموده: «نباید مردگان را فراموش کنند، زیرا دستشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و به فرزندان و خویشان و برادران مؤمن خود امیدوارند و چشم به راه احسان ایشانند خصوصاً در دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه (نمازهای واجب پنجگانه و در مشاهده مشرفه.(۱) پدر و مادر را بیش از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان به جای آورد.

و در روایت آمده است که چه بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاق(۲) ایشان باشد و بعد از فوت ایشان به سبب اعمال خیری که برای ایشان بجا آورده نیکوکار گردد و چه بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار بوده و بعد از فوت ایشان عاق گردد، به خاطر آنکه اعمال خیری که باید برای ایشان بفرستد کم به جا آورده.

و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آن است که قرض ایشان را ادا کند و آنها را از حقوق خدا و خلق بری(۳) گرداند، و حج و سایر عباداتی که از ایشان فوت شده سعی کند به صورت استیجار، یا تبرع به جای آورد.(۴) .

۱- منظور از مشاهده مشرفه قبور ائمه اطهار و مکانهای پر معنویتی مانند مسجدالحرام و مسجدالنبی و مانند آن است.

۲- منظور از عاق والدین نارضایتی آنها از فرزند می باشد که تأثیر آن عدم رضایت خداوند متعال از انسان است.

۳- یعنی حق هایی که از طرف خدا بر او واجب شده (مانند نماز خواندن و روزه گرفتن) و حقهایی که مردم بر گردن او دارند (مانند بدهی ها و معذرت خواهی ها و....) را به جا آورد و ادا کند.

۴- یعنی یا برای آنها اجیر بگیرد و یا اینکه خودش یا دیگران مجاناً آن را بجا بیاورند. «زادالمعاد».

و در حدیث صحیح نقل شده است که حضرت صادق (علیهِ السَّلام) در هر شب برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز می خواندند و در رکعت اول «انا انزلناه» و در رکعت دوم «انا اعطیناك الکوثر» را می خواندند.(۱)

هدیه به اموات

به سند صحیح از حضرت امام صادق (علیهِ السَّلام) نقل شده است که:

«چه بسا میتی در تنگی و شدت بوده و حق تعالی به او وسعت دهد و تنگی و فشار را از او بردارد، و به او می گویند این فرح و شادیکه برای تو روی داد به خاطر نمازی است که فلان برادر مؤمن برای تو بجا آورد. راوی پرسید: آیا دو میت را در دو رکعت نماز می توانم شریک کنم؟ فرمودند: آری. و فرمود که مردگان شاد می شوند به دعا و استغفاری که برای او انجام دهند، چنانچه زنده ها نیز به هدیه ای که برای او می برند شاد می شوند.(۲)

و فرمودند که: «نماز و روزه و حج و صدقه و سایر اعمال خیر و دعا به میت در قبرش وارد می شود، و ثواب آن اعمال هم برای کسی است که کرده و هم برای مرده، برای هر دو نوشته می شود.

و در حدیث دیگر فرمودند که: «هر کس از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بجای آورد، خدا ثواب آن را مضاعف می گرداند، و میت .

ص: ۴۲

۱- زادالمعاد علامه مجلسی، ص۵۷۳.

۲- زادالمعاد، ص۵۷۳.

به آن عمل منتفع می گردد».

در روایتی وارد شده است که: «هرگاه شخصی به نیت میتی تصدقی بدهد، حق تعالی جبرائیل را امر می فرماید که با هفتادهزار ملک به قبر او بروند و هر یک طَبَقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک به او می گویند: سلام بر تو ای دوست خدا، این هدیه فلان مؤمن است برای تو، پس قبر او روشن می شود و خداوند متعال هزار شهر در بهشت به او کرامت می فرماید. و هزار حوری به ازدواج او درمی آورد، و هزار حُلّه(۱) به او می پوشاند و هزار حاجت او را روا می کند.(۲)

زیارت اهل قبور

ابوذر غفاری (رَحمَه الله) می گوید که رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) به من فرمودند: «ای اباذر تو را وصیت و سفارش می کنم. پس آن را حفظ کن شاید خدا به وسیله آن تو را نفع بخشد؛ مجاورت قبرها کن و بدین وسیله آخرت را به یاد آور.»(۳)

آری یکی از اموری که انسان را به یاد مرگ و سفر آخرت می اندازد رفتن به زیارت اهل قبور و اموات است که باعث می شود انسان خود را در فضایی مشاهده کند که زمانی نه چندانو دور جایگاه خود او می شود. او با چشم جان می بیند که مقصد هر انسانی قبر است و سعادت .

۱- لباس بهشتی.

۲- اکثر مطالب این فصل، با اندکی تغییر، از کتاب مردگان از ما چه می خواهند تالیف معصومه بیگم آزرمی استخراج شده است.

۳- البحار - ماده قبر.

یا شقاوت او در اینجاست که روشن می شود.

او می بیند که در زمانی نه چندان دور در همین قبرها مردگانی وارد شده اند که دیگر رشته امیدشان از دنیا و مردماتن آن بریده شده و تنها باید منتظر اعمال خود باشند که آیا موجبات خیر او را فراهم می کند یا جز عذاب الهی چیزی برای او نخواهد داشت.

انسان اینها را می بیند اما همان گونه که امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) فرموده اند: «چه بسیارند عبرتن ها و چه اندکند عبرت گرفتن ها»

حضرت امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) نیز درباره زیارت اهل قبور می فرمایند: «مردگان خود را زیارت کنید که به زیارت شما شاد می شوند.»(۱)

روایت است که امام صادق (علیهِ السَّلام) در مورد زیارت قبور فرمودند: «مردگان به شما انس می گیرند و هنگامی که از نزد آنان بر می گردید وحشت می کنند.»(۲)

راوی نقل می کند که از امام کاظم (علیهِ السَّلام) پرسیدم: «آیا مؤمن می داند چه کسی قبر او را زیارت می کند؟ آن حضرت فرمودند: بله و پیوسته به آن (زائر) انس دارد مادامی که بر سر قبر اوست اما هنگامی که از کنار قبر او می رود وحشت میت را فرا می گیرد.»(۳)

کیفیت زیارت اهل قبور

موارد متعددی در روایات ذکر شده در باب کیفیت زیارت اهل .

۱- کافی ۴/۲۳۰.

۲- کافی ۲۲۸/۳.

۳- کافی ۲۲۸/۳.

قبور که در اینجا به چند مورد اشاره می شوند:

راوی می گوید از امام صادق (علیهِ السَّلام) چگونگی سلام دادن بر اهل قبور را پرسیدم آن حضرت فرمودند: می گویی: «اَلسلامُ عَلی اَهلِ الدّیارِ مِنَ المُسلِمینَ وَ المُؤمنینَ رَحِمَ الله المُستَقدِمینَ مِنّا وَ المُستأخِرینَ وَ اِنّا اِن شاءَالله بِکُم لاحِقونَ»(۱)

همچنین از امام رضا (علیهِ السَّلام) نقل است که آن حضرت فرمودند: «کسی که بر سر قبر برادرش برود و دست خود را بر قبر قرار نهاده و هفت مرتبه سوره «انا انزلناه» را بخواند از فزع(۲) نجات می یابد.»(۳)

همچنین از حضرت امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) نقل شده است که: «هر کس داخل قبرستان شود و بگوید:

بِسم الله الرحمن الرحیم، السَّلامُ عَلَی اَهلِ لَا إِلَهَ إَلاَّ اللهُ مِن اَهلِ لَا إِلَهَ إَلاَّ اللهُ یَا اَهلَ لَا إِلَهَ إَلاَّ اللهُ کَیفَ وَجَدتُم کَلِمَهَ لَا إِلَهَ إَلاَّ اللهُ یَا لَا إِلَهَ إَلاَّ اللهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إَلاَّ اللهُ اغفِر لِمَن قَالَ لَا إِلَهَ إَلاَّ اللهُ واحشُرنَا فِی زُمرَهِ مَن قَالَ لَا إِلَهَ إَلاَّ اللهُ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهُ عَلّیٌّ وَلیُّ الله.

حضرت حق سبحانه و تعالی، ثواب پنجاه سال عبادت برای او بنویسد و گناه پنجاه ساله از او و پدر و مادرش محو گرداند.»(۴)

.

۱- کافی ج۳/ ص۲۲۹.

۲- هراس.

۳- کافی ۳/۲۲۹. (نکته ای در پاورقی: در پایان این روایت، تردید از راوی است که حضرت فرموده اند از فزع اکبر نجات می یابد یا از روز فزع).

۴- مفاتیح الجنان.

برطرف شدن عذاب قبر به واسطه فرزند صالح

امام صادق (علیهِ السَّلام) هم در روایتی از رسول گرامی اسلام نقل می کنند که روزی حضرت عیسی (علیهِ السَّلام) از کنار قبری عبور کردند که صاحب آن به عذاب الهی گرفتار بود. آن حضرت سال بعد هم از کنار همین قبر عبور کردند، ولی برخلاف سال گذشته صاحب قبر دیگر عذاب نمی شد. از درگاه الهی علت آن را جویا شد. وحی رسید که آن شخص دارای فرزند صالحی است که راهی را اصلاح و یتیمی را پناه داده است، به همین جهت او را مورد مغفرت قرار داده و بخشیدم.(۱)

آری فرزند صالح هم همانند صدقات جاری برای والدین در عالم برزخ موجب اجر است. گاهی فرزند صالح برای پدر و مادر خویش استغفار می کند و خداوند در برزخ آنان را مشمول عفو و رحمت خود قرار می دهد و گاهی حتی بدون آنکه به یاد پدر و مادر باشد عمل نیکی انجام می دهد و چون انجام دادن آن کار خوب محصول تربیت صحیح والدینش بوده، خداوند در عالم قبر آنان را از عمل خیر فرزندشان برخوردار می سازد و به عذابشان خاتمه می دهد.(۲)

خبرهایی از دنیای پس از مرگ

بزرگی از سلسله جلیل القدر سادات نقل می کند که: «وقتی پدرم (را که روحانی بود) در خواب دیدم، از ایشان پرسیدم: «ارواحی که .

ص: ۴۶

۱- همان، ج۶، ص ۲۲۰.

۲- عبدالله جوادی آملی، معاد شناسی، ج۲، ص۲۹۲.

در عالم برزخ (قبر) معذبند، عذاب و سختی های آنها چگونه است؟

پـدرشان در پاسـخ فرموده بودنـد: «آنچه برای تو که هنوز در عـالم دنیا هستی می توان بیان کرد به طور مثال اینچنین است که گویا در درّه ای باشیو چهار طرفت را کوههای بسیار مرتفعی که توانایی بالا رفتن از آنها را نداشته باشد احاطه کرده باشد؛ در همان حال گرگی هم تو را دنبال کند و هیچ راه فراری نداشته باشی!

دوباره پرسـیدم: «آیا خیراتی که در دنیا برای شـما انجام داده ام به شـما رسـیده و کیفیت بهره منـدی شـما از خیرات ما چگونه است.»

پـدرشان در پاسـخ فرموده بودنـد: «بلی تمام آنها به من رسـیده گویا در حمام بسـیار گرم پر از جمیعی باشـی که در اثر کثرت تنفس و بخار و حرارت، نفس کشـیدنت سـخت باشـد در آن حال گوشه درب حمام باز شود و نسـیم خنک به تو برسد چقدر شاد و راحت و آزاد می شوی؟! چنین است حال ما هنگام رسیدم خیرات شما.

در آن خواب پدرم را سالم و نورانی دیدم، اما لبهای او زخم دار و آلوده به چرک و خون بود؛ از آن مرحوم سـبب زخم بودن لبهایش را پرسیدم و گفتم: «اگر از دست من برای بهبود لبهای شما کاری بر می آید بفرمایید تا انجام دهم.»

پـدرشان در پاسـخ فرموده بودنـد: «علاـج آن تنها به دست مادر علویه شـماست، زیرا سـبب آن اهانتی بود که در دنیا به او می نمودم و او را

که نامش سکینه بود، «سکو»(۱) صدا می زدم و او رنجیده خاطر می شد و اگر بتوانی او را از من راضی کنی امید بهبودی است.

نقل کننده محترم می گوید: من این مطلب را به مادرم گفتم و ایشان گفتند: بله، پدر شما هر وقت مرا می خواند از روی تحقیر می گفت خانم «سکو» و من سخت آزرده و رنجیده خاطر می شدم ولی اظهار نمی کردم و به احترام ایشان چیزی نمی گفتم و چون فعلاً گرفتار است او را حلال کردم و از او راضی هستم و از صمیم قلبم برایش دعا می کنم.(۲) .

۱- برای اختصار بعضی محمد را ممد و یا زهرا را زری می گویند.

۲- از کتاب قبر و اجساد سالم.

فصل دوم: قبر، خانه تاریک

قبر

یکی از مهمترین مراحل و هولناکترین منازلی که پس از مرگ در مسیر انسان قرار دارد، قبر است؛ که روشنگر این است که انسان از اهل سعادت بوده و سرانجامش بهشت و نعمت های آن است یا از اهل شقاوت بوده و پایانی جز آتش ندارد. و در روایتی شریف ازط رسول خدا (صَلّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) به این مطلب اشاره شده است که فرمودند: «اَلقَبرُ رَوضَهٌ مِن رِیَاضِ الجَنَّهِ أَو حُفرَهٌ مِن حُفَرِ النِّیرَان» «قبر یا باغی است از باغستانهای بهشت یا جایگاهی از جایگاههای آتش.»(۱)

در همین منزل مراحلی است که بی هیچ تردیدی واقع می شود و آیات و روایات بسیاری برآن اشاره دارد و در این نوشتار سعی شده تا پاره ای از آن امور از دیدگاه روایات مورد بیان قرار گیرد. .

ص: ۵۰

۱- بحار ج۶/ص۲۰۵ - الخرائج و لجرائح ج ۱/۱۷۴.

عالم بزرگ شیعه مرحوم علامه مجلسی (رَحمَه‌الله) در کتاب گرانسنگ حق الیقین می فرمایند ابن بابویه به سند معتبر از علی بن الحسین امام سجاد (علیهِ السَّلام) روایت کرده است که آن حضرت در هر جمعه در مسجد حضرت رسول (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) مردم را موعظه می کردند و از جمله آن موعظه ها این بود:

«ای فرزند آدم اجل تو سریع ترین چیزهاست که به سوی تو نزدیک است که تو را دریابد و ملک روح تو را قبض کند و (آنگاه تو باید) به سوی منزلی تنها بروی، پس روح تو را به سویت برگردانند و منکر و نکیر برای سؤال و امتحانی شدید به سوی تو بیایند به درستی که اول چیزی که از تو سؤال می کنند از دین توست که به آن اعتقاد داشته ای و از کتاب توست که آن را تلاوت می کرده ای و از امامی است که ولایت آن را اختیار کرده ای و در چه چیز تلف کرده ای پس عذر خود را بگیر و جوابت را پیش از امتحان و سئوال شدن، آماده کن. اگر مؤمن و پرهیزگاری و عارفی بدین خود و متابعت ائمه صادقین (عَلیهِم السَّلام) کرده ای و موالات به اولیاء و دوستان خدا کرده ای خدا جواب را به تو تلقین می کند و زبانت را گویا می گرداند به جواب درست، پس جواب را نیکو می گویی و بشارت می دهند تو را به بهشت و خشنودی خدا و زنان نیکوی خوش خوی و ملائکه با روح و ریحان از تو استقبال می کنند؛ و اگر چنین نباشی زبانت مضطرب شده و حجت تو باطل می شود (جوابت مورد قبول واقع نمی شود) و

نمی توانی جواب دهی. و (آنگاه) ملائکه تو را به آتش بشارت داده و با نُزُل حَمیم و سوختن در جحیم استقبال می کنند.(۱)

تعریف قبر

در روایات بسیاری از قبر و چگونگی آن سخن به میان آمده و تعاریف گوناگونی از ابعاد مختلف آن ارائه شده است که ذیلاً به برخی از آن ها اشاره می شود:

رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) می فرمایند: «قبر یا باغی است از باغستانهای بهشت یا گودالی است از گودالهای جهنم»

در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمودند: «قبر، اولین منزل آخرت است(۲) که اگر (انسان) از آن رهایی یابد منازل بعد، از آن آسانتر است ولی اگر نجات نیابد منازل بعد بر او دشوارتر می باشد»(۳)

و البته چنین است؛ زیرا انسان اگر آنچنان پرونده و توشه ای از دنیا برای خود آورده باشد که بتواند در قبر خود را تأمین سازد، خواهد توانست در مراحل بعد نیز اسباب راحتی خود را فراهم آورد ولی اگر در قبر نتواند نجات بخش خود باشد در منزل دیگر نیز نمی تواند.

امیرالمؤمنین علی (علیهِ السَّلام) در یکی از خطبه های شریف نهج البلاغه می فرمایند: «پس (از مردن) در کفنها پیچیده می شود در حالت نومیدی .

ص: ۵۲

۱- حق الیقین ۴۰۲.

۲- البته منظور از قبر اولین منزل آخرت است، مقصود مراحل ابتدای ورود به عالم قبر (یا همان برزخ) می باشد مثلاً سؤال نکیر و منکر. زیرا که جسد میت از قبر تکان نمی خورد اما روح او برده می شود.

۳- بحارالانوار ۶/۲۴۲ - نزل حمیم: آبی گداخته جوشان که به دوزخیان می دهند جحیم: آتش دوزخ.

و (به سوی قبر) کشیده در حالتی که فرمانبردار و آرام است (چون کاری از او برنمی اید) بعد او را روی تخته های تابوت می اندازند وامانده و از حال رفته مانند شتر از سفر بازگشته و رنجور، از جهت بیماری لاغر گردیده است، پس از آن فرزندان خدمتگزار و برادران گرد آمده او را به دوش می کشند (و می برند) تا خانه غربت و بی کسی (قبر)، جایی که دیگر ملاقات نخواهد شد و چون تشییع کننده ها و مصیبت دیده ها (از گورستان) باز گردند او را در قبر می نشانند در حالتی که از وحشت و ترس سؤال (نکیر و منکر) و لغزش در امتحان آهسته سخن می گوید و بزرگترین بلاـ در آنجا پذیرایی با حمیم (آبی جوشان) و ورود به جحیم (دوزخ) و هیجان و شدت صدای آتش است، (جایی که) در عذاب سستی نیست، تا او را راحتی دهد و نه آسایشی که رنج را بر طرف سازد و نه قوت و طاقتی دارد که از آن مانع گردد و نه مرگی که او را (از این سختی) برهاند و نه چشم بر هم زدن و خواب اندکی که اندوهش را بزداید، بین انواع مرگها (دردهای سخت) و عذابهای پس در پی مبتلاست، به خدا پناه می بریم (از این عذاب ها).»(۱)

امام صادق (علیهِ السَّلام) نیز درباره قبر می فرمایند: «قبر در هر روز می گوید من خانه غربت و تنهایی ام من خانه ترس و وحشتم من خانه کِرم هستم، منم قبر، من باغی از باغهای بهشت یا گودالی از گودالهای آتشم.(۲) .

ص: ۵۳

۱- نهج البلاغه فیض السلام خطبه۸۲.

۲- کافی ۳/۲۴۲، بحار ۶/۲۶۷.

و مناسب است در اینجا ابیاتی از سعدی شیرازی آورده شود که:

هر دم از عمر می رود نفسی *** چون نگه می کنم نماند بسی

ای که پنجاه رفت و در خوابی *** مگر این پنج روز دریابی

خجل آنکس که رفت و کار نساخت *** کوس رحلت زدند و بار نساخت

خواب نوشین بامداد رحیل *** باز دارد پیاده را ز سبیل

هر که آمد عمارتی نو ساخت *** رفت و منزل به دیگری پرداخت

وان دگر پخت همچنین هوسی *** وین عمارت به سر نبرد کسی

یار ناپایدار دوست مدار *** دوستی را نشاید این غدّار

نیک و بد چون همی بباید مرد *** خنک آنکس که گوی نیکی برد

برگ عیشی به گور خویش فرست *** کس نیارد ز پس، ز پیش فرست

عمر برفست و آفتاب تموز(۱) *** اندکی ماند و خواجه غرّه (۲) هنوز

ای تهی دست رفته در بازار *** ترسمت پر نیاوری دستار

هر که مزروع خود بخورد بِخوید (۳) *** وقت خرمنش خوشه باید چید

لحظاتی پس از مرگ

پس از گرفته شدن جان انسان، روح بالای بدن قرار می گیرد. روح مؤمن را به آسمانها می برند و روح کافر را به پائین. وقتی که جنازه را حرکت می دهند اگر مؤمن است صدا می زند مرا زودتر به منزلم برسانید اگر کافر است می گوید عجله نکنید مرا زودتر به قبر نبرید. و هنگام غسل دادن، اگر مؤمن است در جواب ملکی که به او می گوید: آیا دلت می خواهد به دنیا برگردی؟ می گوید: نه. دیگر نمی خواهم به تعب و سختی برگردم.

روح میت در تشییع جنازه و هنگام غسل حاضر است. غسال را می بیند، تشیع کنندگان را مشاهده می کند، صحبتشان را می شنود. لذا امر شده است که در اطراف میت خیلی صحبت و رفت و آمد زیادی .

۱- تموز: شدت گرما.

۲- مغرور.

۳- خوید: کشتزار نارس، یعنی هر کس که کشت نرسیده خود را بخورد موقع درو کردن محصول چیزی برایش باقی نمی ماند.

نکند و مشغول ذکر و تلاوت قرآن باشند.

باید مواظب بود که رعایت مراسم مذهبی و مستحبات هنگام احتضار و غسل و کفن و دفن را بنمایند مخصوصاً مستحب است ولی میت پس از بازگشت تشییع کنندگان برگردد و تلقینش را بگوید. این آخرین تلقین است و قبل از آن هم دو تلقین وارد است: یکی در حال احتضار و دوم در هنگام دفن.(۱)

موعظه تاثیرگذار امیرمؤمنان حضرت علی (علیهِ السَّلام)

حضرت امیرمؤمنان علی (علیهِ السَّلام) در خطبه ای به خطبه «بدون الف» مشهور گشته،(۲) اینگونه مردم را موعظه می کنند که ما به جهت نشان دادن اعجاز کلام متن عربی آن را نیز ذکر می کنیم:

«.... پس از آن به حال جان کندن می رسد و دوستان از نزدیک و دور به بالین احتضار او حاضر می شوند،

«فشخص ببصره و طمح بنظره»، «و رشح جبینه» «و خطیف عرنینه» ، «و سکن حنینه»، «و جذبت نفسه»، «و بکته عرسه»

چشم به آنان می دوزد و با نظر آزمندی به آنان می نگرد، عرق مرگ بر پیشانی او می نشیند. بینی او تیغ می کشد، ناله اش آرام می شود، نفسش به شماره می افتد همسرش در مفارقت او می گرید. .

۱- معاد شهید دستغیب، ص ۴۳ و ۴۴.

۲- این خطبه که به خطبه "بدون الف" معروف گشته یکی از معجزات کلامی حضرت به حساب می آید؛ زیرا که "الف" پرکاربردترین حرف می باشد و قرائت خطبه ای با چنین معانی دقیق و والایی به جز معجزه چه چیز می تواند باشد؟ همچنین از آن حضرت که سلام خدا بر او باد، خطبه ای به نام خطبه "بی نقطه" در نهج البلاغه نقل گشته است.

«و حفر رمسه» ، «و یتم منه و ولده» ، «و تفرق عنه صدیقه و عدوه» «و قسم جمعه» ، «و ذهب بصره و سمعه» ، «و کفن و مدد»،

گورش آماده می شود، فرزندش یتیم می شود، دوست و دشمن از او جدا می گردند، و آنچه را گرد آورده است در میان وارثان تقسیم می شود، چشم و گوشش از دیدن و شنیدن باز می ماند، کفنش مهیا می گردد.

«و وجه و جرد» ، «و غسل و عری» ، «و نشف و سجی»

و رو به قبیله گذاشته می شود و دست از همه جا تهی می کند، غسل داده می شود و عریان می گردد، آب غسل او خشک می شود و جامه بر وی می افکند،

«و بسط وهییء» ، «و نشر علیه کفنه» ، « و شد منه ذقنه»

و آن جامه را در زیر او پهن می کنند و او را برای کارهای بعدی آماده می سازند، و کفنش را بر روی می افکنند، و چانه اش را می بندند.

«و قمص منه و عمم» ، «و ودع و علیه سلم» ، «و حمل فوق سریره»

پیراهنی سرتاسری روی او می اندازند و عمامه بر سر او می بندند، با او وداع می کنند و به روح او درود می فرستند، او را در میانم تابوت می گذارند و حمل می کنند.

«و صلی علیه بتکبیره» ، «و نقل من دور مزحزقه و قصور مشیده و حجر منجده» ، «فجعل فی ضریح ملحود ضیق موسود بلبن منضود مسقف بجلمود»

و تکبیر نماز میت بر او می گویند، او را از خانه هائی که با انواع

تجملات زیور یافته و از بهترین کاخها که با سنگهای گرانبها آراسته شده است منتقل می کنند، و او در گوری که روی آن لحد است و کاملاً اطراف آن مسدود شده و با خشت آراسته اند و سقفی از سنگ بر روی او نهاده اند، قرار داده می شود،

«و هیل علیه عفره» ، «وحشی مدره» ، «فتحقق جذره» ، «و نسی خبره»

و خاک بر روی آن ریخته می شود، و با کلوخ آن را انباشته می کنند، اینجا معلوم می شود که به کلی چشم از ما سوا پوشیده است، و او فراموش شده است.

«و رجع عنه ولیه و صفیه و ندیمه و نسیبه» ، «و تبدل به قرینه حبیبه»

پس از آنکه او را به گور سپردند دوستان و برگزیدگان و ندیمان و افسانه گویان از وی دور می شوند، و با دیگری هم قرین می شود، «فهو حشو قبر و رهین فقر» ، «یسعی فی جسمه دود قبره» «و یسیل صدیده علی صدره و نحره» ، «و تستحق تربته لحمه»

او در دل خاک خفته و در گروی نداری و بی چیزی است، کِرم های قبر در بدن او جای می گیرند و به خوردن گوشت بدن او می پردازند، و زرد آب دهان او بر سینه و گلویش سرازیر می شود، خاک، گوشت او را صاحب می شود،

«و تنشف دمه» ، «و یرم عظمه» ، «حتی یوم حشره» ، «فینشر من قبره»

خون بدن او خشک می شود، استخوان او خاک می شود، این حال بر او گذر می کند تا روز قیامت، سپس آنجا از قبرش بیرون می آید،

«و ینفخ فی صوره» ، «و یدعی لحشره و نشوره» ، «فثم بعثرت قبور»

«و حصلت سریره صدور» ، «و جییء بکل نبی و صدیق و شهید»

و در صور می دمد، و او را برای حشر و نشر می خواهند، در آنجاست که قبرها شکافته می شود، و باطن سینه ها هویدا می گردد، و آن روز است که همگی پیغمبران و صدیقان و شهیدان زنده می شوند،

«و قصد للفصل بعبده خبیر بصیر» ، «فکم زفره تغنیه و حسره تفضیه» «فی موقف مهیل» ، «و مشهد جلیل» ، «بین ملک عظیم» ، «بکل صغیره و کبیره علیم»

و خدائی که از همه چیز با خبر و به همه چیز بیناست برای داوری متوجه به بنده اش می شود، پس چه بسیار ناله ای که بکار او می اید و چه اندوهی او را بهره مند می سازد.

در قرارگاه وحشتناک، در برابر چشم بزرگواری، در مقابل پادشاه با عظمتی، که از کرده های کوچک و بزرگ با خبر است،

«حینئذ یلجمه عرقه و یحفز قلقه» ، «عبرته غیر مرحومه وضرعته غیر مسموعه» ، «و حجته غیر مقبوله»

در این هنگام او را با رگ گردنش لجام می زنند و به اضطراب او افزوده می شود، به اشک چشمش بخشیده نمی شود و آه و زاری او شنیده نمی شود، و دلیل او هم پذیرفته نیست،

«تنشر صحیفته و تبین جریرته حین نظر فی سوء عمله»

نامه عمل به دست او می رسد و جرم او در هنگام دیدن کارهای ناپسندش آشکار می گردد،

ص: ۵۹

«و شهدت عینه بنظره» ، «و یده ببطشه» ، «و رجله بخطوه و فرجه بلمسه و جلده بمسه»،

پایش به هر کجا رفته و فرجش (۱) با هر کس و ناکسی تماس حاصل کرده و پوستش به هر جا مالیده شده (به نفع یا ضرر او) گواهی می دهند،

«و تهدده منکر و نکیر» ، «فکشف له عن حنث یسیر» ، «فسلسل جیده و غلغل یده» ، «و سیق بسحب وحده فورد جهنم بکرب و شده»

«نکیر» و «منکر» او را در برابر اعمال ناپسند تهدید می کنند، و پرده (حتی) از گناه اندک یا قسم ناچیزی که گفته است برداشته می شود، آنجاست که زنجیر به گردن و غل به دست می بندند، و او را به سختی هر چه تمامتر می کشانند پس با ناراحتی و شدت به دوزخ می اندازند،

«فظل یعذب فی جحیم و یسقی ضربه من حمیم یشوی وجهه و یسلخ جلده» ، «یضربه ملک بمقمع من حدید» «یعود جلده بعد نضجه کجلد جدید» ، «فیستغیث فیعرض عنه خزنه جهنم» ، «و یستصرخ فلم یجب»

در دوزخ به شکنجه گرفتار می شود و از آب بسیار جوشان می آشامد که صورتش را بریان می کند و پو.ستش را می کَند، و فرشته ای او را با گرز آهنین می زند، پوست بدن او پس از بریان شدن دوباره به صورت پوست تازه ای ظاهر می گردد، فریاد می زند و موکلان دوزخ از او روی

سخنان قبر و مرده

پیامبر خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: «وقتی میت را در قبرش می گذارند، قبر به او می گوید: وای بر تو ای فرزند آدم، چه چیز تو را از من غافل ساخت؟ آیا نمی دانستی که من سرای آشوب، تاریکی، تنهایی و سرای کرمهایم، چه چیز مرا از یاد تو برد در صورتی که بارها از کنار من گذشتی؟»

اگر میت شخص صالحی باشد، از طرف او به قبر پاسخ می رسد که: «آیا تو دیده ای آن کسی را که امر به معروف و نهی از منکر می کرد؟»(۲) پس قبر می گوید: «در این صورت من به مانند باغ سرسبز بهشتی می شوم. و جسد او نورانی می شود و روحش به جانب خدا بالا می رود.» .

۱- آلت تناسلی بر می گردانند، دادخواهی می کند اما پاسخی نمی شنود. «ندم حیث لم ینفعه ندم».... (در آن حال) پشیمان می شود در حالی که پشیمانی سودی ندارد، ....» و واقعاً همین یک خطبه برای موعظه و بیدار شدن کافی است که انسان از دیگران درس بگیرد و قبل از اینکه مانند این شخص گرفتار که حضرت شرایط او را توصیف فرمودند گردد، گذشته را جبران نموده و به سوی خدا توبه کند که خداوند بسیار توبه پذیر و در حق بندگان بخشنده و مهربان است.

۲- یعنی من در طول زندگی ام امر به معروف و نهی از منکر می کردم.

یکی از بزرگـان می گویـد: هیـچ میتی از دنیـا نمی رود، مگر اینکه قبری که او را در آنجـا دفن کرده انـد، با صـدای بلنـد می گویـد: «منم خانه تاریکی و تنهایی، پس اگر در زمان حیات خود مطیع امر پروردگار بوده ای امروز من برای تو رحمتم، و اگر نافرمان او بوده ای، من امروز برای تو عـذابم، منم آن که هر کس با حال اطاعت خدا وارد من شود، خوشـحال بیرون می رود، و اگر گهنکار وارد من شود، در حالی از من بیرون شود که از رحمت خدا به دور است. دیگری می گوید: «شـنیده ام شـخص را وقتی که در قبرش می گذارند اموات همسایگی او صدا می زنند: ای بازمانده پس از برادران و دوستان و همسایه ها در دنیا آیا تو از ما پند نگرفتی؟ آیا اینکه ما جلوتر از تو رهسپار این دیار شدیم، باعث اندیشـیدن تو نشد؟ آیا تو گسستن رشته اعمال مـا را ندیـدی؟ در حالی که تو فرصت داشتی؛ پس چرا آنچه را برادرانت از دست داده بودنـد، برای خود تـدارک ندیـدی؟ و قطعـات زمین صـدا می زنـد: ای که گول ظاهر دنیا را خوردی آیا به بسـتگانی که در زیر زمین پنهان شدنـد از آن کسانی که پیش از او فریب دنیـا را خورده بودنـد و اجـل آنهـا را پیش از تو رهسـپار قبرها کرد، و تو می دیـدی که دوسـتانشان آنها را به سرعت به طرف قبر می بردند، عبرت نگرفتی؟!» دیگری می گوید: «شـنیدم میت را وقتی که در قبر می گذارند، از اعمال خود بیمنـاک است تـا اینکه خداونـد اعمـالش را به زبان می آورد، و آنها می گوینـد: «ای بنـده تنها مانـده در قبر که از دوسـتان و بستگان جدا

افتاده ای، امروز جز ما انیس و همدمی نداری»(۱)

علل سختی عالم قبر

به طور کلی سختی عالم قبر به سه عامل اصلی منتهی می شود: اول، وحشت از قبر؛ دوم، سؤال قبر و سوم، عذاب و فشار قبر.

برای درک بهتر موضوع این جهات را به طور مجزا مورد بررسی قرار می دهیم:

الف) وحشت قبر

تنگی و تاریکی قبر از یک طرف، و تنهایی و بی مونسی هم از طرف دیگر، قبر را به جایی وحشتناک مبدل می کند.

از سوی دیگر عدم شناخت و عادت به این منزل جدید بر شدت ترس و وحشت از قبر می افزایند. و البته میزان این وحشت ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد با میزان علاقه به دنیا! هر چه تعلق خاطر و دلبستگی به دنیا کمتر باشد، احساس وحشت و تنهایی هم کمتر خواهد بود و هر چه دلبستگی به آن بیشتر باشد ورود به این خانه جدید برای سخت تر و ترس و وحشتش، بیشتر خواهد بود.(۲)

در کتاب «من لا یحضره الفقیه» که از کتابهای بسیار معتبر شیعه می باشد، آمده است که، وقتی میت را نزدیک قبر می آورند، نباید او .

ص: ۶۳

۱- مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ص۵۲۶.
۲- داستانهایی عبرت آموز از احوال برزخیان.

را یک دفعه داخل قبر کنند، زیرا قبر دارای هولها و ترسهای بزرگی است، و کسانی که جنازه را حمل می کنند به خداوند متعال از هول مطلع(۱) پناه ببرند. و میت را نزدیک قبر بگذارند و اندکی صبر کنند تا برای ورود آمادگی پیدا کند، سپس اندکی او را جلوتر برده و دوباره اندکی صبر کنند؛ آنگاه او را به کنار قبر ببرند.(۲)

مجلسی اول (۳) در این باره فرموده اند: «هر چند روح از بدن جدا شده است و روح حیوانی مرده است، اما نفس ناطقه زنده است و وابستگی او از بدن کاملاً قطع نشده، و ترس فشار قبر و سؤال نکیر و منکر و رومان فتان قبور(۴)، و عذاب برزخ هست؛ تا آنکه از جهت دیگران عبرت باشد که تفکر کنند که چنین واقعه ای را در پیش دارند.»

و روایات و حکایات زیادی به سختی و وحشت انسان موقع ورود به قبر وارد شده که به چند نمونه اشاره می شود:

۱- در حدیث نقل شده که راوی گفت حدیثی از حضرت امام موسی کاظم (علیهِ السَّلام) شنیده ام که در هر خانه ای که به خاطرم می رسد، آن خانه با وسعتش بر من تنگ می شود، و آن این است که فرمودند: «چون میت را به کناری قبری بردی، ساعتی به او مهلت ده تا آمادگی .

ص: ۶۴

۱- یعنی جاهای هولناک آن عالم که بعد از مرگ دیده می شود.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۱۷۰ به نقل از منازل الآخره.

۳- علامه محمدتقی مجلسی پدر علامه محمدباقر مجلسی.

۴- رومان، نام فرشته ای است که گفته شده قبل از نکیر و منکر وارد قبر میت می شود و اعضا و جوارح میت را می بوید و بدینوسیله ایمان میت را مورد ارزیابی قرار می دهد (شاید لقب فتان القبور اشاره به این معنا داشته باشد) و با توجه به وضعیت ایمان میت، به نکیر و منکر به خوشرفتاری و یا تند خویی توصیه می کند.

سؤال نکیر و منکر را پیدا کند».(۱)

که این حدیث از شدت ترس میت از ورود به قبر خبر می دهد.

۲- از «براء بن عازب» که یکی از معروفترین صحابه است روایت شـده که ما در خـدمت حضـرت رسول (صَـلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَـلم) بودیم که نظرشان به گروهی که در محلی جمع شده بودند، افتاد. حضرت پرسیدند: «برای چه مردم اجتماع کرده اند؟» گفتند: «جمع شده اند تا قبر بکنند.»

براء گفت: چون حضـرت اسم قبر را شنیدند، شتاب کردند در رفتن به سوی آن تا خود را به قبر رساندند؛ پس زانو زده و کنار قبر نشسـتند. من رفتم مقابل روی آن حضرت ایستادم تا تماشا کنم که حضرت چه می کنند، دیدم حضرت گریستند، به حدی که از اشـک چشم خود خاک را تر نمودنـد، پس از آن رو کردنـد به ما و فرمودنـد: «اخوانی لمثل هـذا فأعـدوا» «برادران من! برای مثل این مکان تهیه ببینید و آماده شوید.»(۲)

۳- شـیخ بهـائی نقـل کرده که یکی از حکیمان را دیدنـد که در وقت مرگ حسـرت می خورد. به او گفتنـد که این چه حالی است که از تو مشاهـده می شود؟ گفت چه گمان می بریـد به کسـی که به سـفری طولانی می رود بدون توشه و زاد، و در قبر وحشتناکی بدون مونس ساکن می شود، و وارد می شود بر حاکم عادلی بدون آنکه جواب .

ص: ۶۵

۱- لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج۲، ص۴۰۰.
۲- مستدرک الوسائل، ج۱، ص۱۴۶.

مناسبی داشته باشد!؟

۴- قطب راوندی روایت کرده که حضرت عیسی (علیهِ السَّلام) مادر خود حضرت مریم (عَلیهِا السَّلام) را بعد از مردنش صدا زده و فرمودند: «ای مادر با من سخن بگو. آیا می خواهی که به دنیا برگردی؟» حضرت مریم (عَلیهِا السَّلام) پاسخ دادند: «آری، برای آنکه برای خدا در شب بسیار سرد نماز گزارم و در روز بسیار گرم روزه بگیرم. ای پسر جان من، این راه بیمناک است!»

۵- روایت شده که حضرت فاطمه (عَلیهِا السَّلام) در وصیت خود به همسرشان امیرالمؤمنین حضرت علی (علیهِ السَّلام) فرمودند: «وقتی من وفات کردم، شما مرا غسل بده و تجهیز کن (۱) و بر من نماز بگذار و مرا داخل قبر کن و در لحد بسپار، و خاک بر روی من بریز، و بنشین نزد سر من مقابل صورتم، و قرآن و دعا برای من بسیار بخوان، زیرا که آن ساعت، ساعتی است که مرده به أنس گرفتن با زنده محتاج است.»(۲)

آری هنگامی که انسان را در قبر قرار می دهند و بر روی او خاک ریخته و سنگ لحد می چینند، انسان خود را تنها می بیندا با اعمالی که در سراسر عمر انجام داده. این در حالی است که هیچ راه دسترسی به دنیای مادی ندارد تا اعمال گذشته را جبران نموده و برای آخرت توشه ای برگیرد. خود را درون فضایی بسیار تنگ و تاریک می بیند. از طرف هول و هراس سؤال نکیر و منکر، از سویی وحشت از فشار .

ص: ۶۶

۱- مجموعه کارهایی از قبیل غسل و کفن و.... که برای میت قبل از نماز میت انجام می دهند تجهیز گویند.

۲- بحارالانوار، ح۸۲، ص۲۷، به نقل از منازل الآخره.

قبر، از سویی دیگر بیم از عذاب قبر، هول برزخ و قیامت و حسابرسی و حاضر شدن در پیشگاه خداوند، عبور از پل صراط و.... وحشت و هراس وی را می افزاید و لحظاتی بسیار سخت و وحشتناک را برای او به همراه می آورد.

اما دین شریف اسلام که برای کوچکترین مسائل زندگی احکام و برنامه دارد، برای موارد اینچنینی به طور حتم برنامه و دستورالعمل خواهد داشت؛ چنانکه برای محفوظ ماندن از وحشت قبر از ائمه معصومین (عَلیهِم السَّلام) روایاتی بیان شده است که به تعدادی از آنها اشاره می شود:

بعضی از عواملی که مانع وحشت قبر می شوند

۱- رکوع کامل

از جمله چیزهایی که برای رفع وحشت قبر مفید و سودمند است آن است که رکوع نماز را کامل و تمام بجای آورد، چنانکه از حضرت امام محمدباقر (علیهِ السَّلام) روایت است که کسی که تمام کند رکوع خود را وحشتی به قبرش داخل نشود.(۱)

۲- این ذکر شریف

و نیز در هر روزی صد مرتبه بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ المَلِکُ الحَقُّ المُبِین(۲) تا برای او امان از فقر و از وحشت قبر باشد و ثروت ره به سوی خود .

۱- بحارالانوار، ج۶، ص۲۴۴ به نقل از منازل الآخره.

۲- خدای جز خدای یکتا نیست، که او پادشاه حق و آشکار است.

جلب نماید و درخای بهشت به رویش گشوده شود (چنانکه در روایت وارد شده است) (۱)

۳- سوره مبارکه «یاسین»

طبق روایات خواندن سوره مبارکه «یس» قبل از خواب، موجب برطرف شدن وحشت قبر و امان از آن می باشد.(۲)

۴- نماز «لیله الرغائب»

از جمله اموری که باعث برطرف شدن وحشت قبر می باشد، نماز شب لیله الرغائب می باشد، شب لیله الرغائب اولین شب جامعه ماه رجب است که در روایت آمده ملائکه در اطراف خانه کعبه گرد می آیند و برای روزه داران این ماه دعا می کنند و آمرزش می خواهند و شب بیداری در آن ثواب بسیار دارد. و آن نماز با بعضی از فضایل در کتاب «مفاتیح الجنان» در اعمال ماه رجب ذکر شده است.

۵- عیادت بیمار

همچنین درباره فضایل عیادت در روایات آمده است که: «هر کس بیماری را عیادت کند، حضرت حق ملکی را بر او موکل فرماید که او را در قبرش عیادت کند تا وقتی که وارد محشر شود.»(۳) !

۱- ثواب الاعمال، ص۱۹.
۲- منازل الآخره شیخ عباس قمی.
۳- ثواب الأعمال، ص۴۱۹. یکی از علتهای وحشت قبر، تنهایی قبر است، و طبیعتاً ورود فرشته آی که او را در قبرش ملاقات می کند، بایستی ماتنع این وحشت باشد. چنانکه او در دنیا با ملاقاتش آن شخص عیادت شونده را از تنهایی درآورده بود!

۶- شیعه امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام)

ازابوسعید خدری نقل شده است که گفت: شنیدم که حضرت رسول (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) به علی (علیهِ السَّلام) می فرمودند: «ای علی، شاد باش و مژده بده که برای شیعه تو وقت مردن حسرتی نیست و نه وحشتی در قبر و نه اندوهی در روز برانگیخته شدن.»(۱)

ما هم از خداوند متعال می خواهیم که ما را از شیعیان حضرت علی (علیهِ السَّلام) قرار دهد.

۷- آموزنده و یادگیرنده نیکی

پیغمبر اکرم (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: «بهترین ارمغانی که مسلمان به برادر مسلمانش می دهد پند و اندرزی است که هدایت او را زیاد و او را از هلاکت نگهدارد.» و نیز فرمودند: «بهترین بخشش و ارمغان پند و اندرز است، خدای تعالی به حضرت موسی (علیهِ السَّلام) وحی فرستاد که نیکی را بیاموز و به دیگران هم تعلیم ده که من قبر آموزنده و یاد گیرنده را روشن و نورانی کنم به طوری که از تاریخی قبر نهراسند.»(۲)

معنی وسعت قبر

علامه تهرانی (رَحمَه الله) در کتاب معاد شناسی خود از شیخ صدوق (رَحمَه الله) از حضرت امام صادق (علیهِ السَّلام) روایت کرده که: «هنگامی که مؤمن را در میان قبر می گذارند و دو فرشته نکیر و منکر از پروردگار او و دین او و .

۱- تفسیر فرات کوفی، ص۳۴۸ به نقل از منازل الآخره.

۲- ارشاد القلوب - ترجمه رضایی، ج۱، ص۳۲.

پیغمبر او سؤال می کنند، و مؤمن در جواب آنها پاسخ صحیح می دهد، تا جایی که چشمش می بیند قبرش را وسیع می کند»

البته این وسعت و گشایش، گشایش خارجی نیست کما اینکه مراد از قبر، قبر مادی نیست بلکه مراد از قبر، عالم برزخ مؤمن و مراد از گشایش، گشایش و وسعت معنوی است.

این یعنی برای آن مؤمن به اندازه ای که بینائی چشمش کشش دارد قبر او را می گشایند و وسعت می دهند.(۱) و این گشایش تابع مستقیمی است از مقدار شعاع نور چشم مؤمن. البته مقدار شعاع نور چشم معنوی اصحاب یمین و ابرار و مقربین و مخلصین تفاوت دارد، شعاع نور چشم هر فرد از این اصناف با فرد دیگر حسب اختلاف عمل و درجه تقوا تفاوت دارد.

شعاع نور چشم اصحاب یمین مراتب عالم نفس و سعه وجودی آن است که آسمانها و زمین را احاطه کرده است، و شعاع نور چشم مقربین از آنها گذشته و از اسماء حسنای الهی بهره می گیرد و شعاع نور چشم مخلصین ولوا داران مقام حمد و صاحبان شفاعت کبری که مقام محمود است، از اسماء و صفات الهی گذر کرده و به ذات مقدس حی قوم منتهی می گردد. و فانی در ذات او می شود. آنجا دیگر نزدیکی و دوری برداشته می شود و جهات از بین می رود و کسی جز ذات حضرت ربوبی از این وسعت و گشادی خبر ندارد و .

۱- امالی صدوق، طبع سنگی، ص۱۱.

نمی تواند این وسعت را بفهمد و ادراک کند. چنانکه خداوند متعال در حدیث قدسی(۱) آمده است:

«اَعدَدتُ لِعَبادی الصَّالِحینَ مَا لاَ عَینٌ رَأَت وَ لاَ أُذُنٌ سَمِعَت وَ لاَ خَطَرَ عَلَی قَلبِ بَشَرٍ، فَلَهُ مَا اَطلَعتُکم عَلَیهِ.»

«برای بندگان صالح خود چیزهایی را مهیا کرده ام که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر اندیشه هیچ انسانی خطور ننموده است، من برای بنده صالح خود آنچه شما را بر آن سرِّ مخفی آگاه می کنم قرار داده ام»

(فَلَا تَعَلَمُ نَفسٌ مَا أُخفِی لَهُم مِن قُرَّهِ أَعینٍ)(۲)

«پس هیچ نفسی نمی داند چه اسرار و ذخائری برای آنها پنهان شده است، ذخائری که موجب روشنی و تازگی چشمها گردد.»

هدیه ای در شب اول قبر

سیدبن طاووس (رَحمَه الله) از حضرت رسول (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) روایت کرده که فرمودند: «ساعتی سخت تر از شب (اول) قبر بر میت نمی گذرد، پس رحم کنید بر مردگان خود با صدقه دادن، و اگر چیزی را که صدقه بدهی نیافتی، پس هر یک از شما دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اول سوره «حمد» یک مرتبه، و «قل هو الله احد» ده مرتبه، و در رکعت دوم سوره «حمد» یک مرتبه، و سوره «تکاثر» ده مرتبه را بخواند و سلام بدهد و .

۱- احادیثی که از قول خداوند متعال نقل گشته اند، را احادیث قدسی می گویند.

۲- سوره سجده، آیه۱۷.

بگوید: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابعَث ثَوابها اِلی قَبرِ ذَلِکَ المَیِّت فلان بن فلان» (۱) که حق تعالی همان ساعت هزار ملک به سوی قبر آن میت می فرستد که با هر ملک جامه و حُلّه ای (لباسی) است، و تنگی قبر او را وسعت دهد تا روز نفخ صور(۲)، و به نماز گزارنده به عدد همه آنچه آفتاب بر آن طلوع می کند حسنات عطا کند، و برای او چهل درجه بالا برده می شود.»(۳)

نمازی برای وحشت قبر متوفی

همچنین برای رفع وحشت شب اول قبر، در شبی که متوفی را دفن می کنند دو رکعت نماز ذکر شده که به نماز «لیله الدفن» هم معروف است و کیفیت آن این چنین است: «در رکعت اول سوره «حمد» و «آیه الکرسی» و در رکعت دوم سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «قدر» بخواند و بعد از نماز بگوید: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابعَث ثَوابها اِلی قَبرِ ذَلِکَ المَیِّت فلان بن فلان» و به جای کلمه «فلان بن فلان»، نام میت و پدر میت را بگوید.(۴)

حکایت

در کتاب شریف «دارالسلام» از حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی .

۱- بار خدایا! بر محمد و ال محمد درود بفرست و ثواب آن را به صاحب فلان قبر (سپس نام او را ذکر کند) برسان.

۲- روزی که در صور دمیده شود یعنی قیامت.

۳- فلاح السائل، ص۸ به نقل از منازل الآخره.

۴- به نقل از منازل الآخره.

عَطَّرَ اللهُ مَضجَعَهُ(۱) نقل شده است که فرمود: «عادت و طریقه من بر آن بود که هر کس از دوستان اهل بیت (عَلیهِم السَّلام) را که خبر فوتش را می شنیدم، دو رکعت نماز در شب دفنش برایش می خواندم، خواه او را بشناسم یا نشناسم و هیچ کس بر این عادت من مطلع نبود.

تا آنکه روزی یکی از دوستان، مرا در راهی ملاقات کرد. گفت: دیشب فلان شخص را که در این ایام وفات کرده خواب دیدم، و از حال او و آنچه بر او گذشته بعد از مردم پرسیدم؛ گفت: من در سختی و بلا و مستحق عقاب بودم، ولی دو رکعت نمازی که فلانی خواند - و اسم شما را برد - مرا از عذاب نجات داد، خدا رحمت کند پدرش را به این احسانی که از او به من رسید.

مرحوم حاج ملا فتحعلی فرمود: آنگاه آن شخص از من پرسید که آن نماز چه نمازی بود؟ من نیز عادت همیشگی خود را در خواندن نماز برای اموات برایش بازگو کردم.»(۲)

عذاب و فشار قبر

که آن گردنه ای است بسیار دشوار که تصورش دنیا را بر انسان تنگ می کند. و روایت شده است که حضرت صادق (علیهِ السَّلام) در آخر شب که از خواب برمی خاستند با صدای بلند به حدی که اهل خانه بشنوند این دعا را می خواندند: .

۱- خداوند جایگاهش را معطر فرماید.

۲- دارالسلام، ج۲، ص۳۱۵ به نقل از منازل الآخره.

«اَللّهُمَّ اَعِنّی عَلی هَولِ المُطَّلَعِ وَ وَسِّع عَلَیَّ ضیقَ المَضجَعِ وَ ارزُقنی خَیرَ ما قَبلَ المَوتِ وَ ارزُقنی خَیرَ ما بَعدَ المَوتِ»(۱)

«بار خدایا! مرا بر هول و هراس قبر یاری ده و تنگی قبر را برایم وسیع فرما، و نیکی قبل و بعد از مرگ را نصیب و روزیم فرما.»

و از دعاهای آن حضرت است: « اَللّهُمَّ بارِک لی فی المَوتِ، اَللّهُمَّ اَعِنّی عَلی سَکَراتِ المَوتِ، اَللّهُمَّ اَعِنّی عَلی غَمِّ القَبرِ، اَللّهُمَّ اَعِنّی عَلی ضیقِ القَبرِ، اَللّهُمَّ اَعِنّی عَلی ظُلمَهِ القَبرِ اَللّهُمَّ اَعِنّی عَلی وَحشهِ القَبرِ، اَللّهُمَّ زَوِّجنی مِنَ العَینِ.»(۲)

«خدایا مرگ را برایم مبارک گردان و ما را در هنگام سکرات مرگ یاری ده، بار خدایا مرا بر غم و غصه عالم قبر یاری فرما، بارالها مرا در تنگی و ظلمت و وحشت و تنهائی قبر یاور باش، و حورالعین را روزیم گردان.»

علتهای عذاب قبر

امیرالمؤمنین علی (علیهِ السَّلام) در روایاتی به بعضی از علل عذاب قبر اشاره فرمودند: «عذاب القبر یکون من النمیمه و البول و عذب الرجل عن اهله»

«عذاب قبر از نمامی و سخن چینی کردن و غیبت نمودن و عدم احتراز از بول(۳) و سبک شمردن و بی مبالاتی نسبت به آن، یعنی عدم .

ص: ۷۴

۱- کافی، ج۲، ص۵۳۹. تعبیر به مطلع بنابر قول جرزی بخاطر این است که گویا مرده منتظر چیزی است و مانند کسی می ماند که از بالا بر او اشراف دارند و از همه چیز او اطلاع دارند.

۲- مصباح کفعمی، ص۵۷۵.

۳- ادرار کردن در حالتی که بدن در آن راحت است را احتراز از بول و حالتهایی مثل ایستاده ادرار کردن را عدم احتراز از بول گویند.

نظافت صحیح است، و دوری کردن (مرد) از اهل و خانواده خود می باشد.(۱)

و از روایت سعد بن معاذ که در همین کتاب به حکایت او اشاره خواهد شد، استفاده می شود که بدخلقی مرد با اهل و خانواده خود و درشت گوئی با آنها نیز موجب فشار قبر می شود.(۲)

و رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: «عذاب قبر در اثر سخن چینی، غیبت و دروغگوئی است»(۳)

و در روایتی دیگر از حضرت صادق (علیهِ السَّلام) وارد شده است که هیچ مؤمنی نیست، مگر آنکه برای او فشار قبر است.(۴)

و در روایت دیگر آمده است که این کفاره آن چیزی (نعمتی) است که مؤمن آن را تضییع کرده.(۵)

پرسش از تازه واردان به عالم قبر

از جمله اموری که در عالم قبر تحقق پیدا می کند، سؤال از تازه واردان به آن عالم است. این حقیقت را هم از قرآن می توان استفاده کرد و هم روایات فراوانی بر آن دلالت دارند و از اعتقادات مسلّم شیعه است. شیخ صدوق (رَحمَه الله) می گوید: .

۱- «وسائل الشیعه»، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۶۰، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۷۹.

۳- الفصول المهمه / ۱۳۱ البحار ۸/۱۹۷ صفات الشیعه/۹.

۴- بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۲۱.

۵- بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۲۱، علل الشرایع، ج ۱ ص ۳۶۰ به نقل از منازل الآخره.

اعتقـاد مـا دربـاره پرسـش در قبر این است که حق بوده و چـاره ای جز آن نیست، پس کسـی که به خوبی پاسـخگو باشـد، در قـبرش به روح و ریحـان، و در آخرت به بهشت نعمت هـا دست یـافته است و کسـی که به درستی آن هـا را جواب ندهـد، در قبرش با حمیم (آبی جوشان که خوراک دوزخیان می باشد) پذیرایی می شود و در آخرت، داخل جهنم خواهد شد.»(۱)

شیخ مفید (رَحمَه الله) نیز در این باره می گوید:

«سؤال در قبر حق است، هیچ مؤمنی درباره آن شک به خود راه نداده است.»(۲)

و در جای دیگر می فرماید:

«روایات صحیح از پیامبر اکرم (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) بیانگر آن هستند که فرشتگان بر اموات وارد گشته از دین آنها سؤال می کنند....»(۳)

پیداست که سرچشمه حقانیت چنین اعتقادی، همان قرآن و روایات اهل بیت (عَلیهِم السَّلام) است. قرآن کریم می فرماید:

(یثَبِّتُ اللهُ الَّذِینَ آمَنوا بِالقَولِ الثّابِتِ فِی الحَیاهِ الدُّنیا وَ فِی الآخِرَهِ وَ یضِلُّ اللهُ الظّالِمِینَ وَ یَفعَلُ اللهُ ما یشاءُ)(۴)

«خداوند کسی (را) که ایمان آوردند به سبب قول (و ایمان) ثابت .

۱- شیخ صدوق، الاعتقادات، ج۵۸.

۲- شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ص ۴۶-۴۷.

۳- شیخ مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص۹۹.

۴- ابراهیم (۴)، ۲۷.

(ثبات و استقامتشان نسبت به ایمان خود) پا بر جا و تثبیت می کنـد. و خداوند ستمگران را گمراه نموده و آن چه را بخواهد انجام می دهد.»

ثابت بودن بر کلمه توحیـد و ایمان، در دنیا روشن است، و اگر تثبیتی از جانب خـدا در مورد آن نباشد، سودی برایش نخواهد داشت، اما منظور از «تثبیت قول در آخرت» چیست؟

برخی مفسـران بر این باورنـد که واژه «و فی الآـخره» به تثبیت قول هنگام سؤال در قبر اشاره دارد، هنگامی که فرشـتگان مأمور در قبر از انسان متوفی چیزهایی می پرسند، خدای تعالی آنها را بر حق استوار می کند.(۱)

اما با توجه به اطلاق آیه شریفه می توان گفت: عبارت «و فی الآخره» علاوه بر قبر، مراحل پس از آن را نیز شامل می شود.(۲)

در روایتی «سوید بن غفله» از امام امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) نقل می کند: «مؤمن در جواب دو فرشـته ای که از او می پرسـند: پروردگار تو کیست، پیغمبرت کیست و دینت چیست؟ جواب می داهد:

«اللهُ رَبّی وَ مُحَمَّد نَبِیّی وَ الاِسـلامُ دینی.» «الله پروردگار من است و محمد (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) پیامبر من و اسلام دین من می باشد.»

«فیقولان: ثبّتک الله فیما تحبّ و ترضی.» «پس آن دو ملک به او می گویند: .

۱- فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج۱۹، ص۱۲۲ - محمـدبن جریر طبری، جامع البیان، ج۱۳، ص۱۳۱، امین السلام طبرسی، مجمع البیان، ج ۵و۶، ص۴۸۲.

۲- برخی مفسران نیز همین قول را برگزیده اند ر، ک: شهاب الدین آلوسی، روح المعانی، ج۱۳، ص۲۱۷ - عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج۷، ص۳۸۶ و اسماعیل حقی برسوی، روح البیان، ج۱۳، ص۴۱۶.

گویند: خداوند تو را در آنچه دوست می داری و راضی می شوی تثبیت کند.»(۱)

بنابراین از اطلاق «و فی الاخره» می توان استفاده کرد که خداوند متعال مؤمنان را در تمام مراحل اخروی (از جمله عالم برزخ و سؤال در قبر) که در مورد سؤال واقع می شوند، ثابت قدم داشته و آنان به خوبی از عهده پاسخگویی به سؤالات بر خواهند آمد.

در جواب سؤال نکیر و منکر

اِله (اِلاـه) یعنی کسی که قلب انسان متوجه اوست. در عالم برزخ اختلاف ظاهر و باطن نیست، یعنی انسان نمی تواند چیزی بگوید که به آن اعتقاد ندارد؛ باطن انسان هر چه هست همان را نشان می دهد. اگر خوب است، خوب، و اگر بد است، بد، جلوه می کند. قلب انسان هر چه بیان می کند و اعتقاد و اذعان دارد زبان ملکوتی او نیز بر همان شهادت می دهد.

در آنجا به انسان می گویند: «مَن رَبُّکَ؟» پروردگارت کیست؟ انسان همان را که در دنیا ربّ و مقصود خود داشته و به او توسل می جسته است بیان می کند؛ و در پاسخ ذکر می نماید.

«اِله»، یعنی کسی که قلب انسان متوجه اوست، همیشه با اوست، طواف دور حرم او می کند، و در مواقع خلوت و جلوت دل را پر .

۱- محمدبن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج۳، ص۲۳۱، - محمدبن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج۲، ص۲۴۴، - عبدالعلی حویزی، نورالثقلین، ج۲، ص۵۳۸ و ج۵، ص۲۲۸.

کرده و انسان همیشه در اندیشه اوست این مقصود و معبود انسان است، این معبود انسان است. یکی معبود و مقصودش زن اوست، هر چه تکاپو دارد برای اوست. یکی خدایش فرزند اوست، یعنی خدای آسمان و زمین و پیامبر و قرآن همه را در قبال محبت فرزند، ناچیز می داند و تنها یکپارچه به فرزندش عشق می ورزد و عشق به او را درخواست هایش از ذکر خدا و پیامبر و قرآن مقدم می دارد.

یکی معبودش تجارت اوست، یکی معبودش ثروت اوست، یکی معبودش آقائی و شخصیت اوست، یکی معبودش علم و دانش اوست، یکی معبودش ایمان و دین اوست، یکی معبودش نفس و جان اوست. اینها خدایانی هستند که به طور متفرق و پراکنده در دنیا، به عنوان مقصود و معبود برای نوع بنی آدم جلوه نموده و هر آدمی یکی از آنها را انتخاب و طبق ذوق و سلیقه خود، برای بندگی اختصاص داده است.

حضرت یوسف (علیهِ السَّلام) به دو رفیق زندانی خود گفت:

(یا صَاحِبَی السِّجنِ أَربَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَیرٌ أَمِ اللهُ الوَاحِدُ القَهَّارُ) (۱)

«ای دو رفیق زندان من، آیا خدایان متفرق بی حقیقت بهترند یا خدای یکتای قاهر.»

«ارباب متفرقون»، یعنی صاحبان ولایت بر دل انسان که براساس عالم کثرت و تخیل و تفرق، حکومت خیالی خود را پایه گذاری کرده اند. «ارباب متفرقون»، یعنی همین حکام ظالم و رؤسای ستمگر و .

۱- آیه۳۹، از سوره ۱۲ یوسف.

طاغوتهای زمان که انسان را به طاعت و عبودیت خود می خوانند.

«ارباب متفرقون» یعنی معبودانی غیر از خداوند متعال «جلّ و اعلا».

انسان ممکن است نماز بخواند و روزه هم بگیرد و مسجد هم بسازد، ولی وقتی اینها قیمت دارد که ولایت بر ربط با خدا کند، یعنی وقتی هم که در منزل تنهاست غسل جنابت را بکند و نمازش ترک نشود. وقتی هم که پشت ترازو می ایستد و در موقع فروش جنس بر مشتری جاهل و دهاتی که هیچ حساب هم سرش نمی شود اجحاف نکند و از او زیادتر نستاند و کمتر ندهد، چون خدا هست، نیمه شب هم در رختخواب خدا هست، از خواب که بر می خیزد خدا هست. علاقه به زن و فرزند و ثروت و آبرو، باید در طول علاقه و محبت به خدا باشد نه در عرض آن.

در این صورت چون از او بپرسند: «مَن رَبُّک؟» «خدایت کیست؟» در پاسخ گوید: «اَللّهُ جَلَّ جَلالُهُ رَبّی» «الله جل جلاله پروردگارم است» فرشتگان می گویند: خوش آمدی! و به بهترین جا آمدی!

و اما آن کسانی که در ظاهر می گویند خدای ما خدای آسمانها و زمین است، ولی در عمل اعتقادی به او ندارند و شهادت آنها فقط زبانی است، پیوسته دم از ایمان و شرافت و تقوی و عدالت می زنند اما در مقام عمل همه این امور را به یک پول سیاه می فروشند، خدایشان و خداوندانشان در واقع، پول و طلا و شکم و شهوت آنهاست، همانطور که رسول اکرم (صَلَی اللّهُ عَلیه وَآله وسَلم) از مردم آخرالزمان خبر می دهد که:

«ءَالِهَتُهُم بُطُونُهُم وَ نِسَائُهُم قِبلَتُهُم وَ شَرَفُهُمُ الدَّارَهِمُ وَ الدَّنَانِيرُ.(۱)»

«معبودهای آنان شکم های آنانست، و زنانشان قبله گاهشانند، و شرف آنان منوط به داشتن درهم و دینار (پولشان) است.»

لزوم اعتقاد به سؤال قبر

از حضرت صادق (علیهِ السَّلام) روایت شده که فرمودند: «شیعه ما نیست هر کس سه چیز را انکار کند: «معراج، سؤال قبر و شفاعت را»»(۲)

مقدس اردبیلی (رَحمَه الله) می فرماید: «... و دیگر اعتقاد باید داشت که سؤال منکر و نکیر و عذاب قبر حق است. و منکر و نکیر عبارتند از دو فرشته که بعد از آنکه مکلف را در قبر گذاشتند، از او، از خدا و پیغمبر و امام سؤال نمایند؛ پس اگر او چنانکه باید جواب دهد، چیزی به او نمی گویند بلکه مژده های خوش دهند به بهشت و نعمتهای آن به او می دهند؛ و اگر - پناه می بریم بر خدا - آن جوابی را که باید بداند و بدهد، ندهد، به چیزی که مستحق آن باشد عذابش کنند.(۳)

خصوصیات نکیر و منکر

در روایت ذکر شده که: «آن دو ملک به شکل ترسناکی می آیند، صدایشان مثل رعد غرنده و چشمانشان مثل برق خیره کننده است، و .

۱- این روایت در بحارالانوار در دو موضوع آمده، یکی در ج۲۲، ص۴۵۳ به این لفظ: بُطُونُهُم ءَالِهَتُهُم وَ نِسَائُهُم و دَنانیرُهُم دینُهُم و شَرَفُهُمْ مَتاعُهُم. و دیگر در ج۷۷، ص۹۷.

۲- امالی صدوق، ص ۳۷۰.

۳- اصول دین ۱۸۲.

سؤال می کنند که پروردگارت کیست؟ و پیغمبرت کیست؟ و دینت چیست؟(۱) و نیز سؤال کنند از ولیّ و امام او».(۲)

در قبر از چه چیز سؤال می شود؟

اکنون این سؤال پیش می آیـد که در قبر از چه چیزهـایی می پرسـند؟ روایـات متعـددی موارد سؤال قبر را برای ما تبیین کرده انـد. از بعضـی احـادیث اسـتفاده می شود که اعتقـادات آدمی از موارد سؤال در قـبر است، مثلاًـ در روایتی از امـام هفتم (علیهِ السَّلام) آمده است:

«به کافر گفته می شود: پروردگارت کیست؟ گوید: الله. از پیامبرش سؤال می کنند، گوید: محمد (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم). از دینش سؤال می کننـد. گویـد: اسـلام. از او سؤال می شود: چگونه (جواب این سؤال ها را) دانستی؟ پاسخ می دهد: شـنیدم که مردم چنین می گفتنـد من هم چنین گفتم، پس (در این هنگـام) با گرزی (آنچنان) بر او می کوبنـد که اجتماع جن و انس هم تاب تحمل آن را ندارد» (۳)

امام سجاد (علیهِ السَّلام) ضمن روایتی درباره طولانی می فرمایند:

«ای مردم! از خدا بترسید و بدانید که به سوی او برمی گردید.... ای فرزند آدم! همانا احل تو با بیش ترین سرعت به سمت تو روان است و تو به منزلی تنها خواهی رفت؛ پس روحت به تو بازگشته و فرشتگان .

ص: ۸۲

۱- بحارالانوار ج۶، ص۲۶۱.

۲- به نقل از منازل الآخره.

۳- محمدبن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج۳، ص۲۳۸.

(مأمور پرسش یعنی) منکر و نکیر جهت پرسش و امتحانی سخت ناگهان بر تو وارد می شود...

اول چیزی که از تو سؤال می کننـد، از پروردگارت می باشد که او را عبادت می کردی، و از پیامبرت که به سوی تو فرستاده شـده است، و از دین تو که متـدیّن به آن بودی، و از کتـابی که آن را تلاوت می کردی، و از امـام تو که ولا‌یتش را داشتی؟ سپس از عمرت (سؤال می کننـد) که در چه چیزی آن را فـانی کردی، و از مالت (سؤال می شود) که از کجا به دست آوردی و در چه چیز آن را تلف نمودی....»(۱)

همچنین امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) در روایتی در این بـاره فرمودنـد: «هنگـامی که بنـده در داخـل قبرش قرار داده می شود دو ملـك به نـام منکر و نکیر بر او وارد می شونـد و اولین سؤالی که می پرسـند از پروردگار سـپس از پیامبر و بعـد از ولی و امام اوست پس اگر پاسخ دهد نجات می یابد ولی اگر از جواب دادن عاجز شود آن دو ملك او را عذاب می کنند»

در این حال مردی به حضـرت عرض کرد: برای کسی که پروردگار و پیامبرش را بشناسد اما امام خود را نشناسد چیست؟ پس حضرت فرمودند: شخص متحیر و مردد می ماند بین و گروه (بهشتیان و جهنمیان)....(۲)»

روشن است که در اینگونه موارد اگر شخص مستضعف بوده باشد .

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۶، ص۲۲۳.

۲- بصائر الدرجات ص۵۱۸، بحارالانوار ج۶/ ص۲۳۳.

و در راه عدم شناخت ولی و امامش مقصر نباشد، بلکه واقعاً شرایط زمانه و جامعه اش طوری بوده که نمی توانسته به این حقیقت پی ببرد و انسان خوبی بوده، بنا به بعضی نقل ها در برزخ، خداوند متعال ولایت را به او تعلیم داده، بعد او را در زمره بهشتیان قرار خواهد داد؛ و اگر از روی عناد قبول نکرده یا نسبت به شناخت و تحقیق درباره آن مقصّر باشد او را در زمره دوزخیان قرار خواهد داد؛ و خداوند به احدی ظلم نمی کند.

پیامبر اکرم (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: «خداوند دو ملک دارد بنام ناکر (۱) و نکیر که بر امیت وارد می شوند و از او از پروردگار و پیامبر و دین و امامش می پرسند؛ پس اگر به حق پاسخ دهد او را به ملائکه نعیم(۲) می سپارند اما اگر از جواب دادن عاجز شود او را تسلیم ملائکه عذاب می کنند.(۳)»

امام صادق (علیهِ السَّلام) می فرمایند: «یسأل المیت فی قبره عن خمس: عن صلاته و زکاته و حجّه و صیامه و ولایته ایّانا اهل البیت....»

«میت در قبر از پنج امر پرسیده می شود: از نماز و زکات و حج و روزه و ولایت ما اهل بیت» (۴)

آن چنان که ملاحظه شد، روایاتی که درباره موارد سؤال در برزخ وارد شده، لحن های مختلفی دارند: از بعضی استفاده می شود که در .

۱- در برخی روایات این دو ملک بنام نکیر و منکر و در برخی دیگر بنام نکیر و ناکر ذکر شده اند.

۲- بهشت.

۳- بحارالانوار ج۶/ص۲۴۵.

۴- کافی ج۳/ ص ۲۴۱.

قبر از عقایـدی همچون خـدا پیامبر، کتاب، دین می پرسـند و برخی دیگر بیان می کنند که علاوه بر مسائل اعتقادی، از اموری همچون مال و عمر نیز سؤال می شود؛ در بعضی از روایات هم سخن از پرسش از فروع دین همچون نماز، زکات، حج و روزه به میان آمده. و از جمله مهمترین سؤالات قبر از امامی است که خداوند طاعت او را بر ما واجب گردانیده است.

که البته بـدیهی است که بین هیـچ کدام از این روایات منافاتی وجود ندارد و بعضـی را بر بعض دیگر می توان تفسـیر کرد، از این رو می توان گفت: طبق این روایات از همه این امور - به دلیل اهمیتی که در شرع دارند - سؤال می شود.

کسانی که مورد سؤال قبر قرار می گیرند

امام صادق (علیهِ السَّلام) می فرمایند: «لا یسأل فی القبر الا من محض الایمان محضاً او محض الکفر محضاً»(۱)

«در قبر پرسیده نمی شود مگر از مؤمن محض (که ایمان او خالص است) و از کافر محض (که کفر وی خالص است)»(۲)

یاری شدن مؤمن برای پاسخ و نکیر و منکر

همانطور که گفته شد نکیر و منکر با هیبت بسیار ترسناکی برای .

۱- کافی ج۳/ ص۲۳۶.

۲- روایات بسیاری با این مضمون نقل شده است که برای آگاهی بیشتر ر.ك کافی ۳/۲۳۵ و بحار ۶/۲۶۰.

سؤال از کسی که تازه او را در قبر گذارده اند، می آیند، پس در آن حال چون جواب دادن بر میت سخت است و محتاج به کمک و یاری است. برای مرده دو جا تلقین ذکر کرده اند: «یکی وقتی که او را در قبر می گذارند و بهتر آن است که به دست راست، دوش راست، و به دست چپ، دوش چپ او را بگیرند و حرمت دهند و تلقین کنند. و دیگر وقتی که او را دفن کردند سنّت است که ولیّ میت یعنی نزدیکترین خویشان او، بعد از آنکه مردم از سر قبر او برگردند نزد سر میت بنشیند و با صدای بلند او را تلقین کنند، و خوب است که دو کف دست را روی قبر بگذارند و دهان را نزدیک قبر ببرند. (اگر شخص دیگری را نیز نایب کنند خوب است)، و وارد شده است که چون این تلقین را انجام دهند، منکر و نکیر می گوید: بیا برویم تلقین حجتش کردند؛ احتیاج به پرسیدن نیست، پس برمی گردند و سؤال نمی کنند.(۱)

تفاوت سؤال قبر مؤمن و کافر

از حضرت موسی بن جعفر امام کاظم (علیهِ السَّلام) روایت شده که فرمودند: «به مؤمن در قبرش گفته می شود (نکیر و منکر به او می گویند) کیست پروردگار تو؟ پس (مؤمن در جواب) می گوید خداوند است، به او گفته می شود پیغمبر تو کیست؟ می گوید محمد (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) است، به او گفته می شود .

ص: ۸۶

۱- روضه المتقین، ج۱، ص۴۵۸، به نقل از منازل الآخره.

کیست امـام تو؟ می گویـد: فلاـن کس است (و نامهـای مبارک ائمه اطهار (عَلیهِم السَّلام) را می برد) پس به او گفته می شود که این عقاید و مطالب را از کجا دانستی؟ می گوید امری بود که خداوند مرا بر آن هدایت و راهنمایی فرمود و بر آن ثابت و اسـتوار قرار داد، پس به او گفته می شود بخواب خوابیدنی که آشفتگی و پریشانی حال در آن نیست (مانند) خوابیدن عروس، سپس برای او دری به بهشت باز گردد و نسیم و بوهای خوش بهشتی به او می رسد، پس می گوید پروردگارا زودتر قیامت را بر پا کن شاید به سوی اهل و خانواده و مال خود برگردم.(۱)

و به شـخص کافر (در قبر) گفته می شود: «پروردگار تو کیست؟» می گوید: خدا؛ پس گفته می شود: «کیست پیغمبر تو؟» می گوید: «محمد» (صَـلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم). پس گفته می شود: «چیست دین تو؟» می گوید: «اسلام»؛ پس به او گفته می شود: «این امور را (که در جواب سؤال و پرسشـهای ما گفتی) از کجا دانستی؟» می گویـد: «از مردم شـنیدم که چنین می گفتند پس من هم آن را گفتم (زیرا کافر چون به خدا و به سایر اصول عقاید اعتقادی ندارد و آنچه را که اظهار می کند یا از روی دروغ و یـا از روی نفـاق است)» پس آن دو فرشـته چنـان او را با عمودی (گرزی) می زننـد که اگر جن و انس برای تحمل آن جمع شوند طاقت و توانائی بر آن نیاورند. پس آب می شود آنچنان که قلع و ارزیز (به واسطه حرارت .

۱- مراد از مال پاداش اتفاقاتی و کارهای خیری است که در دنیا برای رضای خداوند نموده بوده و اکنون سرمایه اوست.

آتش) آب می شود، سپس روح او را به بـدنش برمی گرداننـد و قلب او را میان دو لوح از آتش می گذارند. پس می گوید: «پروردگارا قیامت را به تأخیر انداز» (چون عذاب قبر او نسبت به عذاب روز قیامت اندک و ناچیز است)»(۱)

براء بن عازب می گوید: «همراه پیامبر خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) برای تشییع جنازه مردی از انصار رفتیم، رسول الله (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَـلم) کنار قبر او نشـست و سـر مبارکش را پایین انداخته بود و می فرمود: «بار خدایا به تو پناه می برم از عذاب قبر!». و سه مرتبه این جمله را تکرار کردند.

آنگاه فرمودند: وقتی که مؤمن رو به آخرت می رود، خداوند فرشـتگانی را بر او می گمارد که سـیمایشان چون خورشـید می درخشـد و حنوط و کفن وی نیز همراه آنهاست، پس وقتی که روح از بـدنش خارج شد، در مقابل چشـمش می نشـینند. تمام فرشـتگان بین آسـمان و زمین و تمام فرشـتگان آسـمان بر او درود می فرسـتند و درهای آسمان به روی او گشوده می شود، و هیـچ دری از درهـای آسـمان نیست مگر ایـن کـه دوسـت دارد روح وی از آن وارد شـود، و هنگـامی که روحش بالاـ رفت، گویند: بار خدایا بنده ات فلانی است!

خطاب می رسد: او را برگردانید تا به او نشان دهم نعمتهایی را که برایش آماده ساخته ام که من به او وعده داده ام!

«از آن آفریدیم شما را و بدان باز می گردانیم، و بار دیگر از آن شما .

۱- طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، ترجمه ج۲، ص۱۵۴.

را بیرون می آوریم»

و او صـدای پـای تشـییع کننـدگان را می شـنود آن هنگامی که بر می گردنـد تا این که فرشـتگان الهی می پرسـند: «ای انسان پروردگارت کیست؟ پیامبرت کیست؟ و امامت کیست؟» جواب می دهـد: خدای یکتا پروردگار من است، و محمد (صَـلِّی اللهُ عَلیه وَآله وسَـلم) پیـامبر و علی (علیهِ السَّلام) امـام من و یـک یـک ائمه معصومین (عَلیهِم السَّلام) را (به عنوان امامـانش) می شمرد.

بعـد فرمودنـد: «آن دو فرشـته با صـدای بلنـدی او را وا می گذارنـد و این آخرین خطری است که متوجه او می شود. و پس از گفتن آن جوابها، منادی ای ندا می دهد: «راستی گفتی»، و همان است معنای سـخن خدای متعال در قرآن که فرمود: «خداوند آنانی رال کهع گرویدند به گفتار ثابت در زندگانی دنیا و در آخرت ثابت می گرداند» آنگاه شخصـی خوش سـیما، خوش بو و خوش لباس آمده و می گوید:

«مژده بـاد تو را به رحمت پروردگـارت و بهشتی که در نعمت آن جاودانه ای!» او می گویـد: «خداونـد تو را به دلیل نیکوییت بشارت بهشت دهد! تو کیستی؟» آن شخص خوش سیما در جواب می گوید: «من عمل صالح تو هستم، به خدا سوگند که من تو را در راه طاعت خدا شتابان و در راه نافرمانی خدا کند و بی اعتنا دیدم، پس خداوند تو را پاداشی نیکو داد.»

سپس منادی ای فریاد می زنـد، برای او بستری از بسترهای بهشتی بگستریـد! و دری به جانب بهشت باز می شود، و می گوید: بار خدایا

ص: ۸۹

قیامت را زود برپا دار تا به خانواده، و مالم برگردم»

و اما برای کافر بالعکس می باشد، و در برابر تمام نعمتهایی که نصیب مؤمن می شود، به او عذاب می رسد.(۱)

رفتار قبر در برابر عدم معرفت به نبی (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم)

از مهمترین بخشهای ایمان نبوت است و کسی که فاقد این شرط مهم باشد ایمان ندارد. و مرگ او دروازه ورودی اوست به سمت غضب و خشم خداوند و عذابی که انتظار او را می کشد لذا سزاست تاا به برخی از روایاتی که گویای این مطلب است اشاره شود:

راوی می گوید: از امام صادق (علیهِ السَّلام) از آنچه صاحب قبر و میت (پس از مرگ) می بیند، پرسیدم.

آن حضرت فرمودند: «دو ملك هستند به نامهای منکر و نکیر که به نزد میت می آیند و از او درباره رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) می پرسند و می گویند: درباره این مردی که در نزد شما خارج شد چه می گویی؟(۲)

صاحب قبر می گوید: «او کیست؟»

آن دو ملك می گویند: «می گفت که رسول خداست. آیا این مطلب حق است؟»

میت: (اگر از اهل شك باشد) می گوید: نمی دانم، تنها شنیدم که مردم می گفتند (که او رسول خداست)، پس آگاهی ندارم که این مطلب .

۱- مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ص۵۲۹.

۲- گویا نکیر و منکر برای اطمینان از ایمان داشتن میت با این لحن از او پرسش می کنند.

حق است یا نه.

در اینجاست که آن دو ملک بر او ضربه ای می زنند که اهل آسمان و زمین غیر از جن و انس آن را می شنوند.

اما اگر میت از اهل یقین باشد می گوید: شهادت می دهم که او به حقیقت رسول و فرستاده خداست و برای هدایت و با دین حق آمد. امام صادق (علیهِ السَّلام) فرمودند: (چون میت اهل یقین چنین پاسخ می گوید) جایگاه خود را در بهشت می بیند و قبر برای وی فراخ می شود.... (۱)

همچنین آن حضرت در روایت دیگری می فرمایند: «هنگامی که فرد در قبر قرار می گیرد دو ملک بر او وارد می شوند. ملکی از راست و ملکی از چپ و شیطان هم در حالی که دو چشم آتشین دارد در مقابل او حاضر می شود در این حال است که به او گفته می شود: درباره این مردی که در نزد شما خارج شد چه می گویی؟

میت در این هنگام وجودش را ترس فرا می گیرد و اگر مؤمن باشد می گوید: آیا از حضرت محمد (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم)، رسول خدا می پرسید؟ آن دو ملک (با این پاسخ) به او می گویند: بخواب خوابی که در آن پریشانی نباشد و قبر از نُه ذراع (۲) گشاده می شود. و جایگاه خود را در بهشت می بیند.... اما اگر کافر باشد به او می گویند: این مردی که در نزد شما خارج شد کیست؟ و میت (کافر) می گوید: نمی دانم. و آن دو ملک او .

۱- بحار ج۶/ ص۲۲۱.

۲- واحد طول در قدیم.

را با آن شیطان تنها می گذارند.»(۱)

قبر و عدم معرفت به امام

امامت نیز از مهم ترین شروط ایمان می باشد که ایمان بدون آن منتفی است و تاکیدان بسیاری در رابطه با آن چه در آیات شریفه قرآن و چه در احادیث و روایات صادره از ائمه معصومین (عَلیهِم السَّلام) وارد شده است که اهمیت این امر را می رساند. برای مثال خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲۴ سوره صافات می فرماید:

(وَقِفوُهم اِنَّهُم مَسئوُلونَ)

«آنها را نگهدارید چون باید بازپرسی شوند»

مرحوم فیض کاشانی (رَحمَه الله) به نقل از تفسیر قمی آورده اند که مردم از ولایت امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) بازپرسی شده و مورد سؤال قرار می گیرند.(۲)

در جلد بیستم از کتاب «نفخات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار» بحث مفصلی درباره این آیه شریفه ارائه شده است و از منابع معتبر اهل سنت ثابت شده است که این آیه درباره امیرالمؤمنین و ولایت ایشان می باشد.

رسول خدا (صَلَی الله عَلیه وَآله وسَلم) می فرمایند: «ای علی سوگند به آنکه مرا به پیامبری برانگیخت و بر همه آفریدگان برگزید، اگر بنده ای خدای تعالی را هزار سال عبادت کند خداوند از او نپذیرد جز با قبول ولایت تو و امامان تو .

۱- کافی ج۳/ ص۲۳۸ بحار ح۶/ ص۲۳۷.

۲- کافی ج۳/ ص۲۳۸ بحار ح۶/ ص۲۳۷.

و امامان از فرزندانت.»(۱)

همچنین امام صادق (علیهِ السَّلام) خطاب به کی از اصحاب خود به نام میسّر می فرمایند:

ای میسّر فاصله بین رکن و مقام، باغی از باغهای بهشت است و فاصله بین قبر و منبر رسول خدا باغی از باغهای بهشت است و اگر خدا به بنده ای آن قدر عمر دهد که هزار سال بین رکن و مقام و قبر و منبر به عبادت بپردازد و عاقبت امر نیز مظلومانه در بسترش مانند گوسفندی خوش رنگ و زیبا، ذبح و سر بریده شود، در حالی که عاری از ولایت ما بوده است، و به محضر خدا وارد آید هر آینه بر خداست که او را به صورت در آتش افکند.»(۲)

راوی نقل می کند: «در مرو بودم که روزی آقایم امام رضا (علیهِ السَّلام) مرا فرا خواندند، چون به خدمت حضرت رسیدم فرمودند: «ای حسن، امروز علی بن حمزه بطائنی (۳) مُرد و همین ساعت او را در قبرش گذاردند، دو ملك بر او وارد شدند؛ از او پرسیدند پروردگار تو کیست؟ جواب داد: الله، سپس گفتند پیامبر تو کیست؟ گفت: محمد (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) سپس گفتند، ولی تو کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب (علیهِ السَّلام)، گفتند .

۱- نگاهی به جایگاه امامت در تشیع منقول از بحار ج۲۷/ ص۱۹۹.
۲- نگاهی به جایگاه امامت در تشیع منقول از ثواب الاعمال، البته این مربوط به افرادی است که از مستضعفین فکری نباشد مراجعه کنید به تیتر مستضعفین در همین کتاب. یعنی کسی که از روی عمد با فرمان خدا و رسولش مخالفت کند هر چند که به ظاهر در حال عبادت باشد، در باطن در حال سرپیچی از فرمان های خداوند جل و اعلی است، و کسی که مخالفت امر خدای تعالی کند جایگاهش آتش جهنم می باشد.
۳- وی از سران فرقه ضاله واقفیه بود که به جهت دست یابی به مال و ثروت بر امامت امام کاظم علیه السلام وقف کرد و معتقد به امامت حضرت رضا (ع) نشد. جهت اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتب رجالی شیعه.

سپس؟ گفت: حسن (علیهِ السَّلام)، گفتند: پس ار او؟ گفت: حسین(علیهِ السَّلام)، گفتند بعد از او؟ گفت: علی بن الحسین (علیهِ السَّلام). گفتند پس از او؟ گفت: محمدبن علی (علیهِ السَّلام)، گفتند پس از او؟ گفت جعفربن محمد (علیهِ السَّلام). گفتند پس از او؟ گفت: موسی بن جعفر (علیهِ السَّلام)، گفتند پس از او؟ زبانش به تلجلج (گرفتگی) افتاد. او را شکنجه دادند و گفتند: چه کسی است؟ ساکت شد، به او گفتند: آیا موسی بن جعفر (علیهِ السَّلام)تو را چنین امر کرد؟ این بار گرز آتشین بر او زدند که قبرش آتش گرفت و تا روز قیامت ادامه خواهد داشت.»

راوی می گوید: از نزد مولایم خارج شدم و تاریخ آن روز را یادداشت نمودم، چیزی نگذشت که نامه اهل کوفه آمد که حاکی از مرگ بطائنی بود در همان روز، و اینکه همان روز و ساعت به خاک سپرده شد.(۱)

این روایت گویای این مطلب است که انسان بایستی معرفت و اعتقاد نسبت به امامی ائمه اطهار (عَلیهِم السَّلام) را داشته باشد که تنها راه نجات است و در غیر این صورت عذاب الیم و خوار کننده الهی است که انسان را فرا می گیرد.

کارهایی که هول نکیر و منکر را دفع می کند

شیخ صدوق (رَحمَه الله) در فضیلت روزه ماه شعبان روایت کرده که هر که .

۱- مجالس شیعه ۶۸ منقول از بحار ۴۹ ص۵۸.

نه روز از آن را روزه بگیرد، منکر و نکیر بر او در هنگام سؤال مهربان شوند. و از حضرت باقر (علیهِ السَّلام) فضیلت بسیاری وارد شده برای کسی که احیا بدارد شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان را، و صد رکعت نماز در آن بگزارد، از جمله آنکه حق تعالی دفع می کند هول نکیر و منکر را از او و از قبرش نوری بیرون بیاید که بر همگان روشنی دهد.(۱)

و از حضرت رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) روایت شده که در خضاب (۲) چهارده خصلت است و یکی از آنها را این شمرده که منکر و نکیر از او یا می کنند.(۳)

و از خواص تربت پاک نجف آن است که نکیر و منکر نمی پرسند از کسی که در آن سرزمین مدفون است.

ولایت اهل بیت (عَلیهِم السَّلام) در قبر

ولایت ائمه معصومین (عَلیهِم السَّلام) مهم ترین امری است که می تواند در قبر نجات بخش انسان باشد و در تمام امور دنیوی و اخروی کار گشاترین بلکه تنها کارگشای حقیقی است (۴) و می تواند فرد را برای آن منازل آماده ساخته و از آن مراحل هولناک و خطر رهایی دهد. .

۱- اقبال الاعمال، ص۵۰۶.

۲- رنگ کردن مو.

۳- خصال شیخ صدوق، ج۲، ص۴۹۷.

۴- البته شایان ذکر است که کسی که ولایت اهل بیت را دارد به معنی این است که توحید و نبوت را داشته تا به این درجه رسیده است. و از روایات مستند شیعه آمده است که صرف اظهار ولایت کردن در ظاهر دلیل بر ولایت اهل بیت عصمت و طهارت نمی شود بلکه باید در عمل، و با دانستن تقوی به آنها تقرب بجوییم و از خداوند منان می خواهیم که ما را از شیعیان آن حضرت قرار دهد.

شایـد در ابتدای امر قبول این سـخن برای بعضـی دشوار باشد، اما حقیقت این است که فقط راه اهل بیت پیامبر (عَلیهِم السَّلام) است که در واقع راه پیامبر اکرم (صَـلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَـلم) است، و تنها راه رسـیدن به خـدا می باشد. زیرا که خداوند متعال آنها را برای هدایت بشـر انتخاب و علم و قدرتش را به آنها اعطا نموده است. و آنها هسـتند که تفسـیر کلام خدا، «قرآن» را به حق می داننـد و به این جهت است که خداونـد متعال اطاعت آنها را بر ما واجب نموده تا گمراه نشویم؛ و کسـی که این امر را نپذیرفته مانند کسی است که نبوت رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) را نپذیرفته باشد و او کافر است.

اهل بیت کسانی هستند که در زیارت جامعه کبیره به محضر مقدسشان عرض می کنیم:

«بِکُم اَخرَجَنا اللهُ مِنَ الذّلِ وَ فَرَّج عَنا غمِراتِ الکروب.... بموالاتکم عَلَّمنا الله معالمَ دیننا و اصَلَحَ ما کان فَسَدَ مِن دُنیانا....

«به سـبب شـما خداونـد مـا را از ذلت و خواری خارج کرد و فراگیری های گرفتاری را از ما دفع کرد.... به خاطر ولایت شـما، خداوند نشانه های دین را به ما آموخت و آنچه را که از دنیای ما فاسد شده بود اصلاح کرد...»

ولایت آنان است که در هر موقف و جایگاهی دست انسان را گرفته و از ورطه های هلاکت نجات می دهد؛ جایگاه هایی که آسانترین آنها طبق احادیث، مرگ و قبر و صراط و میزان و.... می باشد.

ص: ۹۶

ذیلاً به برخی از روایات و احادیثی که متضمن این معناست اشاره می گردد:

سلمان (رَحمَه الله) نقل می کند که رسول خدا (صَلّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) به وی فرمود: «ای سلمان، کسی که دخترم فاطمه را دوست داشته باشد در بهشت با من است و کسی که او را دشمن بدارد در آتش است.

ای سلمان محبت و دوستی فاطمه در صد جایگاه نفع می رساند که آسانترین آن جایگاه ها مرگ است و قبر و میزان و محشر و صراط و محاسبه اعمال.»(۱)

در روایتی دیگر رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) می فرمایند:

«محبت من و اهل بیت من در هفت جایگاه که هول و هراس آنها عظیم است نافع می باشد: هنگام وفات و در قبر و هنگام نشور (برانگیخته شدن) و کتاب وحساب و میزان و صراط.»(۲)

شیعه و هول نکیر و منکر

از پیغمبر اکرم (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) نقل شده است که: «اَلا و مَن اَحبَّ عَلیّاً دَفَعَ اللهُ عَنهُ هَولَ مُنکَرٍ و نَکیرٍ» (۳)

«بدانید کسی که علی را دوست داشته باشد، خداوند هول و هراس نکیر و منکر را از او دفع می فرماید.» .

ص: ۹۷

۱- فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی ۶۲۰.

۲- بشاره المصطفی لشیعه المرتضی ص۴۱.

۳- نقش اهل بیت: در قیامت ص۱۲۴ منقول از بحار ج۷/ص۲۲۲.

اندر لحدم نکیر و منکر دیدند *** اعضای گنه کرده من بوئیدند

دیدند که هست حبّ علی در دل من *** از آمدن خویش خجل گردیدند

همچنین آن حضرت می فرمایند: «اَلا و مَن ماتَ علی حُبِّ آلِ محمّد بَشَّرَهُ مَلکهُ الموتِ بالجنَّهِ ثم مُنکرٌ و نکیرٌ»(۱)

«آگاه باشید کسی که بر دوستی و محبت آل محمد بمیرد ملکم الموت و سپس نکیر و منکر او را به بهشت بشارت می دهند.»

نکیر و منکر و خواننده سوره ملک

حضرت امام محمد باقر (علیهِ السَّلام) فرمودند: «سوره مُلکٔ سوره مانعه(۲) است، که از عذاب قبر جلوگیری می کند، و در تورات نیز به نام سوره ملکٔ نوشته شده و هر که آن را در هر شب بخواند عمل بسیار پاکیزه ای انجام داده، و در آن شب با خواندن آن از غافلان نوشته نشود، و من در حالی که نشسته ام پس از نماز عشاء در رکوع آن را می خوانم (۳) و پدرم آن را در هر روز و شب می خواند و هر که آن را بخواند (بعد از مرگ) و نکیر و منکر در قبر بر او وارد شوند اگر بخواهند از طرف پایش بیایند پاهایش به آن دو گوید: از این طرف راه نیست چون این بنده بر روی .

ص: ۹۸

۱- نقش اهل بیت در قیامت ص۱۲۵ منقول از بحار ج۶۸/ ص۱۳۷.
۲- جلوگیری کننده.
۳- احتمالاً منظور حضرت نماز نافله عشا می باشد که می توان آن را به صورت نشسته خواند.

ما می ایستاد و در هر روز و شب سوره مُلک را می خواند، و چون از سوی شکمش بیایند، به آن دو گوید: از این طرف راه نیست، زیرا این بنده سوره ملک را در من جای داده و چون از جانب زبان (و سرش) بیایند، زبان گوید: از این طرف راه نیست چون این بنده به وسیله من هر روز و هر شب سوره ملک را می خواند.»(۱)

علت عذاب قبر مؤمن

رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) می فرمایند: «فشار قبر مؤمن، کفاره نعمتهایی است که ضایع کرده است.»(۲)

از این روایت شریف مشخص می شود که فشار قبر فقط مخصوص کفار نیست بلکه در اثر برخی اعمال می تواند دامنگیر مؤمنین نیز گردد.

حضرت صادق (علیهِ السَّلام) فرمودند: «هرگاه بنده ای گنتاهانش زیاد شده و نتواند آنها را جبران کند، خداوند او را مبتلا به حزن و غم در دنیا می کند، و اگر با این هم جبران نشد او را در قبرش عذاب می نماید، تا روز قیامت بدون گناه در محضر پروردگار حاضر گردد.»(۳)

اوضاع مؤمن و کافر در قبر

امام صادق (علیهِ السَّلام) فرمودند: «وقتی مؤمنی بمیرد هفتاد هزار فرشته او را تا قبرش تشییع کنند و وقتی او را در قبرش گذارند، نکیر و منکر آمده .

۱- اصول کافی - ترجمه مصطوفی، ج۴، ص۴۴۵.

۲- حق الیقین، ص۴۰۳ بحار ج۶/ ص۲۲۱.

۳- ایمان و کفر - ترجمه الایمان و الکفر بحارالانوار ج۱ ص ۱۲۰.

و او را نشانده و به او می گویند، پروردگارت کیست؟ دینت کدامست؟ پیغمبرت کیست؟ گوید: پروردگارم خداست و محمد (صَلّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) پیغمبر من است و اسلام دینم، سپس قبرش را تا جایی که چشم می بیند وسعت می دهند و برایش غذای بهشتی می آورند و بر او روح و ریحان می آورند و این است تفسیر گفته خدای عزوجلّ در سوره واقعه:

(وَ اَمّا اِن کَانَ مِن المُقَرَبینَ، فَرَوحٌ وَ رَیحانٌ وَ جَنَّتُ نَعیمٍ)

«و اما هر که از مقربان است روح و ریحان جنت نعیم دارد»

که بنا به تفاسیر روح و ریحان در قبرش و جنت نعیم (بهشت پر نعمت) در سرای آخرت از اوست.»

سپس فرودند: «وقتی کافر بمیرد هفتاد هزار فرشته عذاب او را تا قبرش همراهی کنند و او فریادی می کشد که همه چیز جز جن و انس(۱) بشنود و می گوید کاش برمی گشتم و مؤمن می شدم و به حاملان خود قسم می دهد و می گوید مرا برگردانید تا شاید آنچه ترک کردم عمل کنم. فرشتگان عذاب به او پاسخ دهند که: «نه، هرگز، این کلمه ایست که به زبان می گوئی، و فرشته ای ندا کند به انها که اگر برگردد (دوباره) به آنچه نهی شده باز می گردد»، و زمانی که او را در قبرش گذارند و مردم از او جدا شوند، نکیر و منکر در هراسناکترین شکلی بر او وارد شوند و او را بپا دارند و گویند کیست پروردگارت؟ چیست دینت؟ کیست پیغمبرت؟ زبانش به لکنت افتد و قادر به جواب نیست، در آن .

ص: ۱۰۰

۱- چون جن و انس شنوای عالم باطن نیستند.

زمان آن چنان ضربتی از عذاب خدا به او زنند که همه چیز از آن ضربه به لرزه و ترس می افتد، سپس دوباره به او می گویند، خدایت کیست؟ دینت چیست؟ پیغمبرت کیست؟ گوید: نمی دانم، به او می گویند: «ندانستی و ره نیافتی و رستگار نباشی؛ سپس دری از دوزخ بر روی او باز می کنند و حمیم دوزخ برایش بیاورند؛ و این است تفسیرگفته خدای عزوجل:

(وَ اَمَّا اِن کانَ مِنَ الْمُکَذِبینَ الضَالِّینَ فَنُزُلٌ مِن حَمیمٍ وَ تَصلِیهُ جَحِیمٍ)

«و اما اگر از مکذبان گمراه باشد از او (در قبر) با حمیم پذیرائی شود و (در آخرت نیز) آتش دوزخ او را در بر می گیرد.»(۱)

کارهایی که موجب نجات از عذاب و فشار قبر می شوند

و اما چیزهایی که باعث نجات از فشار قبر و عذاب آن است، بسیار است و ما در اینجا اکتفا می کنیم به چند چیز:

۱- خاصیت سوره مبارکه نساء

از حضرت امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) روایت شده که هر که در هر جمعه سوره نساء را بخواند ایمن شود از فشار قبر.(۲)

۲- مداومت بر سوره مبارکه ذخرف

روایت شده که هر کس به خواندن سوره زخرف مداومت نماید .

۱- امالی شیخ صدوق، ترجمه کمره ای، متن، ص۲۹۰.

۲- ثواب الاعمال، ص۲۲۳.

حق تعالی او را در قبر از جانوران زمین و از فشار قبر ایمن گرداند.(۱)

۳- مردن در این وقت شریف

از حضرت صادق (علیهِ السَّلام) نقل شده است که هر کس بمیرد ما بین زوال (ظهر) روز پنج شنبه تا زوال روز جمعه حق تعالی او را از فشار قبر پناه دهد.(۲)

از حضرت امام باقر (علیهِ السَّلام) روایت شده که شب جمعه سفید و روز آن درخشنده است، هیچ مؤمنی نیست در شب جمعه بمیرد مگر اینکه برایش برات آزادی از عذاب قبر نوشته می شود و اگر در روزش بمیرد، از آتش آزاد می شود... . و از حضرت امام باقر (علیهِ السَّلام) و امام صادق (علیهِ السَّلام) روایت است که فرمودند: «وقتی شب جمعه می شود خدا به فرشته ای امر می کند از اول شب تا پایان آن ندا بدهد و در غیر شبهای جمعه در ثلث آخر ندا بدهد:

آیا سؤال کننده ای هست به او عطا کنم؟ آیا توبه کننده ای هست توبه اش را بپذیرم؟ آیا طالب مغفرتی هست او را بیامرزم؟ ای طالب خیر بیا، ای طالب شر، (بدی را) کوتاه کن.»(۳)

۴- خواندن نماز شب

از حضرت امام رضا (علیهِ السَّلام) نقل شده است که فرمودند: «بر شما باد به .

۱- همان مأخذ، ص۲۴۳.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۱۳۸ به نقل از منازل الآخره.

۳- درر الأخبار با ترجمه، ترجمه فارسی، ص۶۱۱.

نماز شب، بنده ای نیست که آخر شب برخیزد و هشت رکعت نماز شب و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر بجای آورد و در قنوت وتر هفتاد مرتبه استغفار کند، مگر آنکه از عذاب قبر و از عذاب جهنم پناه داده شده و عمرش طولانی گردد و معیشتش گشاده شود (روزیش زیاد شود).(۱)

۵- سوره مبارکه تکاثر

از حضرت رسول (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) روایت شده است که: «هر کس سوره «تکاثر» را در وقت خواب بخواند، از عذاب قبر محفوظ ماند.»

۶- خواندن این دعا

و دیگر آنکه در هر روزی ده مرتبه بخواند: «اَعدَدتُ لِکُلِّ هَولٍ لا اِلَه اِلَّا اللهُ، وَ لِکُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ ما شاءَاللهُ، وَ لِکُلِّ نِعمَهٍ الحَمدُاللهِ، وَ لِکُلِّ رَخاءٍ اَلشُّکر اللهِ، وَ لِکلِّ اُعجُوبَه سُبحانَ اللهِ، وَ لِکُلِّ ذنَبٍ اَستَغفِرُاللهُ وُ لِکُلِّ مُصیبَهٍ اِنّا للهِ وَ اِنّا اِلیهِ رَاجِعُونَ، وَ لِکُلِّ ضیقٍ حَسبِیَ اللهُ وَ لِکُلِّ قَضاءٍ وَ قَدَرٍ تَوَکَّلُت عَلَی اللهِ، وَ لِکُلِّ عَدُوٍّ اعتَصَمتُ بِاللهِ، وَ لِکُلِّ طاعَهٍ وَ مَعصِیهٍ، لا حَولَ وَ لا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ العَلیِّ العَظیمِ.»(۲) .

ص: ۱۰۳

۱- روضه الواعظین نیشابوری، ص ۳۲۰ به نقل از منازل الآخره.

۲- من آماده کرده ام برای هر هول و هراسی کلمه طیبه لا اله الا الله را، . برای هر هم و غمی ما شاالله (هر چند خدا بخواهد) را، و برای هر نعمتی الحمدالله، و برای هر راحتی و آسانی شکر و سپاس از خدا را، و برای هر چه مایه تعجب من گردد سبحان الله را، و برای هر گناهی استغفرالله را و برای هر مصیبتی اینکه بگویم انا لله و انا الیه راجعون (همانا ما از خدائیم و بسوی خدا باز می گردیم) و برای هر تنگی و ضیقی حسبی الله (یعنی بگویم خدا مرا کافی است) و برای هر قضا و قدری توکلت علی الله را، و برای مقابله با هر دشمنی اعتصمت بالله را (یعنی در مقابل او به ریسمان خدا چنگ می زنم) و برای هر طاعت و معصیتی اینکه بگویم: لاحول و لاقوه الا بالله العلی الظیم (هیچ توان و قدرتی نیست بجز قدرت و توان خداوند والای بزرگ) مستدرک الوسائل، ج۵، ص۳۷۹، به نقل از منازل الآخره.

۷- دفن شدن در نجف اشرف

آنکه در نجف اشرف مدفون شود؛ زیرا که از خواص آن تربت شریف آن است که ساقط می شود عذاب قبر و حساب نکیر و منکر از کسی که در آن مدفون شود.(۱)

* البته بایـد توجه داشت که هر کسـی که در محلی دفن می شود دلیـل بر این نیست که قبر او همانجا باشـد، کما اینکه ممکن است شـخص خوبی که در محلی بـد یا بی معنویت دفن شـده باشـد به محلی پر معنویتماننـد وادی السـلام نجف اشـرف که محل جمع شدن مؤمنان است برده شود و بالعکس انسان فاسقی که در جای خوبی دفن شده (مثلاً در اطراف قبور یکی از ائمه اطهار (عَلیهِم السَّلام)) توسط ملک نقّاله(۲) به جای بدی برده شود و حتی شخص دیگری در قبر او به جایش قرار گیرد.

۸- گذاردن دو چوب تر در قبر

از چیزهـایی که برای رفع عـذاب قبر سودمنـد است، گذاشـتن دو چوب تر با میت در قبر است، که روایت شـده عـذاب قبر آن میت را تـا وقتی که آن چوب، تر است، برطرف می کنـد.(۳) و البته بهتر است از درخت نخل باشـد و اگر نباشـد از انار و اگر نباشد از هر درخت دیگری. .

۱- ارشاد القلوب دیلمی، ج۲، ص۳۴۷ به نقل از منازل الآخره.

۲- ملکی که کـار جـابه جـا کردن اجساد را در قبرها به عهـده دارد تا شـخص بـد در جای خوب و شـخص خوب در جای بد مدفون نباشد، مگر آنکس که خدا بخواهد.

۳- کافی، ج۳، ص۱۵۳ از منازل الآخره.

و نیز آب پاشیدن بر قبر هم سودمند است، چنانکه در روایات آمده است که: «تا زمانی که نم و تری در خاک قبر باشد، عذاب از میت برداشته می شود».(۱)

از امام صادق (علیهِ السَّلام) در مورد علت قرار دادن جریده (۲) با میت سؤال شد؛ آن حضرت فرمودند: «این تکه چوب مادامی که تر و تازه است عذاب از میت دور داشته می شود».

رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) بر گوری که صاحب آن عذاب می شد گذر فرمودند، پس آن حضرت جریده یا شاخه خرمایی خواستند و آن را دو نیم کرده، یکی را در نزدیک سر میت و دیگری را نزدیک پاهای او فرو نمودند به آن حضرت عرض شد: برا چه آن چوب ها را در قبر فرو کردید؟ آن حضرت فرمودند: تا وقتی آن دو چوب تر و تازه اند عذاب صاحب قبر سبک گردانیده می شود.

همچنین از امام صادق (علیهِ السَّلام) درباره جریده پرسیده شد که آیا می توان آن را (به جای آنکه در کفن پیچیده شود) در گور نهاد؟

آن حضرت فرمودند: اشکالی ندارد. (۳)

۹- این نماز خاص

روز اول ماه رجب ده رکعت نماز بخواند، در هر رکعت یک مرتبه .

ص: ۱۰۵

۱- بحارالانوار، ج۲، ص۲۳.

۲- جریده عبارت است از تکه ای از شاخه تر و تازه درخت نخل (خرما) یا درخت دیگر است که در کفن میت قرار می دهند تا میت عذاب نشود.

۳- من لا یحضره الفقیه - ترجمه غفاری، ج۱.

حمید و سه مرتبه سوره توحید، تا محفوظ بماند از فتنه قبر و عذاب روز قیامت، و در شب اول رجب بعد از نماز مغرب بیست رکعت به حمد و توحید خواندن برای رفع عذاب قبر نافع است.(۱)

۱۰- روزه گرفتن در این روزها

آنکه چهار روز از ماه رجب روزه بگیرد، (۲) و همچنین است روزه گرفتن دوازده روز از ماه شعبان.

۱۱- سوره مبارکه ملک

از چیزهایی که باعث نجات از عذاب قبر است خواندن سوره ملک است بالای قبر میت. قطب راوندی (رَحمَه الله) از ابن عباس نقل (۳)کرده که: «مردی خیمه ای زد روبروی قبری و نمی دانست که آنجا قبر است پس سوره ملک را خواند؛ ناگاه فریادی شنید که کسی می گفت: این سوره مُنجیه (نجات دهنده) است. او این مطلب را به حضرت رسول (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) عرض کرد، آن حضرت فرمودند: این سوره نجات دهنده است از عذاب قبر».(۴)

۱۲- گفتن این ذکر شریف

از «دعوات راوندی» نقل شده که حضرت رسول (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: .

۱- اقبال الاعمال، ص ۱۲۰ از منازل الآخره.

۲- اقبال الاعمال، ص ۱۲۹.

۳- امالی صدوق، ص ۷۶ از منازل الآخره.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۰۱ به نقل از منازل الآخره.

«هر کس نزد قبر میت وقتی که دفن می شود، سه مرتبه بگوید:

«اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسَاَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَن لا تُعَذِّبَ هَذا المَیتَ» (۱)

حق تعالی عذاب را از او بردارد تا روزی که دمیده شود رد صور.

۱۳- نمازی خاص در شب جمعه

شیخ طوسی در «مصباح المجتهد» روایت کرده از حضرت رسول اکرم که هر که در شب جمعه دو رکعت نماز بخواند، در هر رکعت حمد و چهارده مرتبه سوره «اذا زلزلت» حق تعالی ایمن گرداند او را از عذاب قبر و از هولهای روز قیامت.(۲)

۱۴- جهادمگر پیشتاز

رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: «بر عملکرد هر مرده ای مهر پایان زده می شود مگر جهادگر پیشتاز در راه خدا، زیرا عملش تا روز قیامت برای او رشد داده می شود و از عذاب قبر ایمن می گردد.»(۳)

۱۵- نمازی خاص در ماه رجب

و نیز برای رفع عذاب قبر، خواندن سی رکعت نماز در شب نیمه رجب سودمند است، در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید ده مرتبه، (۴) .

۱- بار خدایا! به حق محمد و آل محمد از تو درخواست می کنم که این مرده را عذاب نفرمائی. مستدرک الوسائل ج۲/ ص۳۷۳ به نقل از منازل الآخره.

۲- مصباح المجتهد، ص۲۶۰ به نقل از منازل الآخره.

۳- پیام پیامبر، ترجمه فارسی، ص۴۱۵.

۴- اقبال الاعمال، ص۱۵۷.

و همچنین است در شب شانزدهم و شب هفدهم رجب.(1)

۱۶- نمازی خاص در شب اول شعبان

آنکه در شب اول شعبان صد رکعت نماز بخواند به حمد و توحید و چون از نماز فارغ شود پنجاه مرتبه سوره توحید را بخواند.(2)

۱۷- نمازی خاص در ماه شعبان

آنکه در شب بیست و چهارم شعبان دو رکعت نماز بگذارد و بخواند د ر هر رکعت حمد یک مرتبه وَ اِذا جاءَ نَصرُاللهِ را ده مرتبه.(3)

۱۸- نمازی خاص در روز نیمه رجب

برای روز نیمه رجب پنجاه رکعت به حمد و توحید و فلق و ناس وارد است که برای رفع عذاب قبر نیز نافع است مانند صد رکعت نماز شب عاشورا.(4)

۱۹- آیت الکرسی

امام محمد باقر (علیهِ السَّلام) فرمودند: هر که یک بار «آیه الکرسی» را بخواند، خدا هزار بدی از دنیا و هزار بدی از آخرتش را بگرداند که آسانترین بدی دنیا فقر باشد و آسانترین بدی آخرت آن عذاب قبر. .

۱- به نقل از منازل الآخره.

۲- به نقل از منازل الآخره.

۳- به نقل از منازل الآخره.

۴- به نقل از منازل الآخره.

۲۰- دعای جوشن کبیر

از حضرت رسول (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) درباره ثواب دعای جوشن کبیر روایتی نقل شده که بخشی از فضایل و ثواب آن دعای عظیم الشأن این چنین می باشد: «اگر کسی این دعا را در جامی با کافور و مشک بنویسد و آن را بشوید و بر کفن مرده ای بپاشد خدای تعالی در قبر او صد هزار نور نازل می سازد و ترس از منکر و نکیر را از او دفع می کند و از عذاب قبر ایمن می گردد و خدای تعالی هفتاد هزار فرشته به سوی او در قبرش برمی انگیزاند که با هر فرشته طبقی از نور باشد که آن نور را بر او می پاشند و او را بر می دارند و به سوی بهشت می برند و برای او می گویند: «خدای متعال ما را امر کرده به اینکه مونس تو تا به روز قیامت باشم» و خدای تعالی قبر او را گشاده می گرداند چندان که چشم کار کند و برای او دری در بهشت گشوده می شود و او را در قبر مثل عروسی در حجله خود می خوابانند به سبب حرمت این دعا و بزرگی آن، و خداو.ند متعال فرموده است که من از بنده ای که این دعا بر کفن او باشد حیا می کنم، و جبرئیل گفت: ای محمد، شنیدم که ذات اقدس الهی فرمودند که: این دعا بر سراپرده عرش نوشته شده است پنج هزار سال قبل از اینکه دنیا را بیافرینم.(۱)

۲۱- صبر کردن در برابر گناهان

امیرالمؤمنین حضرت علی (علیهِ السَّلام) فرمودند: «صبر کردن تو در برابر .

۱- مهج الدعوات - ترجمه طبسی (با اندکی ویراستاری) ص۳۶۴.

محرمات آسان تر است از صبر نمودن تو در عذاب قبر، و هر کس برای خدا صبر کند به او خواهد رسید.(۱)

۲۲- کسی که حج او مقبول گردد

در روایت آمده است که: «.... و حاجیان بر سه قسمند؛ و پر بهره ترینشان آن کسی است که گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود(۲) و خدا او را از عذاب قبر حفظ می کند، و اما پس از او کسی است که گناهان گذشته اش آمرزیده شده است، و در باقیمانده عمر عمل را از سر می گیرند؛ و اما آنکه رتبه اش بعد از این است شخصی است که فقط خانواده و ثروتش محفوظ می شود (یعنی آمرزیده نمی شود) و روایت شده است که این سومین نفر، کسی است که حج او قبول نمی شود.»(۳)

۲۳- زنانی که عذاب قبر ندارند

و روایت شده که رسول خدا حضرت محمد مصطفی (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: «سه طایفه از زنها هستند که عذاب قبر، از آنها برداشته شده و با حضرت فاطمه (عَلیها السَّلام) (دختر حضرت محمد) محشور شوند:

۱- زنی که بر غیرت شوهرش صبر کند، ۲- زنی که با شوهر بد اخلاق بسازد و ۳- زنی که مهریه اش را ببخشد. خدای تعالی به هر .

۱- ایمان و کفر - ترجمه الایمان و الکفر بحارالانوار، ج۲، ص۱۳۵، یعنی هر کس به خاطر خدا در برابر محرمات الهی صبر کند، عذاب قبر از او برداشته می شود.

۲- مراد از گناهان آینده اش آمرزیده می شود، این است که از گناه مصون و محفوظ می ماند.

۳- من لا یحضره الفقیه - ترجمه غفاری، ج۳، ص۶۶.

یک از این سه طایفه زنها، ثواب یک هزار شهید می بخشد و برای هر یک از آنان ثواب عبادت یک سال نوشته می شود.(۱)

۲۴- کسی که نماز جماعت می خواند

و از چیزهای دیگری که در روایات مانع عذاب قبر ذکر شده، خواندن نمازهای یومیه(۲) به جماعت می باشد، همچنین ثواب بسیار زیادی برای کسی که نمازهایش را به جماعت بخواند نقل شده که برای ترغیب مؤمنین به آن روایت آن در زیر با اندکی طولانی است ذکر می گردد:

خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید: (وَ ارکَعُوا مَعَ الرَّاکِعِینَ) یعنی «نماز کنید با نمازگزاران» و پیغمبر اکرم (صَلَّی اللُّه عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند که: «صفهای امت من در زمین چون صفهای فرشتگان است در آسمان و یک رکعت در جماعت مانند خواندن بیست و چهار رکعت نماز فرادا است؛ (۳) هر رکعت بهتر است نزد خدای تعالی از عبادت چهل ساله و از ابی مسلم از ابی سعید خدری نقل شده که حضرت فرمودند که جبرئیل با هفتاد هزار فرشته بعد از نماز پیشین آمد و عرض نمود یا محمد، به درستی که خدای تعالی به تو سلام می رساند و دو هدیه برای تو فرستاده است که به هیچ پیغمبری قبل از تو، نفرستاده است، .

۱- ارشاد القلوب - ترجمه رضایی، ج۱، ص۴۱۳.

۲- یعنی نمازهای واجب روزانه، صبح دو رکعت، ظهر چهار رکعت، عصر چهار رکعت، مغرب سه رکعت و عشا چهار رکعت.

۳- تنهائی، بدون جماعت.

حضرت فرمودند که: گفتم یا جبرئیل، آن دو هدیه چیست؟

عرض کرد: نماز یومیه در جماعت.

حضرت فرمودند: یا جبرئیل، برای امت من در نماز جماعت چه ثوابی است؟

گفت: یا محمد، اگر دو نفر باشند (با هم نماز جماعت بخوانند) خدای تعالی برای هر یک به جای هر رکعتی صد و پنجاه نماز بنویسد اگر سه نفر باشند، خدای تعالی به جای هر رکعتی دویست و پنجاه نماز بنویسد و اگر چهار نفر باشند خدای تعالی به جای هر رکعتی هزار و دویست نماز بنویسد....

و هنگام که تعداد آنها به ده نفر برسد، اگر جمع دریاهای آسمان و زمین جوهر و درختان قلم و آدمیان و جنیان با فرشتگان نویسنده شوند، بر نوشتن ثواب یک رکعت قادر نباشند.(۱)

و پیغمبر اکرم (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: «تکبیر اول امام پیش از نماز بهتر است از دنیا با هر چه در آن است.»

و روایت شده از عبدالله بن مسعود که روزی فوت شد از او یک تکبیره الاحرام و در عوض آن، بنده ای را آزاد کرد و نزد رسول اکرم (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) آمد و گفت یا رسول الله، یک تکبیره الاحرام از من فوت شده پس به جای آن، بنده ای را آزاد کردم، آیا به ثواب آن رسیدم؟ حضرت فرمودند: نه، بعد فرمودند ای ابن مسعود اگر تمام چیزهای روی زمین .

۱- کاشف الاستار در ترجمه جامع الاخبار، ص۷۵.

را هم انفاق کنی به ثواب آن نخواهی رسید!

روایت است از انس بن مالك از رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) که نماز مرد در جماعت بهتر است از چهل سال نماز او در خانه خودش. گفتند یا رسول الله نماز «یک روز»؟ آن حضرت فرمودند: «یک نماز».(1)

سخن امام خمینی (رَحمَه‌الله) درباره عالم قبر

برزخ (عالم قبر) تو اگر خدای نخواسته اصلاح نشده بروی، خدا می داند در چه صورتی و در چه حالتی هستی. چیزهایی که اهل این عالم حس و درک می کنند از دیدن و شنیدن و بوییدن آن هم عاجز هستیم. ظلمت و وحشت و فشار قبر را تو هر چه بشنوی به تاریکیها و وحشت ها و فشارهای این عالم قیاس می کنی، با آن که قیاس باطلی است. خداوند به فریاد ما برسد از آنچه برای خود به اختیار خود تهیه کردیم. عذاب قبر که نمونه ای از عذاب آخرت است، و از بعض روایات استفاده می شود که دست ما از دامن شمفا هم کوتاه است (2) خدا می داند چه عذابی است! .

۱- کاشف الاستار در ترجمه جامع الاخبار، ص۷۸ - در همین کتاب کاشف الاستار روایات دیگری نیز در ثواب زیاد نماز جماعت نقل شده که در صورت تمایل به آن رجوع شود.

۲- «قلب لابی عبدالله(ع): انی سمعتک و انت تقول شیعتنا فی الجنه علی ما کان فیهم. قال: صدقتک کلهم و الله فی الجنه بشفاعه النبی المطاع، او وصی النبی ولکنی و الله اتخوف علیکم فی البرزخ، قلت: و ما البرزخ؟ قال: القبر منذ حین موته الی یوم القیامه، به ابوعبدالله گفتم: شنیدم که می گفتی همه شیعیان به رغم آنچه که در آن هاست (گناهی که دارند) در بهشت جای دارند. «فرمود: به تو راست گفتم، به خداوند سوگند که همه آن ها در بهشت جای دارند. «گفت: فدایت شوم. گناهان بسیارند و بزرگ! فرمود: اما در قیامت همگی شما به شفاعت پیامبر که خواسته اش برآورده می شود، یا جانشینش، در بهشت خواهید بود. اما به خداوند سوگند که من در برزخ بر شما می ترسم. گفتم: برزخ چیست؟ فرمود: همان قبر است از هنگام مرگ تا روز قیامت» فروع کافی، ج۳، ص۲۴۲، کتاب جنائز، باب ما ینطق به موضع القبر، حدیث۳.

نامه تکان دهنده امیرالمؤمنین علی(علیهِ السَّلام) به مردم مصر

در زمان حکومت با برکت امیرمؤمنان حضرت علی (علیهِ السَّلام) محمدبن ابی بکر(1) زمامدار و والی مصر بود، حضرت نامه ای به او و مردم مصر نوشتند که متن آن اینچنین بود:

«بسم الله الرحمن الرحیم، از بنده خدا امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیهِ السَّلام) به مردم مصر و محمدبن ابی بکر؛ سلام بر شما، من اولاً در نزد شما «الله» را که معبودی جز او نیست سپاس می گویم. و بعد، شما را به تقوای الهی سفارش می کنم در آنچه که نسبت به آن مسئولید (و در گرو آن هستید) و به سوی آن باز می گردید، که خدای متعال می فرماید: «هر نفسی در گرو کار خویش است»، و می فرماید: «و خداوند شما را از عذاب خود بر حذر می دارد، و بازگشت به سوی خداست» و می فرماید: «به پروردگار تو سوگند که هر آینه از تمامی آنها بازخواست می کنیم، از آنچه که می کرده اند» ای بندگان خدا بدانید که خداوند (عزوجل) از کوچك و بزرگ اعمالتان از شما بازخواست می کند، پس اگر عذاب کند ما ظالمتریم (و ظلم ما از مقدار عذاب او افزون است) و اگر ببخشاید (بعید نیست، زیرا که) او ارحم الراحمین است.

بندگان خدا! نزدیکترین حالات بنده به آمرزش و رحمت زمانی است که به طاعت خدا عمل می کند، و خالصانه توبه می نماید. بر شما)

ص: ۱۱۴

۱- پسر خوانده امام علی (علیهِ السَّلام)

باد به تقوا که آن جامع خیراتی است که (چیزی) غیر آن چنین، نیکی ها را در بر ندارد، و خیراتی از خیرات دنیا و آخرت با آن به دست آید که با غیر آن بدست نیاید، خداوند (عزوجل) فرمود: «به آنان که تقوا پیشه کرده اند، گفته شود پروردگارتان چه فرستاد؟ گویند خیر را، برای آنان که نیکی کردند در این دنیا پاداش نیکی است و البته پاداش سرای آخرت بهتر است و جایگاه پرهیزگاران چه خوب جایگاهی است.»

بندگان خدا! بدانید که مؤمن به خاطر سه پاداش کار می کند: یا به جهت خیر دنیا است که البته خداوند او را به پاداش عمل خود در دنیا می رساند، خدای سبحان درباره ابراهیم فرموده: «پاداش او را در دنیا به او دادیم، و همانا او در آخرت از شایستگان است» پس هر کس برای خدا کار کند خداوند پاداش او را در دنیا و آخرت به او ببخشاید، و امور مهم او را کفایت نماید، که همانا خداوند (عزوجل) فرموده است: «ای بندگانی که ایمان آورده اید پروای خدایتان را پیشه کنید، برای آنان که خوبی کردند در این پاداش نیکی است، و زمین خدا پهناور است (که هر کس نتواند در سرزمینی از آن اطاعت خدا کند به سرزمینی دیگر رود) به راستی که پاداش بی حساب و به طور کامل به صبر پیشگان داده خواهد شد». پس خداوند آنان را به آن چه که در دنیا به آنها عطا کرده در آخرت به محاسبه نخواهد کشید.

خداوند عزوجل فرموده است: «برای آنان که کار نیک کردند پاداشی نیک و پاداشی بیشتر از آن خواهد بود» پس پاداش نیک همان

بهشت است، و پاداش بیشتر، پاداشی است که در دنیا به ایشان مرحمت می فرماید. و یا به جهت خیر آخرت است، که خداوند (عزوجل) به ازای هر کار نیکی گناهی را از (نامه عمل) آنان پاک می سازد؛ خداوند (عزوجل) فرموده است: «همانا کارهای نیک گناهان را می برد، این یک تذکر برای یادآوران است» تا اینکه چون روز قیامت فرا رسد کارهای نیکشان به حساب آنان منظور شود، سپس خداوند به عدد هر کار نیکی پاداش آن را ده برابر تا هفتصد برابر به آنان ارزانی دارد و خداوند (عزوجل) فرموده است: «این (اضافات) پاداشی از جانب پروردگار توست، و اینها بخششی است حساب شده» (که پس از به حساب منظور شدن اعمال نیک خودشان، این پاداش اضافه به آنان داده شده است) و نیز (حضرت حق) فرموده است: «برای آنان پاداشی دو چندان است به جهت کارهای خوبی که کرده اند، و آنان در غرفه های بهشتی در کمال امن و امان بیاسایند» پس به این همه پاداش روی آورید (خدا شما را رحمت کند) و برای دستیابی به آن کار کنید، و با نشاط هر چه تمامتر به سوی آن بشتابید. و بدانید (ای بندگان خدا) که پرهیزکاران به تمام نیکی های دنیوی و اخروی دست یافته اند، آنان با اهل دنیا در دنیایشان شریکند، ولی اهل دنیا با آنان در آخرتشان شرکت ندارند. خداوند از دنیا به آن اندازه که کفایتشان کند و بی نیازشان گرداند برای آنان مباح ساخته و اجازه مصرف و استفاده داده و فرموده است: «بگو چه کسی زیورهای خدا را که برای بندگانش آورده و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است، بگو همه

اینها در دنیا از آن کسانی است که ایمان آورده اند (هر چند کفار نیز بطفیلی آنان از آن بهره برند) و در آخرت به طور خالص و منحصراً» برای مؤمنین است، و این چنین آیات و نشانه ها را برای گروهی که دانایند تفصیل و توضیح می دهیم» آنان به بهترین وجهی در دنیا سکونت جسته، و به نیکوترین صورت از آن بهره مند شده اند، با اهل دنیا در دنیایشان شریکند، در کنار آنان از پاکیزه ترین خوراکها می خورند و از تمیزترین نوشیدنیها، می نوشند، و از بهترین لباسها می پوشند، و در برترین منزلها سکونت می کنند، و بهترین همسران را اختیار می کنند، و برترین سواری ها را سوار می شوند، با اهل دنیا و مثل آنان از لذّت دنیا بهره می برند، و فردا (قیامت) همجوار خدایند، از خدا آرزو و درخواست می کنند و خداوند آرزوهایشان را بر می آورد، و دعا و درخواستی از آنان را رد نکند، و هیچ بهره ای از لذت را از آنان دریغ ننمایند. پس ای بندگان خدا به چنین چیزها هر صاحب خردی مشتاق است، و برای دستیابی به آن به پروای الهی عمل می کند، «ولا حول و لا قوه الا بالله»، «و هیچ حول و قوه ای جز از جانب خدا نیست» بندگان خدا! اگر پروای الهی پیش گیرید، و حق پیامبرتان را درباره خاندان حضرتش محفوظ دارید، هر آینه خدا را به بهترین وجه پرستش نموده اید، و به بهترین صورت یاد کرده، و به نیکوترین روش سپاس گفته، و به بالاترین درجات صبر و شکر دست یافته، و به برترین درجه تلاش، سعی و کوشش نموده اید، هر چند که دیگران نمازشان از شما طولانی تر و روزه داریشان از شما

ص: ۱۱۷

باشد، زیرا که شما از آنان پرهیزکارتر، و نسبت به اولی الامر و امامان خود خبرخواه ترید.

ای بندگان خدا! از مرگ و بیهوشی و رنجهای جان کندن بهراسید، و لوازم آن را فراهم کنید که مرگ بطور ناگهانی با یکی از دو چیز بزرگ به سراغ شما خواهد آمد: یا با خیری که ابداً شری با آن نیست، یا با شری که ابداً خیری به همراه ندارد. پس چه کسی به بهشت نزدیکتر است از آن کس که برای آن کار می کند؟ و چه کسی به دوزخ نزدیکتر است از کسی که برای آن عمل می نماید؟

راستی که روح هیچ یک از مردم از کالبدش جدا نشود جز اینکه می داند که به کدامیک از دو سر منزل می رسد، به بهشت یا به دوزخ، دشمن خداست یا دوست اوست، پس اگر دوست خدا باشد درهای بهشت به رویش گشوده شود، و راههای آن برایش باز گردد، و آنچه را که خداوند برایش مهیا ساخته ببیند. و از هر کاری آسودگی یابد، و هر بار سنگینی از دوش او برداشته شود، و چنانچه دشمن خدا باشد درهای دوزخ برویش گشوده شود، و راههای آن برایش باز گردد، و آنچه را که خداوند برایش آماده ساخته مشاهده کند، پس با هر ناخوشایندی روبرو گردد، و هر شادی و سروری را رها سازد. همه اینها به هنگام مرگ انجام گیرد، و در همان وقت، یقین (به بهشتی یا دوزخی شدن) حاصل آید. خداوند عز اسمه(۱) فرموده است: «آن کسانی که پاکیزه زیسته اند وقتی .

۱- خداوندی که نامش عزیز است.

که فرشتگان جانشان را می ستانند، به آنان گویند: درود بر شما، به بهشت داخل شوید به سبب اعمال نیکی که کرده اید»، و نیز می فرماید:

«آنان که به خود ستم روا داشته اند وقتی که فرشتگان جانشان را می ستانند از در تسلیم درآیند و گویند: ما هیچ کار زشتی نکردیم (و هرگز کفر نورزیدیم، و فرشتگان در پاسخ گویند) آری خداوند به آنچه کرده اید داناست، پس از درهای دوزخ داخل شوید و جاویدان بمانید که دوزخ بد جایگاهی برای متکبران است»

بندگان خدا! از مرگ گریزی نیست، بنابراین پیش از آمدنش (در فکر آن باشید و) از آن بترسید، و لوازم آن را فراهم کنید، که شما در دسترس دام و شکار مرگ هستید؛ اگر بمانید شما را می گیرد، و اگر بگریزید به شما می رسد، و مرگ از سایه شما به شما نزدیکتر و همراه تر است. مرگ با زلف شما گره خورده (کنایه از نزدیکی آن است) و دنیا از پشت پای شما پیچیده می شود (و لحظه به لحظه از عمرتان می کاهد) پس به هنگامی که نفستان شما را به سوی شهوات می کشاند بسیار یاد مرگ کنید، و مرگ برای اندرزگوئی کافی است و رسول خدا فراوان یاران خود را به یادآوری مرگ سفارش می نمود و می فرمود: «بسیار یاد مرگ کنید که مرگ شکننده لذتها و فاصله ای میان شما و شهوتها است.»

بندگان خدا! آن کس که آمرزیده نشده پس از مردم چیزی دشوارتر از آن در پیش دارد و آن قبر است پس از تنگی و فشار و تاریکی و تنهائی آن بیم داریم، قبر هر روز می گوید: من خانه تنهائی ام، خانه

خاکی ام، من خانه وحشتم، من خانه کرمها و گزندگانم، قبر یا باغی از باغهای بهشت است، یا چاهی ازچاه های دوزخ است. بنـده مؤمن چون به خاک سپرده شود، زمین به او گوید: «آفرین، خوش آمدی، تو از جمله کسانی هستی که دوست داشـتم بر پشت من راه رود، حال که تو را در بر گرفتم خواهی دانست که چگونه با تو عمل می کنم! پس تا آنجا که چشم کار می کند برای او گشاد گردد. و کافر چون بخاک سپرده شود زمین به او گویـد: تو را آفرین و خوشامـد مباد، تو از جمله کسانی هستی که دوست نداشتم بر پشت من راه رود، حال که تو را در بر گرفتم خواهی دانست که چگونه با تو عمل می کنم؟ پس چنان او را بفشارد که استخوانهای پهلویش به هم برخورد کند. و همانا آن زندگی سخت و دشواری که خداوند دشمن خود را از آن بیم داده عـذاب قبر است، که خداونـد بر کافر نود و نه اژدها مسـلط کند که گوشت بدنش را به دندان گزند، و اسـتخوانش را بشکنند، و پیوسته بر جمجمه او در رفت و آمدند تا روزی که از قبر برانگیخته شود، که اگر یکی از آن اژدهاها در زمین بدمد هرگز زمین گیاهی نرویاند.

بندگان خدا! بدانید که در کنار این همه عذاب، رحمت خدا قرار دارد که از دسترس بندگان دور نیست، بهشتی که فضای آن بـه انـدازه پهنـای آسـمان و زمیـن اسـت که برای پرهیزکـاران فراهم آمـده است، آن خیری است که ابـداً شـری بـا آن نباشـد، لذتهایش ملال (خستگی و دلزدگی) نیاورد، و جمع آن به جدائی نینجامد، ساکنان آن در همسایگی

خدای رحمان به سر برند، و پسران زیبا روی، سینی هایی از زر که پر از میوه و سبزیجات خوشبوست بدست دارند و به خدمت آنان کمر بندند.

سپس ای محمدبن ابی بکر بدان که من حکومت بزرگترین سپاه و لشکرم را نزد خویش که اهل مصر باشند به تو سپردم، حال که این چنین امری را که حکومت مردم است به تو سپرده ام چه سزاوار است که مراقب بوده و از آن بر خود بیم کنی، و بر دین خود در حذر باشی، پس اگر توانستی که خدا - عزوجل - را با خرسند ساختن احدی از آفریدگانش به خشم نیاوری، این کار را بکن، که خداوند (عزوجل) جایگزین خوبی است به جای دیگران، و هیچ چیزی جز خودش جایگزین وی نتواند شد. بر ستمگر سخت بگیر، و جلوی او را بگیر، و برای خوبان نرم باش، و آنان را به خود نزدیک ساز، و آنان را همراز و برادران خود قرار ده، به نمازت بنگر که چگونه می گزاری زیرا که تو پیشوای آن قوم هستی، زیبنده توست که آن را کامل به جای آوری و سبک نگزاری، که هیچ امام جماعتی در جلوی جماعتی نماز نگزارده و نقصانی در نمازشان پیدا نشده، جز اینکه گناه آن به گردن اوست بدون آنکه چیزی از ثواب نماز آن جماعت کاسته شود. و نماز را کامل به جای آر و ارکان آن را به خوبی حفظ کن تا پاداشی به مانند پاداش آنان برای تو باشد بدون آنکه چیزی از پاداش آنان کم گردد. سپس در وضو دقت کن، که آن از شرائط کامل بودن نماز است، سه بار آب به دهان بگردان، سه بار بینی خود را بشوی، و صورت، سپس دست راست و سپس دست چپ خود

را بشوی، سپس بر سر و دو پای خود مسخ کن، که رسول خدا را دیدن که چنین می کرد، و بدان که وضو نیمی از ایمان است.

سپس مراقب وقت نماز باش، و آن را در وقت خود بگزار پیش از وقت به خاطر بیکاری در انجام آن شتاب مکن، و به خاطر سرگرمی به کار از وقت خود تأخیرش مینداز، همانا مردی از رسول خدا از اوقاف نماز، پرسش نمود، فرمود: جبرئیل نزد من آمد و وقت نماز را به من نمایاند، پس نماز ظهر را به هنگامی که خورشید در وسط آسمان و بر بالای ابروی راستش قرار گرفته بود بخواند، سپس وقت نماز عصر را بمن نمایاند و آن زمانی بود که سایه هر چیز به اندازه خودش شده بود، سپس نماز مغرب را هنگامی که آفتاب غروب کرد بخواند، سپس نماز عشا را هنگامی که شفق پنهان شد به جای آورد، سپس نماز صبح را هنگامی گزارد که سیاهی شب با سپیدی صبح درآمیخته، و هنوز ستارگان مشتبک بودند. پس تو نیز در این اوقات نماز بگزار، و همراه سنت معروف و راه روشن و آشکار باش. سپس در رکوع و سجود خود کمال دقت بجای آر، که رسول خدا نمازش از همه مردم کامل تر، و در عین حال سبکتر و کوتاهتر بود و بدان که هر عملی از تو به دنبال نماز توست، پس آن کس که نماز خود را تباه می سازد (و با شرائط معمول به جا نمی آورد) البته نسبت به چیزهای دیگر تباه سازتر است. از خدائی که می بیند و دیده نمی شود و در دیدگاه اعلی قرار دارد می خواهم که ما و تو را از جمله کسانی قرار دهد که دوستشان دارد و از

آنـان خرسـند است، تـا جایی که ما و تو را بر ادای سـپاس و یادآوریش و حسن عبادت و ادای حقش، و بر آنچه که در دنیا و آخرتمان برای ما برگزیده یاری رساند.

و شـما ای مردم مصـر، باید که کردارتان به درستی سخنتان، و ظاهرتان به خوبی باطنتان گواهی دهد، و زبانتان به آنچه در دل دارید مخالف نباشد. و بدانید که پیشوای هدایت با پیشوای هلاکت، و وصـی پیامبر و دشـمن او برابر نیسـتند. راستی که من بر شما از مؤمن و مشـرک بیم ندارم، چرا که خداوند مؤمن را به خاطر ایمانش (از خیانت) باز می دارد، و شر مشرک را با اظهار شرکش از شـما دور می سازد ولیکن از منافق بر شـما بیمناکم، آنچه را می پسندید می گوید، و آنچه را که خوش ندارید می کند.

محمـدبن ابی بکر! بـدان که برتری در فقه و دانـائی و پرهیزگـاری در دین خـدا و عمـل به طاعت اوست، و من تو را به پروای الهی در پنهـان و آشـکار کارهـایت و در هر شـرایطی که هستی سـفارش می کنم، دنیـا خانه گرفتاری و بلا، و آخرت، سـرای پـاداش و بقـاست، پس برای آنچـه بـاقی می مانـد عمـل کـن، و از آنچه از دست می رود روی بگردان، و بهره خـود را از دنیا فراموش مکن.

من تو را به هفت چیز که حـاوی کلیات اسـلام است سـفارش می کنم: از خداونـد عزّوجلّ بترس، و در راه خـدا از هیـچ کس نترس، و بهترین سخن آن است که عمل به درستی آن گواهی دهد، و در یک امر دو گونه

داوری مکن که کـارت دچـار پراکنـدگی گردد و از حق برکنـار افتی، و برای عموم مردم تحت فرمانت آن را بپسـند که برای خود و خـانواده ات می پسـندی، و همـان را برای آنـان نـاخوش دار که برای خود و خانواده ات ناخوش می داری که این کار حجت و دلیل تو را رساتر سازد و آنان را بهتر به خوبی ها و درستی ها آورد.

و در راه حق در ژرفای شدائـد فرو رو، و در راه خـدا از سـرزنش هیـچ ملامتگری باک مدار، و هر کس که با تو مشورت کرد خیر او را در نظر بگیر، و خودت را نمونه و الگوی هر دور و نزدیکی از مسلمانان قرار ده.

خداونـد عزّوجلّ دوستی ما را با یکـدیگر در راه دین قرار دهـد، و ما و شـما را به زیور پرهیزگاران بیاراید، و فرمانبری شـما را برایتان پایدار بدارد تا بدان وسیله ما و شما را برادرانی که در بهشت بر روی تختها روبروی هم تکیه زده اند قرار دهد.

ای مردم مصـر، به خوبی به محمـد، امیرتان، یاری رسانیـد و بر فرمانبری خود پایـدار بمانید؛ تا اینکه (در قیامت) بر سـر حوض پیامبرتان وارد شوید. خداوند ما و شما را نسبت به آنچه می پسندد یاری دهد، و سلام و رحمت برکات خدا بر شما باد.»(۱)

* اینطور نیست که این خطبه برای محمـد بن ابی بکر و مردم مصـر گفته شـد و تمام شـد؛ بلکه برای ما که خود را دنباله روی آن حضرت می دانیم باید طوری باشد که گویا امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) هم اکنون این .

۱- امالی شیخ مفید - ترجمه استاد ولی، متن، ص ۲۹۰.

خطبه را برای هر یک از ما قرائت نموده اند. باشد که با دقت در این فرمایشات گوهربار و به کار بستن آنها در زندگی، ایاشن را از خود خرسند سازیم که همانا رضایت خداوند متعال در رضایت رسول خدا و ائمه اطهار (عَلیهِم السَّلام) می باشد.

مستضعفین و عاقبت آنها

ضریس کناسی گوید: به امام باقر (علیهِ السَّلام) عرض کردم قربانت گردم خدا شناسانی که به محمد (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) ایمان دارند و مسلمان هستند و از دنیا می روند ولی امامی را نمی شناسند و به ولایت شما معتقد نیستند پایان کار آنها چه خواهد شد؟

امام فرمودند: «آنها در قبرهای خود خواهند ماند و از آنجا بیرون نخواهند گردید، هر کدام از آنها که کارهای نیک انجام داده باشند و عداوت و عنادی از آنها ظاهر نشده باشد از قبر او راهی به طرف بهشتی که خداوند در مغرب آفریده است باز می گردد و روح و بشالرت به قبر او می رسد. این چنین آدمی در قبر خود زندگی می کند تا روز قیامت برپا شود، در آن هنگام در پیشگاه عدل خداوندی حاضر می گردد و به حساب کار او می رسند و خوبی ها و بدیهای او را در نظر می گیرند در اینجا یا به طرف بهشت می روند و یا به طرف دوزخ رهسپار می شوند، وضع اینها بستگی به امر خداوند دارد.»

امام فرمودند: با مستضعفان و افرادی که عقل درستی ندارند و نیک

ص: ۱۲۵

و بد را از هم تمیز نمی دهند و یا اطفال و فرزندان مسلمان که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند نیز همین گونه رفتار می گردد، اما ناصبیان که اهل قبله هستند برای آنها هم خطی از قبر به طرف دوزخ کشانیده می گردد، که این دوزخ را خداوند در مشرق خلق کرده است و از آن دوزخ شعله های آتش و دود و گرمی به قبرش وارد می گردد و او را معذب می کند و بعد از این هم راه آنها به جهنم ختم می شود، و در آنجا نگه داشته می شوند و به آنها می گویند: شما غیر از خدا به دیگران توجه کردید، کجا هست آن امامی که خود اختیار کردید و امام منصوب از طرف خدا را رها نمودید.(۱) .

۱- ایمان و کفر - ترجمه الایمان و الکفر بحارالانوار، ج۲، ص۴۱۲.

فصل سوم: عذابهای قبر

اشاره

عذاب قبر یکی از اصحاب رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم)!

وقتی معاذبن جبل وفات کرد، پیامبر اکرم (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) خود با پای برهنه در تشییع جنازه او شرکت نمودند؛ از چهار گوشه تابوت را گرفته و بر او نماز خواندند؛ داخل قبرش شده و او را در قبر گذاشتند.

بعد از دفن فرمودند: قبر چنان فشاری به او داد که استخوان هایش شکست! گفتند: چگونه می شود که شما این قدر توجه نمودی و به دست خود او را در قبر نهادی و فشار قبر نیز بر او وارد شد؟!

حضرت فرمودند: «علت فشار قبر، این بود که او در خانه بد اخلاق بود و محیط گرم خانه را سرد می کرد.»(۱)

عذاب قبر کم فروش

بیهقی از عبدالحمید بن محمود نقل می کند که نزد ابن عباس .

۱- نماز و قیامت بهجت عارفین، ص۱۲۲.

بودیم که مردی آمد و گفت: به حج می آمدیم که در محلی به نام صفاح یکی از همراهان ما از دنیا رفت، برایش قبری کندیم، که دفنش کنیم، دیدیم مار سیاهی لحد را پر کرد، قبر دیگری که کندیم باز دیدیم مار آن قبر را پر کرده، قبر سوم کندیم باز مار در آن نمایان شد، جنازه را بی دفن گذاشته پیش تو برای چاره جویی آمدیم.

ابن عباس گفتک آن مار عمل اوست، بروید او را در یک طرف قبر بگذارید، اگر تمام زمین را بکنید مار در آن خواهد بود؛ برگشته و او را در یکی از قبرها انداختیم، چون از سفر برگشتیم پیش همسرش رفته و خبر مرگ او را داده و از کارهای شخص مرده سؤال کردیم، زن می گفت: او آرد می فروخت، غذای خانواده خود را از خالص آن برمی داشت، سپس به مقداری که برمی داشت کاه و نی خُرد کرده مخلوط نموده و می فروخت.(۱)

عذاب قبر به خاطر آزردن شوهر

یکی از شاگردان شیخ رجبعلی خیاط (رَحمَه‌الله) نقل می کند: زنی بود که شوهرش سید و از دوستانش جناب شیخ بود. او خیلی شوهرش را اذیت می کرد. پس از چندی آن زن فوت کرد. هنگام دفنش جناب شیخ حضور داشت. بعد فرمودند:

روح این زن جدل می کند که: «خُب! مُردم که مُردم، چطور شده!» .

۱- قصه های اسلامی و تکه های تاریخی، ص۴۷ - از کتاب داستانهای شگفت انگیزی از عالم برزخ، ص۶۸.

موقعی که خواستند او را دفن کنند اعمالش به شکل یک سگ درنده سیاهی درآمد.

همین که خانم فهمید این سگ باید با او دفن شود، متوجه شد چه بلایی در مسیر زندگی بر سر خورد آورده، شروعغ کرد به التماس و التجا و نعره زدن! دیدم خیلی ناراحت است لذا از این سید خواهش کردم که حلالش کند! او هم به خاطر من حلالش کرد. سگ رفت و او را دفن کردند.(۱)

بدخلقی موجب عذاب و فشار قبر است

یکی از صفات زشت، که موجب نابودی انسان و موجب فشار قبر و موجب عذاب انسان در دو دنیا می شود، بدخلقی با اهل خانه، همسایگان، هم شغلی ها و... است، که زاییده غضب است.

عذاب قبر به سبب عاق والدین

در روایت آمده: روزی حضرت رسول (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) در مسجد نشسته بودند. ناگهان جبرئیل نازل شد و گفت: «السلام علیک یا رسول الله» به بقیه قدم گذار تا قَدَمت به آن غریبان و زندانیان زندان تنگ و تاریک رسد و نسیم رحمت تو بر آنها بِوَزَد.

حضرت برخواسته با چند تن از یارانشان به طرف قبرستان می رفتند. چون به میان قبرستان رسیدند و آواز شخصی به گوش آن حضرت رسید .

۱- کیمیایی محبت، ص ۱۴۱ - حکایت دیده های برزخی، ص۱۷.

که می گفت: «الامان یا رسول الله» (پناهم بده ای رسول خدا)

حضـرت گوش به قبر نهاده فرمودنـد: مرا از کیفر خود خبر ده و علت آن را بگو؟ صدا آمد ای شـفیع گناهکاران و ای پیشوای اهل ایمان! نفرین مادر مرا به این کیفر مبتلا کرده که او را آزرده ام «الامان یا رسول الله».

آن حضـرت فرمودند تا بلال در مدینه ندا کند. بلال با صدای بلند ندا کرد: «ای مردم به امر رسول خدا بر سـر قبرهای پدران و مادران و نزدیکانت خود بیاید.»

صدای بلند بلال به گوش اهل مدینه رسـید. شـهر به جوش و خروش آمده و مردم در قبرسـتان بقیع حاضر شدند. پیرزنی پشت خمیـده که به عصـا تکیه نموده بود، آمـده و در برابر آن قبر ایسـتاد و بر آن حضـرت سـلام نمود و خـاک پای آن حضـرت را بوسید و عرض کرد: یا رسول الله! فرمان چیست؟

فرمود: ای پیرزن این فرزند تو است؟

گفت: بلی یا رسول الله!

حضرت فرمودند: فرزند تو در میان بلا و گرفتاری است او را حلال کن.

گفت: یا رسول الله! حلال نمی کنم.

فرمودند: چرا؟

عرض کرد: او را با شیره جان پروردم و خون جگر خوردم تا

روزی پشت و پناه من باشد و بر من احسان کند ولی چون بزرگ شد به آزارم پرداخت. حضرت دست به دعا برداشته و فرمودند: الهی به حرمت پنج تن آل عبا صدای این فرزند را به گوش مادرش برسان تا شاید دلش بسوزدت و بر فرزندش رحم کند.

سپس به پیرزن فرمودند: گوش بر قبر بگذار تا ناله فرزندت را بشنوی. پیرزن چون گوش به قبر نهاد ناله جانسوزی شنید بی اختیار گریست و شنید که می گوید:

بالای سرم آتش است، پایین پایم آتش است، از طرف راستم آتش است از طرف چپم آتش است و از پشت سرم آتش است؛ امانم بده امان بده. ای مادر از من درگذر وگرنه تا قیامت اینچنین در بلا خواهم ماند و بی شک در دوزخ مخلد خواهم بود.

پیرزن دلش به حال پسرش سوخت و گفت: خداوندا! من از تقصیر خودم گذشتم.

در همان حال خداوند لباس رحمت بر وی پوشانید و او را ببخشید و آن فرزند ندا داد مادر ای مادر! خدای تعالی از تو راضی باشد که از من راضی شدی و بخشیدی.(۱)

عذاب قبر و قیامت به واسطه ازدواج با فاسق

و نیز رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: هر زنی که راضی شود به ازدواج .

ص: ۱۳۲

۱- حقوق الوالدین، ص۳۱۵ - از کتاب داستان های شگفت انگیز، ص۱۹۷.

مرد فـاسق درآیـد. آن زن منـافق است و در آتش جهنم زنـدانی شود و هرگاه بمیرد هفتاد در عـذاب به گورش باز می شود و اگر بگویـد «لاـ الـه الاـ الله» هر فرشـته ای کـه بیـن آسـمان و زمین است او را لعنت کند(۱) و خداونــد در دنیـا و آخرت بر او خشمگین باشد و خداوند در هر شبانه روزی هفتاد گناه در نامه عملش بنویسد.(۲)

عذاب قبر تجاوز کننده به ناموس مردم

حضـرت عیسـی (علیهِ السَّلام) از گورسـتانی گـذر می کردنـد. گوری را دیدند که آتش از او شـعله ور می شود. حضـرت دو رکعت نماز به جا آورده و عصایش را بر گور زد. گور شکافته شد.

شخصی را در میان آتش دیدند و به او فرمودند: «ای مرد چه کرده ای که به این عذاب سخت گرفتار شدی؟»

آن مرد گفت: «یا روح الله! من مردی بودم که به ناموس مردم تجاوز می کردم. چون وفان کردم و مرا دفن کردند، از حضرت حق خطاب رسید که وی را بسوزانید. از آن روز تاکنون مرا می سوزانند».

حضرت نگاهی کرد. ماری سیاه و عظیم الجثه در گور وی دید. پرسید: که با این مسکین چه می کنی؟

آن مار گفت: از زمانی که او را دفن کرده اند از وی غافل نبوده ام .

۱- شایـد به این دلیـل اینکه در واقع ازدواج با فاسق یک جور یاری کردن اوست و یاری کردن فاسق برخلاف لا اله الا الله می باشد.

۲- ارشاد القلوب - ترجمه رضایی، ج ۱، ص ۴۱۱.

همراه با زهری که اگر قطره ای از آن به رود نیل و فرات بریزد تمام آب، قاتل شود.

شخص معذب گفت: یا روح الله! از حق تعالی درخواست کن تا بر من رحم نماید.

حضرت نیز از خداوند طلب رحمت نمودند.

خطاب رسید که هر کس از پس زنان مردم رود ما او را عذابی کنیم که کس دیگر را چنین عذابی نکرده باشیم. اما چون تو از ما درخواست رحمت کردی، ما او را به تو بخشیدیم.

عیسی (علیهِ السَّلام) به آن مرد گفت: می خواهی که با من باشی؟

مرد گفت: یا روح الله! عاقبت چه چیز است؟

حضرت فرمود: عاقبت مرگ است.

مرد گفت: نمی خواهم، زیرا صد سال است که مرده ام اما هنوز تلخی جان کندن در کام من است.(۱)

عذاب کسی که به نماز بی اعتنایی کند

پیامبر اسلام (صَلَّی اللّهُ عَلَیه وَآله وسَلَم) به دخترشان سرور زنان دو جهان حضرت فاطمه زهرا (عَلیها السَّلام) فرمودند: «ای فاطمه! هر کسی از مردان یا زنان به نماز بی اعتنایی کند خداوند او را به پانزده عقوبت مبتلا گرداند که شش تا در دنیا و سه تا در هنگام جان دادن و سه تا در قبر و سه تا در قیامت دامن .

۱- داستان عارفان، ص۲۱۴.

گیر انسان می شود:

اما آنچه در دنیا متوجه انسان می شود، عبارت است از:

۱- برداشتن برکت از عمر ۲- برداشتن برکت از روزی ۳- محو سیمای صالحین از چهره و رخسار ۴- بی اجر ماندن اعمال ۵- عدم قبول دعا ۶- عدم مشمولیت دعای نیکان.

و آنچه به هنگام مرگ عارض انسان می شود، عبارتند از:

۱- ذلیل ۲- تشنه ۳- گرسنه خواهد مُرد.

اما آنچه در قبر بر سر انسان می آید، عبارت است از:

۱- ملکی او را شکنجه می نماید ۲- قبر او تنگ می شود ۳- قبر او تاریک می شود.

اما آنچه در قیامت متوجه انسان می شود، عبارت است از:

۱- وارونه بر زمین کشیده خواهد شد ۲- محاسبه او سخت خواهد بود ۳- خدا به او نظر رحمت نخواهد داشت و به عذابی دردناک گرفتار می گردد.(۱)

عاقبت سخن چینی

شیخ صدوق (رَحمَه الله) در حدیثی طولانی از حضرت رسول (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) روایت کرده که هر کس ما بین دو نفر نمامی و سخن چینی کند، حق تعالی در قبر بر او آتشی را مسلط می کند که او را تا روز قیامت بسوزاند، و)

۱- بحارالانوار، ج۸۳، ص۲۳ (نماز و قیامت بهجت عارفین)

چون از قبر بیرون آید بر او چهار ماه سیاه بزرگ که گوشت او را به دندان بکنند مسلط فرماید تا داخل جهنم شود.(۱)

عاقبت چشم چرانی

حضرت رسول اکرم (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرموده است که هر کس چشم خود را از نگاه به نامحرم پرکند، حق تعالی او را در روز قیامت در حالی که به میخ های آتشین میخ دوز کرده باشند محشور فرماید، تا زمانی که حق تعالی مابین مردم حکم فرماید، سپس امر می کند که او را به آتش ببرند.(۲)

عاقبت ربا خواران

اَلَّذِینَ یَأْکُلُونَ الرِّبا لا یقُومونَ اِلاّ کَما یقُومُ الَّذِی یتَخَبَّطُهُ الشَّیطانُ مِن المَسِّ.(۳)

«آنان که ربا می خورند در قیامت از گور برنخیزند مگر مانند کسی که به وسوسه و فریب شیطان عقل خود را از دست داده است» (۴)

عاقبت سلطان ستمگر

وقتی امیرالمؤمنین علی (علیهِ السَّلام) از جنگ نهروان مراجعت فرمودند با جمجمه سری که آثار پوسیدگی در آن ظاهر بود روبه رو گردیدند، .

۱- ثواب الاعمال، شیخ صدوق، ص۶۰۹.

۲- همان مأخذ، ص۶۱۳.

۳- سوره بقره، آیه۲۵۷.

۴- من لا یحضره الفقیه - ترجمه غفاری، ج۵، ص۲۸۴.

دستور دادند آن را بیاورند. وقتی آن را آوردند ایشان با عصای خود آن را حرکت داد و فرمودند: به من بگو تو کیستی؟ فقیری یا غنی؟ شقی هستی یا سعید؟ پادشاهی یا رعیت؟

آن سر به زبان درآمده و با کلامی فصیح گفت: «السلام علیك یا امیرالمؤمنین»؛ من پرویز بن هرمز سلطان سلاطین هستم. من پادشاه ستمکاری بودم و مالك تمام مشارق و مغارب و کوه ها و دشتستانها و خشکیها و دریاها شدم. من کسی هستم که هزار شهر در دنیا گرفتم و هزار سلطان را کشتم.

یا امیرالمؤمنین! من کسی هستم که پانصد شهر بنا کردم و بکارت پانصد کنیز را برداشتم.

هزار غلام ترک، هزار ارمنی، هزار غلام زنگی خریدم. با هفتاد دختر از دختر سلاطین ازدواج کردم. هیچ سلطانی در زمین نبود مگر من بر او غالب شدم و بر رعایای آنها ستم نمودم.

تا اینکه ملك الموت به سر وقت من آمد و گفت: ای ظالم! ای طاغی! حق تعالی را مخالف کردی؟ در آن هنگام اعضای من به لرزه درآمد و رگهای بدنم خشك شد. وقتی ملك الموت روح مرا قبض کرد مردم از ظلم و ستم من راحت شدند و من به عذاب الهی گرفتار گردیدم. ملك الموت جهت عذاب من هفتاد هزار ملك از ملائکه عذاب را موکل گردانید. در حالی که به دست هر یك از آنها تازیانه ای از آتش بود که اگر با یکی از آن تازیانه ها به کوه های زمین می زدند.

آن کوه ها آب شده و از هم متلاشـی می گشتند. هر زمان که یکی از آن ملائکه یک ضربه از گرزهای آتشینش را به من می زنـد، شـعله آتش در من شـعله ور می شود. تمام این عـذاب ها به سـبب ظلمی بود که بر بندگان خداوند در زمان حیات خود کردم و این عـذاب برای من همیشـگی خواهـد بود. همچنین به عـدد هر مویی که بر بدن من است مار و عقربی مرا می گزد و آن مارها و عقرب های می گویند: این جزای ظالمی است که بر بندگان خدا روا داشتی.

سپس آن جمجمه ساکت شـد و تمام لشـگر حضـرت از این موضوع و عـذاب الهی گریان شدند و بر سـر خود می زدند و می گفتند: ای امیرالمؤمنین! ما نسبت به حق شما جاهل بودیم با اینکه پیامبر به ما گوشزد نمود، خسران و زیان نصیب ما گردید و از شـما خبر خوبی به مـا نرسـیده، مـا را در آنچه از حق تو کوتاهی کردیک و به غیر تو پیوستیم عفو بفرما که ما از کرده خود پشیمانیم.(۱)

عذاب قبر به سبب شرابخواری

اسـماعیل بن سالم گویـد: شخصـی به امام صادق (علیهِ السَّلام) عرض کرد: خداوند شـما را به سـلامت دارد؛ شـراب خواری و میگساری بدتر است یا ترک نماز؟ حضرت فرمودند: «شراب خواری»؛ سپس فرمودند: «آیا می دانی برای چه؟» .

۱- عجایب و معجزات شگفت انگیزی از چهارده معصوم منقول از بحار جلد۴۱.

عرض کرد: «نه»

حضرت فرمودند: «از این رو که در اثر مستی چنان از خود بی خود می گردد که خداوند عزّوجلّ خویش را نمی شناسد.»

و نیز آن حضرت فرمودند: «شرابخواران در دنیا، آنان که از مسکرات (۱) خود را سیراب می کنند در هنگام مرگ تشنه از دنیا می روند، و روز رستاخیز تشنه از گور برمی خیزند و به محشر می آیند و با لب تشنه به دوزخ وارد می شوند.»(۲)

فضیل بن یسار گوید: «شنیدم امام باقر (علیهِ السَّلام) می فرمودند: «هر کس یک بار شراب بخورد و از آن مست شود، نمازش تا چهل روز مقبول درگاه خداوند واقع نگردد، و چنانچه نماز را ترک کند در آن ایام عذابش دو برابر شود به خاطر ترک نماز (یعنی با اینکه نمازش قبول نیست ولی بر او واجب است که آن را بخواند؛ و اگر نماز را هم نخواند، هم عذاب نخواندن نماز و هم عذاب شرابخواری را دارد.

عذاب قبر به خاطر یک نماز بی وضو

شیخ صدوق (رَحمَه الله) از حضرت صادق (علیهِ السَّلام) روایت کرده که مردی از احبار (۳) را در قبرش نشاندند و گفتند: «ما صد تازیانه از عذاب خدا به تو می زنیم، گفت: من طاقت ندارم؛ پس به او تخفیف دادند و کم .

۱- شراب، خمر.

۲- من لا یحضره الفقیه - ترجمه غفاری، ج۵، ص۲۹۷.

۳- احبار یعنی عالمان یهود، ممکن است کلمه اخیار یعنی نیکان باشد.

کردند تا رساندند به یک تازیانه و گفتند: چاره ای از این یک تازیانه نیست.»

گفت: «چرا مرا می زنید؟»

گفتند: «به خاطر آنکه روزی بدون وضو نماز خواندی، و بر ضعیفی عبور کردی و او را یاری نکردی. پس چون او را یک تازیانه از عذاب الهی زدند قبرش مملو از آتش شد.»(۱)

عذاب قبر به خاطر عدم توجه به نیاز برادر دینی

و نیز از آن حضرت روایت کرده که هر مؤمنی که برادر مؤمن او از او حاجتی بخواهد و او توانایی داشته باشد که آن حاجت را برآورد و برنیاورد، حق تعالی بر او در قبر مار عظیمی مسلط فرماید که او را شجاع گویند که پیوسته می گزد انگشتان او را.

و در روایت دیگر است که بگزد انگشتان او را تا روز قیامت، خواه آمرزیده باشد یا معذب باشد.(۲) .

۱- علل الشرایع، ج۱، ص۳۵۹.
۲- کافی، ج۲، ص۱۹۶ به نقل از منازل الآخره.

فصل چهارم: تجسّم اعمال در عالم قبر

تجسم اعمال خیر در قبر

در کافی شریف از حضرت امام صادق (علیهِ السَّلام)، نقل شده که فرمودند: «وقتی مؤمن به قبرش داخل شود، نماز طرف راست او، زکات طرف چپ او و نیکی و احسان مقابل او می باشند، و صبر هم به طرفی کنار می رود. پس وقتی که ملائکه سؤال کردن بر او وارد می شوند صبر به نماز و زکات و نیکویی می گوید: «بگیرید رفیق خود را، (یعنی او را همراهی کنید) پس اگر شما از او عاجز شدید، من او را می گیرم.(۱)

علامه مجلسی (رَحمَه الله) در محاسن به سند صحیح از حضرت صادق (علیهِ السَّلام) یا حضرت باقر (علیهِ السَّلام) روایت کرده است که زمانی که مؤمن بمیرد، شش صورت با او در قبرش داخل می شوند؛ که یکی از آنها خوشروتر و خوشبوتر و پاکیزه تر از باقی صورتها می باشد؛ پس یکی در جانب راست می ایستد و یکی در جانب چپ، یکی پیش رو، یکی در پشت .

۱- اصول کافی، ج۲، ص ۹۰ کتاب الایمان و الکفر، باب الصبر، حدیث۸.

سر و یکی در پـائین پا و آنکه خوش صورت تر است در بالای سـر، پس سؤال یا عـذاب از هر جهت که می آیـد آنکه در آن جهت ایستاده است مانع می شود. سپس آنکه از همه خوش صورت تر است به سایر صورتها می گوید: شما کیستید، خدا شما را جزای خیر دهد.

صاحب جانب راست می گویـد: من نمازم. صاحب جانب چپ گویـد من زکاتم آنکه در پیش روی است گوید: من روزه ام. آنکه در عقب سـر است گویـد: من حج و عمره ام. و آنکه در پائین پا می باشد، گوید: من بِرّ و احسان به برادران مؤمنم. پس آنها به او می گویند: تو کیستی که از همه ما بهتر و خوشبوتری؟ گوید: من ولایت آل محمد (عَلیهِم السَّلام) می باشم.(۱)

قرینی که با انسان دفن می شود

قیس بـن عـاصم منقری بـا جمـاعتی از بنی تمیم خـدمت حضـرت رسـول (علیهِ السَّلام) رسـیدند و از آن حضـرت مـوعظه ای سودمنـد خواسـتند؛ آن حضـرت ایشـان را بـا جملاتی موعظه نمودنـد و از جمله فرمودنـد: ای قیس! برای تو چاره ای نیست از قرینی که با تو دفن می شود و او زنده است و دفن می شوی تو با او، در حالی که تو مرده ای.

پس اگر او کریم باشـد تو را گرامی خواهد داشت و اگر لئیم (۲) باشـد او تو را وا خواهد گذاشت و محشور نخواهی شد مگر با او، مبعوث .

۱- بحارالانوار، ج۶، ص۲۳۴ به نقل از منازل الآخره.

۲- پست و فرومایه.

نشوی مگر با او و سؤال نخواهی شد مگر با او؛

پس قرار مده آن را مگر صالح، زیرا که اگر صالح باشد با او انس خواهی گرفت، و اگر فاسد باشد وحشت نخواهی نمود مگر از او و عمل او.

تجسم بسیار عجیب اعمال

عبدالرحمن بن قاسم گوید ما یک روز نزد رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) بودیم حضرت فرمودند: «من دیشب(1) عجایبی دیدم.»

عرض کردم: «یا رسول الله چه دیدی؟ برای ما نقل کن جان ما و اهل و اولاد ما به قربانت».

حضرت فرمودند: «مردی از امتم را دیدم که ملک الموت آمده بود جانش را بگیرد و احسان به پدر و مادر آمد و او را بازداشت؛(2) مردی از امتم را دیدم که عذاب قبر بر او چنگال گشوده بود و وضویش آمد و آن را بازداشت؛ مردی از امتم را دیدم که شیاطین دورش را گرفته بودند، ذکر خدای عزّوجلّ آمد و از میان آنها نجاتش داد؛ مردی از امتم را دیدم که فرشته های عذاب دوره اش کرده بودند و نمازش آمد و جلوی آنها را گرفت؛ مردی از امتم را دیدم که از تشنگی له له می زد و به هر حوضی می رسید ممنوع می شد، روزه ماه رمضانش آمد و او را سیراب کرد؛ مردی از امتم را دیدم که به هر حلقه ای از .

ص: ۱۴۴

۱- در بعضی از نقل ها کلمه در خواب در اینجا آمده است که البته فرقی هم نمی کند زیرا خواب پیامبران و ائمه از رویاهای صادقه (خوابهای راستین) می باشد.

۲- یعنی احسان به پدر و مادر عمر را زیاد می کند.

انبیاء نزدیک می شد او را می راندند، و غسل جنابتش آمد دست او را گرفت و پهلوی منش نشانید؛ مردی از امتم را دیدم که از شش جهت در تاریخی فرو بود حج و عمره اش آمدند و او را از تاریکی درآوردند و به روشنی رسانیدند؛ مردی از امتم را دیدم که با مؤمنان صحبت می کرد، ولی آنها با او صحبت نمی کردند و صله رحمش آمد و گفت ای گروه موماذن با او سخن بگویید که او صله رحم می کرد، مؤمنان با او صحبت کردند و دست دادند و با آنها همراه شد؛ مردی از امتم را دیدم که دست و روی خود را سپر شراره آتش کرده بود، صدقه اش آمد محافظ سر و سپر روی او شد؛ مردی از امتم را دیدم که مأموران دوزخ او را از هر سو در بر گرفته بودند و امر به معروف و نهی از منکرش آمدند و او را از دست آنها رها کردند و به ملائکه رحمت سپردند، مردی از امتم را دیدم که به زانو درآمده و میان او و رحمت خدا پرده ای (مانعی) بود، حُسن خُلقش آمد و او را وارد رحمت خدا کرد؛ مردی از امتم را دیدم که نامه عملش از به دست چپش بود، خوف او از خداوند آمد و نامه عملش را گرفت و به دست راستش داد؛ مردی از امتم را دیدم که ترازوی اعمالش سبک بود در حالی که بسیاری از نمازها را خوانده بود(۱) (آن نمازها) آمدند و ترازوی اعمالش را سنگین کردند؛ مردی از امتم را دیدم که بر پرتگاه دوزخ بود و امیدی او به خداوند، آمد و او را نجات داد؛ مردی از امتم را .

۱- منظور نمازهای مستحبی.

دیدم در آتش سرازیر بود، اشکهایی که از خوف خدا ریخته بود آمدند و او را درآوردند؛ مردی از امتم را دیدم چون شاخه خرما در برابر باد سخت بر صراط می لرزید، خوش گمانی او به خدا آمد و او را آرام کرد و از صراط گذشت؛ مردی از امتم را دیدم روی صراط گاهی افتان و گاهی خیزان می رفت و گاهی آویزان می شد، صلواتی که بر من فرستاده بود آمد و او را بر پا داشت و از صراط گذشت؛ مردی از امتم را دیدم که به سمت درهای بهشت می رفت و به هر دری می رسید به روی او بسته می شد، شهادت او از روی راستی به یگانگی خداوند آمد و درهای بهشت را به روی او گشود.»(۱)

از اثرات عجیب صلوات

صلوات، سبب رفع عذاب قبر است. در دعوات راوندی از رسول خدا (صَلّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) روایت شده است که: «بسیار بر من صلوات بفرستید. زیرا که صلوات فرستادن بر من نور است در قبور و نور است در صراط و نور است در بهشت.»(۲)

نقل شده که زنی دختری داشت که آن دختر وفات نمود؛ مادرش او را در خواب دید در حالی که به عذاب دردناک و عقاب عظیم گرفتار است؛ با اندوه بسیار از خواب بیدار شده شروع به گریه و زاری نمود؛ و چند روز بر حال فرزند خود اشک می ریخت و می نالید. .

۱- امالی شیخ صدوق، ترجمه کمره ای، متن، ص۲۳۲.

۲- بحارالانوار، ج۹۴، روایت ۶۳ - (ذکر اسرار آمیز صلوات) با اندکی تغییر.

تا آنکه بار دیگر آن دختر را در خواب دید در حالی که خوشحال و شادمان بود و در باغی بهشتی قدم می زد.

در آن حال به او گفت: «ای دختر آن حالت چه بود که من می دیدم و این چه حالتی است که مشاهده می کنم؟»

دختر جواب داد: «ای مادر! همانطور که آن دفعه دیدی، به جهت گناهان خود در عذاب بودم. ولی در این روزها عزیزی (اهل نفسی) از کنار قبرستان ما گذشت و چند بار صلوات فرستاد و ثواب آن ها را به اهل قبرستان بخشید و حق تعالی به برکت آن صلوات ها، عذاب را از اهل گورستان برداشت!»

مکاشفه عجیب آیت الله سیدجمال الدین گلپایگانی (رَحمَه الله)

مرحوم آیه الله سیدجمال الدین گلپایگانی (رَحمَه الله) می فرمود: «در دوران جوانی که در اصفهان بودم، نزد استاد بزرگ مرحوم آخوند کاشی و جهانگیر خان، درس اخلاق و سیر سلوک می آموختم و آنها مربی من بودند؛ به من دستور داده بودند که شب های پنج شنبه و جمعه بروم بیرون اصفهان و در قبرستان تخت فولادی(۱) قدری در مورد عالم مرگ و ارواح تفکر و مقداری هم عبادت کرده و صبح برگردم.

عادت من بود که شب پنج شبه ها و جمعه می رفتم و مقدار یکی دو ساعت بین قبرها و مقبره ها حرکت می کردم و تفکر می نمودم. و .

۱- قبرستان تخت فولاد، جایی است که علما و بزرگان زیادی در آنجا دفن هستند و به گفته بزرگان جای با معنویتی است.

بعـد چند ساعت استراحت نموده و سـپس برای نماز شب و مناجات برمی خواسـتم و نماز صـبح را می خواندم و پس از آن به اصفهان می آمدم.

شبی از شب های زمسـتان بود و هوا هم بسیار سرد بود؛ برف هم می آمد و من برای تفکر در ارواح و ساکنان و ادیان عالم، از اصفهان حرکت کردم به تحت فولاد آمدم و در یکی از اتاقهای قبرستان رفتم، خواستم دستمال خود را باز کرده، چند لقه غذا بخورم و بعد بخوابم تا در حدود نیمه شب بیدار شده و به کارها و دسـتورهای عبادی خود مشـغول شوم. در این حال در مقبره را زدنـد تـا جنازه ای را که از ارحام و بسـتگان صاحب مقبره بود را زدنـد تا جنازه ای را که از ارحام و بسـتگان صاحب مقبره بود و از اصـفهان آورده بودنـد آن جا بگذارند و شـخص قاری قرآن که متصدی مقبره بود، مشـغول تلاوت شود و آنها صـبح بیایند و جنازه را دفن کنند.

آن جماعت جنازه را گذاشـتند و رفتند و قاری قرآن به تلاوت مشـغول شد. من همین که دستمال را باز کردم خواستم مشغول خوردن شوم دیدم ملائکه عذاب آمدند و مشغول عذاب کردن شدند.

عین عبارت خود آن مرحوم است: چنان گرزهای آتشـین بر سـر او می دند که آتش به آسـمان زبانه می کشید و فریادهایی از این مرده برمی خواست که گویی تمام قبرستان عظیم را متزلزل می کرد.

نمی دانم اهل چه معصـیتی بود و یا از حاکمان جائر و ظالم بود که این طور مسـتحق عـذاب بود؟ و ابداً قاری قرآن اطلاعی از این موضوع نداشت؛ آرام بر سر جنازه نشسته و مشغول تلاوت قرآن بود.

من از مشاهـده این منظره از حـال رفتم؛ بـدنم لرزیـد، رنگم پریـد و اشـاره می کنم به صـاحب مقبره که در را بـاز کن! من می خواهم بروم، ولی او نمی فهمید؛ هر چه می خواستم بگویم، زبانم قفل شده و حرکت نمی کرد؛ بالاخره به او فهماندم.

«چفت در را باز کن! من می خواهم بروم».

گفت: «آقا هوا سرد است؛ برف روی زمین را پوشانده؛ در راه گرگ است، تو را می درد.»

هر چه می خواستم بفهمـانم به او که من طـاقت مانـدن نـدارم او ادراک نم کرد. به ناچار خود را در اتاقی کشانـدم. در را باز کرد و من خـارج شـدم و تا اصـفهان با آن که مسافت زیادی نیست بسـیار به سـختی آمـدم و چنـدین بار زمین خوردم و وقتی آمدم در حجره، یک هفته مریض شدم.

مرحوم آخونـد کاشـی و جهـانگیر خـان می آمدنـد حجره و از من دلجویی می کردنـد و به من دوا می دادنـد و جهانگیر خان برای من کباب باد می زد و به زور به حلقم فرو می برد تا کم کم قوت گرفتم.(۱)

ولایت محمد و آل محمد (عَلیهِم السَّلام) در قبر

پیامبر اکرم (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند:

«اَلا وَمَن ماتَ عَلی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتَحَ لَهُ فِی قَبرِه بابانِ اِلَیی الجَنَه»

«آگاه باشید کسی که بر محبت آل محمد بمیرد دو در برای او در .

ص: ۱۴۹

۱- داستان های شگفت، ص۲۳۲ - حکایت برزخی ص۱۱۴.

قبرش به بهشت گشوده می شود.»(۱)

مرحوم سیدبن طاووس (رَحمَه ُالله) می فرمایند: «جد من ورام بن ابی فراس (رَحمَه ُالله) (که از کسانی بود که مردم به عمل او اقتدا می کردند) وصیت کرد که پس از مرگ سنگ عقیقی که بر آن اسماء ائمه معصومین (عَلیهِم السَّلام) باشد را در دهان او قرار دهند و من نیز بر سنگی عقیقی نقش کردم: «الله پروردگار من و محمد (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) پیامبر من و علی (علیهِ السَّلام) امام من می بشد و تمامی ائمه معصومین (عَلیهِم السَّلام) را نام بردم که امامان و وسیله (ارتباطم) من (به سوی خدا) هستند.»

و وصیت کردم که پس از مرگ در دهان من قرار دهند تا جواب دو ملک هنگام سؤال در قبر باشد.(۲)

چیزی که سود دنیا و آخرت در آن است!

ابن عمر گفت، پیامبر اکرم (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: هر کسی می خواهد توکل بر خدا کند، باید اهل بیت مرا دوست داشته باشد و هر که بخواهد از عذاب قبر نجات یابد باید اهل بیت مرا دوست داشته باشد و هر که جویای حکمت باشد، اهل بیتم را دوست بدارد؛ و هر که مایل است بدون حساب داخل بهشت شود، اهل بیت مرا دوست داشته باشد؛ به خدا قسم کسی آنها را دوست ندارد مگر اینکه در دنیا و آخرت سود برده است.»(۳) .

۱- نقش اهل بیت در قیامت ص۱۲۳، منقول از بحار ج۶۸/۱۳۸.

۲- فلاح السائل، ص۵۷.

۳- بخش امامت - ترجمه جلد هفتم بحارالانوار ج۵، ص۹۵.

ثواب شب زنده داری با قرآن

جابربن اسماعیل از امام صادق (علیهِ السَّلام) و آن حضرت از پدرشان امام محمد باقر (علیهِ السَّلام) روایت کرده اند که: «مردی از امیرمؤمنان حضرت علی (علیهِ السَّلام) درباره شب زنده داری با تلاوت قرآن سؤال کرد؛ آن حضرت فرمودند: «تو را مژده می دهم به اینکه هر کس یک دهم از شب را با اخلاص پاک و با امید به پاداش الهی به خواندن نماز به سر برد، خداوند به فرشتگانش دستور می دهد تا به شماره روئیدنیها در آن شب (از برگها و دانه ها و درختان) و به شماره نی ها و ساقه های نرم و تازه رسته، برای او ثواب بنویسد، و اگر کسی یک نهم از شب را به نماز بگذارند، خداوند ده دعای او را مستجاب فرماید، و در قیامت، نامه اعمالش را به دست راستش می دهد، و اگر کسی یک هشتم از شب را به ادای نماز به سر برد، خداوند ثوابی برابر با اجر یک شهید صابر و مخلص را به وی کرامت کند و شفاعتش در حق خانواده اش پذیرفته می شود، و هر کس یک هفتم از شب را مشغول نماز باشد، با سیمائی درخشان و نورانی چون ماه شب چهاردهم محشور می شود و با کسانی که (از عذاب الهی) در امانند، از صراط عبور می کند؛ و اگر کسی در یک ششم از شب نماز را بپا دارد، در زمره کسانی که (با توبه قبول) به سوی پروردگارت بازگشته اند، قرار می گیرد و تمام گناهان گذشته و آینده او آمرزیده می شود، و اگر کسی یک پنجم از شب را به نماز بگذارند، در بهشت با حضرت ابراهیم خلیل همنشین

ص: ۱۵۱

خواهد بود، و کسی که یک چهارم از شب را صرف خواندن نماز کند، در روز قیامت در صف اول رستگاران قرار می گیرد و (به سرعت) همانند تندباد از صراط بگذرد و بدون حساب وارد بهشت شود، و اگر کسی یک سوم شب را به اقامه نماز صرف کند، هیچ فرشته ای (از فرشتگان خدا) را ملاقات نمی کند مگر آنکه به منزلت و مقام او در نزد پروردگار عالم حسرت می خورند، و به او گفته می شود که از هر دری از درهای هشتگانه بهشت که خواهی، وارد شو، و اگر کسی نیمی از شب را به نماز مشغول شود، اگر (به مثل) هفتاد هزار برابر (وزن یا حجم) زمین را پر از طلا کنند، به پاداشی که خداوند برای او مقرر کرده است. برابری نکند و اجرا او در ازای این عمل از آزاد کردن هفتاد بنده از فرزندان حضرت اسماعیل بیشتر است؛ و اگر کسی دو سوم از شب را صرف اقامه نماز کند، برای او به شماره شنهای بیابان عالج، حسنه نوشته می شود که کمترین حسنه او از ده برابر (وزن) کوه احد سنگین تر است، و کسی که در طول شب به نماز و تلاوت قرآن کریم مشغول گردد و همواره در حال رکوع و سجود و ذکر خدا باشد، برای او (در نامه اعمالش) به اندازه ای حسنه و پاداش می نویسند که کمترین آن این است که: همانند روزی که از مادر زاده شده است از (آلودگی) گناهانش، پاک می شود و به شماره تمام حسنات الهی، درجات قرب و منزلتش افزونی گیرد، و قبرش نورانی شده، دلش را از آلودگیهای ناشی از حسد پاک و پاکیزه گردد، و از عذاب قبر ایمنش

کننـد، و برات آزادی از آتش جهنم به او دهند و در محشـر با کسانی که از عذاب الهی در امانند، محشور می شود، و خداوند به فرشتگان خود فرماید: «به بنده من بنگرید که شبی را در طلب خشنودی من به سر برده و به عبادت من مشغول بوده است، او را در فردوس جای دهیـد، و در فردوس از برای او صـد هزار شـهر اسـت و در هر شـهری آنچه را که میـل آدمی به آنهـاست، فراهم است، و هر چیزی که آدمی بـا دیـدن آن احسـاس لـذت می کنـد در آن مهیا، و نعمت های دیگری که هرگز در خاطر کسـی خطور نمی کنـد، آمادته است، و اینها (که بر شـمرده شد) جدای خیر زیاد و قرب و منزلتی است که من برای او در نظر گرفته ام.(۱)

ثوابهای شگفت انگیز روزه ماه رجب

علی بن سالم از پدرش نقل کرده است که من در ماه رجب خدمت حضرت صادق (علیهِ السَّلام) رسیدم، در حالیکه فقط چند روز از آن مانـده بـود؛ هنگـامی که حضـرت مرا دیدنـد، فرمودنـد: «ای سـالم، آیـا چیزی ازاین مـاه را روزه گرفته ای؟» عرض کردم: «نه به خـدا، ای پسـر رسول خـدا»، حضـرت فرمودنـد: «ثوابی که انـدازه اش را جز خدا نداند، از دسـتت رفته، این ماهی است که خدا آن را فضیلت داده و احترامش را عظیم کرده و کرامت خود را برای روزه دارانش واجب نموده است.»

عرض کردم: «ای پسر رسول خدا، اگر از آنچه مانده چیزی را روزه بدارم بعضی از ثواب روزه داران آن را بدست می آورم؟»

.

۱- پادانش نیکی ها و کیفر گناهان، ص۱۲۷.

حضرت فرمودند: «ای سالم هر که یک روز از آخر این ماه را روزه بگیرد، امان او باشد ازسختی جان دادن و امان او است از هراس مردن و عذاب قبر و هر که دو روز از آخر این ماه را روزه بگیرد، وسیله گذشتن او از صراط باشد و هر که سه روز از آخر این ماه را روزه بگیرد از هراسها و سختی های روز قیامت برات آزادی از دوزخ به او دهند».(۱)

از آثار شگفت انگیز صدقه دادن

و نیز از رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) روایت شده که فرمودند:

«صدقه دادن مؤمن آفتهای دنیا و عذاب قبر و عذاب روز قیامت را از او برطرف کند.» و نیز در روایتی دیگر فرمودند: «نماز شب چراغی است برای خواننده آن در تاریکی قبر؛ و گفتن «لا اله الا الله» شیطان را از گوینده اش دور می کند»(۲)

سگی بر روی جنازه

صاحب فضیلت تقوی و ایمان مرحوم دکتراحسان که سال ها مقیم کربلا بود و چند سال آخر عمرش مجاور قم بود، و در همان جا از دنیا رفته و مدفون شدند، از دوران بیست و پنج ساله ای که در کربلا ساکن بود، نقل نموده که: «روزی جنازه ای را دیدم جمعی او را به حرم مطهر حضرت سیدالشهداء (علیهِ السَّلام) به قصد تبرک و زیارت می برند و من هم همراه تشییع کنندگان رفتم. ناگهان دیدم روی تابوت سگ سیاه و .

۱- امالی شیخ صدوق، ترجمه کمره ای، متن ص۱۵.

۲- ارشاد القلوب، ترجمه رضایی، ج۱، ص۴۴۴.

وحشتناکی نشسته است، حیران شدم و برای اینکه بدانم آیادیگری هم می بیند یا تنها من این امر عجیب و غریب را مشاهده می کنم از شخصی که سمت راست من حرکت می کرد پرسیدم: پارچه ای را که روی جنازه است چیست؟

گفت: شال کشمیری است. گفتم: به روی پارچه چیز دیگری می بینی یا نه؟ گفت: نه.

همین سؤال را از آن که در سمت چپ من بود کردم و همین پاسخ را شنیدم، دانستم که جز من کسی نمی بیند.

تا درب صحن رسیدیم ناگهان آن سگ از جنازه جدا شد تا وقتی که جنازه را از حرم مطهر و صحن شریف برگرداندند باز در خارج صحن آن سگ را با جنازه دیدم، همراهش به قبرستان رفتم ببینم چه می شود در غسال خانه و تمام حالات، سگ را دیدم که به جنازه متصل است تا وقتی که میت را دفن کردند آن سگ هم در همان قبر از نظرم محو گردید.

نظیر این واقعه را قاضی سعید قمی (رَحمَه الله) در کتاب اربعینات خود از استاد کل شیخ بهایی (رَحمَه الله) نقل کرده که خلاصه اش این است که یک نفر از اهل معرفت و بصیرت مجاور مقبره ای از مقابر اصفهان بوده، روزی جناب شیخ بهایی (رَحمَه الله) به ملاقاتش می رود؛ به شیخ می گوید: روز گذشته در این قبرستان امر غریبی مشاهده کردم؛ دیدم جماعتی جنازه ای را آورده اند و فلان موضع دفن کردند و رفتند چون ساعتی

گذشت بوی خوشی به مشامم رسید که از بوهای دنیوی نبود. متحیر شدم به اطراف نگاه کردم تا بدانم بوی خوش از کجاست، ناگهان صورت بسیار زیبایی در هیأت و شکل پادشاهان دیدم که نزد آن قبر رفت و از دیده ام پنهان شد؛ طولی نکشید ناگهان بوی کندی که از هر بوی گندی پلیدتر بود به مشامم رسید، چون نظر کردم سگی را دیدم که رو به قبر می رفت و در کنار آن قبر از نظرم محو شد.

در حال حیرت و تعجب بودم که ناگهان دیدم آن جوان خوش سیما با حال بد و هیبت مجروح از همان راهی که آمده بود برمی گشت؛ دنبال او رفتم و از او خواهش کردم که حقیقت حال را برای من بازگو کند.

گفت: من عمل صالح این مرد بودم و مأمور بودم با او باشم ناگاه سگی را که دیدی و عمل ناشایسته او بود، آمد و چون کردارهابی ناشایست او بیشتر بود، بر من چیره شد و نگذاشت با او باشم و مرا بیرون کرد و فعلاً انیس آن میت، همان سگ است.

شیخ فرمود: «این مکاشفه صحیح است؛ زیرا عقیده ما آن است که کردارهای آدمی در برزخ به صورت های مناسب با اعمالش با شخص خواهد بود و مسئله تجسم اعمال و مصور شدنشان به صورت مناسب با احوال، امری مسلم است».(1) .

۱- داستان های شگفت انگیز، ص ۳۹۰ - داستان های عبرت انگیز از مجازات گناه کاران، ص۱۱۷.

فصل پنجم: داستانهای عبرت آموزی از عذابهای قبر

وفات حضرت فاطمه بنت اسد (عَلیها السَّلام)

همچنین در روایت است که وقتی فـاطمه بنت اسـد (عَلیهـا السَّلام) مـادر حضـرت امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) ارتحال نمودنـد، حضرت امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) گریان به خدمت رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) آمدند.

رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: «چرا گریه می کنی؟ خدا هرگز دیده های تو را گریان نگرداند.»

امیرمؤمنان (علیهِ السَّلام) فرمودند: «مادرم فوت شده است.»

حضـرت رسول (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودنـد: «بلکه مادر من فوت شده است. او اولاد خود را گرسـنه می داشت و مرا سیر می کرد، اولاد خود را ژولیـده مو می گـذاشت و موی مرا روغن می مالیـد؛ و الله که در خـانه ابوطالب یک درخت خرما بود، او در بامـداد سـبقت می کرد و برای من می چیـد و از پسـر عموهـای من پنهان می کرد، پس حضـرت برخاسـته و متوجه تجهیز او شدنـد؛ پیراهن مبارک خود را دادنـد که او را در آن کفن کننـد و در تشـییع جنازه او قدم را آهسـته می گذاشت و با تأنی و پای برهنه

می رفت و در نماز او هفتاد تکبیر گفت و در قبر او خوابیـد و بعـد از آن به دست کریم خود او را در لحد خوابانید و شـهادت تلقین او کرد، چون قبرش را پر کردند و مردم خواستند که برگردند سه مرتبه فرمودند:

«پسر تو، نه جعفر و نه عقیل، پسر تو علی بن ابی طالب (علیهِ السَّلام).»

وقتی برگشتند، مردم گفتند: «یا رسول الله، در این جنازه کارهایی کردید که برای جنازه های دیگر نمی کردید.»

فرمودنـد: «بـا تـأنی رفتن من از برای کثرت و ازدحـام ملائکه بود و هفتـاد تکبیر گفتن از برای آن بود که در حـال حیـات او، (روزی از) فشار قبر صحبت کردم؛ و او گفت: وا ضعفا (کنایه از این که در برابر فشار قبر بسیار ضعیف هستم) پس در لحدش خوابیـدم که زمین او را فشـار ندهـد؛ و اما آنکه کفن کردم او را به پیراهن خود از برای آن بود که روزی در حال حیات او از قیامت گفتم و گفتم مردم عریان محشور خواهند شد و او گفت: وا سوأتاه (کنایه از خجالت و شـرم) او را به پیراهن خود کفن کردم که پوشـیده محشور گردد و اما آنکه گفتم به او «پسـر تو، ....»، برای آن بود که دو ملک آمدنـد و از او از پروردگارش سؤال کردند. گفت: «الله، پروردگار من است» و گفتند: «کیست پیغمبر تو؟» گفت: «محمد (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم)، پیغمبر من است». گفتنـد: «کیست امام و ولی تو؟»، شـرم کرد از آنکه بگوید: «علی، که فرزند من است.» پس به او گفتم: «بگو فرزند تو علی بن ابی طالب»، پس خدا دیده او را به این

روشن کرد.(۱)

حکایت وفات فرزند ابوذر

در کتاب «مَن لا یحضُرُهُ الفقیه» آمـده است که هنگامی که «ذر» پسـر جناب ابوذر غفاری (رَحمَه الله)، وفات کرد ابوذر بر سـر قبر او ایستاد و دست بر قبر مالید و گفت: «خدای تو را رحمت کند ای ذر، به خدا سوگند که تو نسبت به من نیکوکار بودی و شرط فرزنـدی را به جا می آوردی و اینک که تو را از من گرفته انـد، من از تو خشـنودم. به خـدا سوگنـدکه از رفتن تو باکی نیست بر من، و نقصـانی به من نرسـیده، و من به غیر از حق تعالی به احـدی نیاز و حاجت نـدارم و اگر نبود «هول مطلع» «یعنی جاهای هولناك آن عالم که بعد از مرگ دیده می شود» هر آینه مسرور می شدم که من به جای تو رفته باشم ولی می خواهم چند روزی تلافی مافات (۲) (جبران گذشته) کنم و تهیه آن عالم را ببینم. و به تحقیق که اندوه از برای تو مشغول ساخته است مرا از اندوه بر تو (۳) و الله که گریه نکردم به خاطر آنکه مُرده ای، و از من جـدا شـده ای، بلکه به این خاطر بر تو گریه کردم که حال و روز تو چگونه است، و بر تو چه می گذرد؛ کاش می دانستم که تو چه گفتی و به تو چه گفتند؟

خداوندا! بخشیدم به او حقوقی را که بر او واجب کرده بودی .

۱- بحار ج۶/ص۲۴۱ - حق الیقین ص۳۹۸.

۲- یعنی آنچه از من فوت شده و لازم است بجای آورم.

۳- یعنی همیشه در غم آنم که عبـادت و طاعـاتی که برای تو سودمنـد و نـافع است بکنم و این معنا مرا بازداشـته است از آنکه غم مردم و جدایی تو از خود را بخورم.

نسبت به من، پس تو هم حقوق خود را که بر او واجب کرده بودی ببخش، زیرا که تو به جود و کرم از من سزاوارتری.(۱)

زیارت عاشورای بانویی عذاب را از اهل قبرستان دور کرد

علامه نوری نوشته: حاج ملا حسن(رَحمَه الله) مجاور نجف که حق مجاورت را ادا کرد و عمرش را در عبادت سپری کرد، از قول حاج محمدعلی یزدی به من گفت:

«مردی فاضل و صالح به خود پرداخته بود و همیشه در اندیشه آخرت شبها در قبرستان بیرون شهر معروف به (مزار) که جمعی از افراد صالح در آن دفن شده بودند، به سر می برد.

همسایه ای داشت که دوران خردسالی را نزد معلم و... با هم گذرانده بودند و در بزرگی مأمور گمرک شده بود، پس از مرگ، او را هم در آن گورستان که نزدیک منزل آن مرد صالح بود به خاک سپردند.

یک ماه از مرگ آن مأمور گمرک نگذشته بود که مرد صالح او را در حال خوشی می بیند که از نعمت های الهی برخوردار است!

نزد او می رود و می گوید: من از آغاز و انجام و درون و بیرون تو باخبرم، تو کسی نبودی که درونت خوب باشد و کار زشت حمل بر صحت شود، نه تقیه و نه ضرورتی ایجاب می کرد که بدان شغل اشتغال ورزی و نه ستمدیده ای را یاری رساندی، کارَت مستوجب .

۱- لوامع صاحبقرانی، ج۲، ص۴۹۶ به نقل از منازل الآخره.

عذاب بود و بس، پس چرا اکنون در خوشی هستی؟

گفت: آری! چنان است که گفتی؛ من از لحظه مرگ تا دیروز در سخت ترین عذاب ها بودم؛ اما روز قبل همسر استاد اشرف آهنگر از دنیا رفته و در اینجا او را به خاک سپردند (اشاره به پنجاه قدم از قبرش دورتر نمود) دیشب سه مرتبه امام حسین (علیهِ السَّلام) به دیدنش آمدند.

بار سوم فرمودند: «عذاب را از این گورستان بردارند، لذا من در نعمت و آسایش قرار گرفتم.»

مرد صالح از خواب بیدار شده و در بازار آهنگران جستجوی استاد اشرف می رود، او را یافته و از حال همسرش می پرسد. استاد اشرف می گوید دیروز از دنیا رفته و در فلان مکان یعنی مزار به خاکش سپردیم.

مرد صالح می پرسد: به زیارت امام حسین (علیهِ السَّلام) رفته بود؟

آهنگر جواب می دهد: «نه»

مرد صالح می پرسد: «ذکر مصیبت او را می کردی؟»

جواب می دهد: «نه»

دوباره سؤال می کند: «روضه خوانی داشت؟»

دوباره جواب می دهد: «نه»

آهنگر می پرسد: «از این سؤالات چه مقصودی داری؟»

آنگاه مرد صالح خوابش را نقل کرده و می گوید: «می خواهم بدانم. میان او و امام حسین (علیهِ السَّلام) چه رابطه ای بوده؟

استاد اشرف پاسخ می دهد: زیارت عاشورا می خواند.(۱)

چگونگی گذر زمان در عالم قبر و برزخ

امام علی (علیهِ السَّلام) روزی با جمعی از یاران خود به قبرستان رفتند، و رو به آنان فرمودند: «آیا می خواهید چیزی را بر شما بنمایانم که هرگز ندیده اید؟» عرض کردند: «بلی یا امیرالمؤمنین!»

حضرت بر سر قبر کهنه ای (که نشان می داد صاحب آن مدت پیش رحلت کرده) رفته و فرمودند: «یا عبدالله قُم باذن الله» ای بنده خدا به اذن خدا برخیز.

در همان حال قبر شکافته شد و پیرمردی با محاسن سفید از قبر بیرون آمد و عرض کرد: «السلام علیك یا ولی الله».

حضرت جواب او را داده و فرمودند: «چند سال است که از دنیا رفته ای؟» گفت: «فدایت شوم هنوز سال نشده.» حضرت فرمودند: چند ماه است؟ عرض کرد: «هنوز به ماه نرسیده». حضرت فرمودند: «چند روز است؟» گفت: «روز هم نشده». حضرت فرمودند: چنمد ساعت شده؟ عرض کرد: «به ساعت هم نرسیده؛ وقتی داخل قبر خود شدم بعد از سؤال نکیرین(۲)، حوری زیبا روی و خوش صورتی را در قبر دیدم، و او را در آغوش گرفتم، گردنبندی که در گردن داشت .

۱- هفتاد و دو داستان از شفاعت امام حسین، میرزا رضا حسینی، ص۱۱۲ از کتاب داستانهایی از زیارت عاشورا، ص۸۳.
۲- نکیر و منکر.

پاره گردید و دانه های آن متفرق شد و صد دانه داشت و من و او مشغول جمع کردن دانه ها شدیم و هنوز تمام نکرده بودیم که شما مرا خواستیدم.»

حضرت فرمودند: «به جایگاه خود برگرد، خداوند از رحمت بی پایانش او را بی نصیب نفرماید.»

وقتی رفت؛ حضرت فرمودند: «صد سال است از دنیا رفته است و مشغول برچیدن دانه های گردنبند خواهد بود تا قیامت، و عالم برزخ هم برای او نمودی ندارد.»

آنگاه حضرت سر قبری که تازه بود و گویا صاحب آن ساعتی پیش از دنیا رفته، آمده و صاحب آن قبر را صدا زدند.

جوانی سیاه روی با حالی زار از قبر بیرون آمده و گفت: «السلام علیکم یا امیرالمؤمنین»! حضرت جواب سلام او را داده و فرمودند: «چند ساعت است که از دنیا چشم بسته ای جوان؟» عرض کرد: «فدایت شوم از ساعت گذشته؛ حضرت فرمودند: «چند روز است؟» گفت: «از روز زیادتر است». حضرت فرمودند: «چند ماه است؟» عرض کرد: «از ماه هم بیشتر است»؛ حضرت فرمودند: «چند سال است؟» گفت: «خیلی سال است؛ آنقدر کار و زحمت و گرفتاری دارم که خاطرم نیست چند سال است گویا صد سال است.»

حضرت فرمودند: به جایگاهت برگرد؛ و در حق او دعا فرمودند، به برکت دعای آن حضرت در عقاب و عذاب او تخفیفی داده شد.

سپس حضرت فرمودند: «او را همین امروز و شاید یک ساعت پیش دفن کرده اند. بعد فرمودند: «فرق بین مؤمن و منافق همین قدر است.»(۱)

گرفتاری به علت حق الناس

در کتاب دارالسلام(۲) از عـالم فاضل و با تقوا، حاج ملا ابوالحسن مازنـدرانی نقل شـده که گفت: «من دوستی داشـتم از اهل فضل و تقوا، به نام ملّاجعفر فرزند عالم صالح ملّامحمد حسین طبرستانی از اهل روستایی که آن را «تیلک» می گویند.

زمانی طاعون عظیمی در آن بلاد آمـده و تمام بلاد را فرا گرفت؛ اتفاقاً جماعت بسـیاری که او را وصـیّ خود قرار داده بودند، پیش از او وفات کردنـد و او بر حسب وصـیت آنها اموال ایشان را جمع نموده و هنوز به محل و مصـرف نرسانده بود که او نیز پس از آنها بر اثر طاعوت وفات کرد و آن مالها ضایع شده و به مصارفی که باید برسد، نرسید.

وقتی حق تعالی بر من منت نهاده و به من زیارت عتبات عالیات و مجاورت قبر ابا عبدالله الحسین (علیهِ السَّلام) را روزی فرمود، شبی در کربلا در خواب دیدم که مردی در گردنش زنجیری است که آتش از آن شـعله می کشد و دو طرف آن به دست دو نفر است؛ و آن شخصـی که زنجیر به گردنش است زبانش بلنـد و آویخته شـده تا سـینه اش. چون مرا دید به قصد ملاقات من نزدیک آمد؛ چون نزدیک رسید دیدم رفیقم ملّا .

۱- جواهر، ص ۱۸۱ - از کتاب داستان های شگفت انگیز از عالم برزخ.

۲- دارالسلام نوری، ج ۲، ص ۱۵۵.

جعفر است.

تعجب کردم از حال او؛ خواست با من سخن بگوید و کمک بطلبد، که آن دو شخص زنجیرش را کشیداند و او را از عقب برگرداندند، و نگذاشته که سخن بگوید. بار دوم ملاّ جعفر نزدیک من آمده و خواست حرف بزند، او را کشیدند و نگذاشتند، تا سه بار این کار تکرار شد و من از مشاهده آن حال و آن صورت هولناک سخت ترسیدم و فریاد کشیده و بیدار شدم. از فریاد من، یک نفر از علما که نزدیک من خوابیده بود بیدار شد و من قضیه خوابم را برای او نقل کردم.

اتفاقاً وقتی که من از خواب برخاستم، درست وقت باز کردن درهای صحن مطهر و حرم شریف بود. پس من به رفیقم گفتم خوب است به حرم مشرف شویم و برای ملامحمد جعفر زیارت و استغفار کنیم، شاید حق تعالی بر او ترحم فرماید؛ اگر این خواب رؤیای صادقه باشد.

پس به حرم مشرف شدیم و آنچه را قصد داشتیم انجام دادیم.

از این جریان نزدیک بیست سال گذشت و برای من از حال ملاّ جعفر چیزی معلوم نشد و من در تصور خود چنین فهمیدم که این عذاب به خاطر تقصیر و کوتاهی او در رد اموال مردم باشد.

سالها بعد، زمانی که حق تعالی به زیارت خانه اش بر من منت نهاد، و از اعمال حج فارغ شدم، در برگشت به توفیق زیارت مدینه

مشرفه نصیبمان شد، اما بیماری سختی بر من عارض شد، به حدی که مرا از حرکت و راه رفتن بازداشت.

من از رفقای خود خواهش کردم که مرا شست و شو داده و لباسهایم را عوض کنند و مرا به دوش گرفته و به حرم مطهر حضرت رسول (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) ببرند پیش از آنکه مرگ مرا دریابد.

رفقا آنچه گفته بودن به جا آوردند و وقتی داخل حرم مطهر شدم بی هوش افتادم و رفقا مرا گذاشتند و پیکار خود رفتند.

وقتی به هوش آمدم، مرا به دوش گرفته و نزد شبکه ضریح مقدس بردند تا زیارت کنم؛ آنگاه مرا به طرف پشت حرم، نزدیک بیت حضرت فاطمه زهرا (عَلیها السَّلام) بردند که محل زیارت آن مظلومه است، نشستم و آن حضرت را زیارت کردم و برای خود طلب شفا نمودم و به آن بی بی خطا کردم که ما درباره محبت شما به فرزندتان امام حسین (علیهِ السَّلام) زیاد شنیده ایم؛ و من در کنار قبر شریف آن حضرت زندگی می کنم(1)؛ پس به حق آن بزرگوار شفای مرا از خداوند تعالی بخواهید.

سپس به جانب رسول خدا (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) توجه کرده و هر حاجتی داشتم عرض کردم؛ از جمله شفاعت آن حضرت را برای جماعتی از رفقایم که وفات کرده بودند طلب نمودم و اسامی آنها را یکی یکی ذکر می کردم تا رسیدم به اسم ملّا جعفر؛ در این حال خوابی که (سالها پیش) از او دیده بودم، یادم آمد. حالم منقلب شد، پس بسیار .

۱- در شهر کربلا زندگی می کنم.

اصرار و پافشاری کردم در طلب مغفرت و تقاضای شفاعت برای او و عرض کردم که من بیست سال پیش از این او را به حال بدی دیدم و نمی دانم خوابم راست بوده یا از اضغاث احلام(۱) و خوابهای پریشان بوده، به هر جهت آنچه برایم ممکن بود از تضرع و دعا در حق او به جای آوردم، در همین حال در خود خفتی (۲) دیدم؛ تنها برخاستم، و بدون کمک رفیق به منزل آمدم؛ و بیماریم به برکت حضرت زهرا (عَلیها السَّلام) برطرف شد.

وقتی خواستیم از مدینه حرکت کنیم، در اُحُد منزل کردیم، و چون وارد احد شدیم و شهدای آنجا را زیارت کردیم؛ خوابیدم، رفیق خود، ملاّ جعفر را به هیئت خوبی در خواب دیدم، جامه های سفید بر تن دارد و عمامه با حنک (۳) بر سر دارد و در حالی که عصائی در دست گرفته بود نزد من آمده و به من سلام کرد و گفت: «مرحباً بالأُخُوَّهِ وَ الصِّداقَهِ»(۴) شایسته است که رفیق با رفیق خود چنین کند که تو با من کردی؛ من در این مدت در تنگی و بلا و شدت و رنج بودم، اما تو از حرم مطهر بیرون نیامدی تا اینکه مرا از آن گرفتاریها خلاص کردی و الآن دو یا سه روز است که مرا به حمام فرستاده اند و مرا از آلودگی ها و کثافات پاکیزه کرده اند، و حضرت رسول (صَلَی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) این عبا را برای .

۱- خوابهای بی تعبیر و پریشان.

۲- راحتی و سبکی که نشانه خوب شدن از بیماری است.

۳- شاید داشتن عمامه با حنک به معنی راحتی و رضایت داشتن خداوند از او باشد.

۴- آفرین بر این برادری و دوستی که تو بجای آوردی.

من مرحمت فرموده انـد و عاقبت من بحمـدالله به خوبی و عافیت منجر شـد، و من برای بـدرقه تو آمده ام و اینکه تو را بشارت دهـم که خوشـحال باشـی که به سـلامت به سـوی اهـل خـود بر می گردی و آنهـا هم سـالم می باشـند. من هم شـکرگویان و خوشحال بیدار شدم.»

شیـخ مرحوم فرموده است که: شایسـته است برای شـخص زیرک و آگـاه، که در نکـات این رؤیا تأمل کنـد، زیرا که این رؤیا شامل چیزهایی است که کوری دل و خاشاک چشم (دل) را برطرف می کند.

عذاب قبر به علت بداخلاقی

شهید مطهری (رَحمَه الله) می گوید: من از آقای حاج میرزا علی شـیرازی (رَحمَه الله) این مرد بزرگ داستان ها دارم. از جمله، رویایی است که نقل می کنم:

ایشان یک روز ضمن درس، در حالی که دانه های اشکشان بر روی محاسن سفیدشان می چکید، این خواب را نقل کردند:؟

«در خواب دیدم مرگم فرا رسیده است؛ مردن را همان طوری که برای ما توصیف شده است، در خواب یافتم. خویشتن را جدا از بدنم میدیدم و ملاحظه می کردم که بدن مرا به قبرسـتان برای دفن حمل می کنند؛ مرا به گورستان بردند و دفن کردند. من تنها ماندم و نگران که چه بر سر من خواهد آمد؟

ناگهان سـگی سـفید وارد قبر من شد در همان حال احساس کردم که این سگ، تندخویی من است که به این شکل درآمده و به سراغ

من آمده است. مضطرب بودم، که دیدم حضرت سیدالشهداء (علیهِ السَّلام) تشریف آوردند و به من فرمودند: «غصه نخور من آن را از تو جدا می کنم.»(۱)

تخفیف عذاب قبر

یکی از نزدیکان آیت الله بهاء الدینی (علیهِ السَّلام) می گوید: «روزی به اتفاق آقا وارد قبرستانی شدیم. روش همیشگی ایشان این بود که در ابتدای قبرستان توقف کرده و سوره فاتحه ای برای صاحبان قبور قرائت می فرمودند.

اما آن روز دیدم چند قدمی طی کردند و در آن طرف گورستان بر سر قبری ایستادند. چند لحظه مکث کرده، و فرمودند: «همین جا می نشینیم.»

چندین دقیق بر سر آن قبر نشستند. سپس با هم حرکت کردیم. از قبرستان خارج شدیم. پس از مدتی سؤال کردم که آیا علت خاصی داشت که بر سر آن قبر نشستیم؟ فرمودند: «صاحب قبر در عذاب سختی بود گفتم شاید تخفیفی برای او حاصل شود، که البته بی تأثیر نبود.»(۲)

نجات از عذاب به خاطر ورود به نجف اشرف

علامه مجلسی (علیهِ السَّلام) نقل کرده است که مرد صالحی از اهل کوفه .

۱- عدل الهی، ص ۲۵۰ - کتاب داستان های شگفت انگیزی از عالم برزخ، ص۶۳.
۲- دیدار با ابرار، ص۵۳ - از کتاب داستان های شگفت انگیزی از عالم برزخ، ص۲۱۰.

گفت: من در شبی بارانی در مسجد کوفه بودم. ناگاه دری را که جانب قبر حضرت مسلم (علیهِ السَّلام) است کوبیدند.

وقتی در را باز کردند، جنازه ای را داخل کردند و در سکویی که در جانب قبر حضرت مسلم (علیهِ السَّلام) است گذاشتند.

یکی از ایشان به خواب رفت و در خواب دید که دو شخص نزد جنازه حاضر شدند، و یکی به دیگری گفت که ببین ما با او حسابی داریم تا از او بگیریم پیش از آنکه از رصافه(۱) بگذرد، که بعد از آن ما نمی توانیم به او نزدیک شویم. پس بیدار شد و خواب را برای رفیقان خود نقل کرد و در همان ساعت آن جنازه را برداشتند و داخل شهر نجف کردند که از حساب و عذاب نجات یابد.(۲) خداوند به گوینده این شعر جزای خیر دهد که اینطور سروده:

اذا مت فادفنی جنب حیدر *** ابی شبر اکرم به و شبیر

فلست اخاف النار عند جواره *** و لا اتقی من منکر و نکیر

فعار علی حامی الحمی و هو فی الحمی *** اذا ضل فی البیدا عقال بعیر (۳) .

ص: ۱۷۱

۱- بنایی که منصور در کوفه بنا کرده بود. منظور جایی است که مرز ورودی نجف است.

۲- بحارالانوار، ج۴۳، ص۳۲۸ فرحه الغری، ص۱۵۹.

۳- به نقل از ارشاد القلوب دیلمی، ج۲، ص۳۴۸ از منازل الآخره.

«چون بمیرم مرا در کنار حضرت حیدر (علیهِ السَّلام) دفن کنید؛ آن کسی که پدر بزرگوار شبر و شبیر (حسن و حسین) است، چون در کنار آن عزیز مدفون گردم دیگر نه از عذاب دوزخ می ترسم و نه از نکیر و منکر بیمی خواهم داشت. چون ننگ است که نگهبان قُرُقگاه خود در آنجا باشد و در بیابان افسار شتری گم شده باشد.

کدام ملک جرأت دارد، سؤال بپرسد؟!

از محقق بهبهانی (رَحمَه الله) نقل است که فرمود: در خواب حضرت اباعبدالله الحسین (علیهِ السَّلام) را دیدم؛ گفتم: ای سید و مولای من، آیا از کسی که در جوار شما دفن شده (در قبر) سؤال می کنند؟

حضرت فرمودند: «کدام ملک است که جرأت داشته باشد که از او سؤال کند؟!»

در ضرب المثل های عرب است که می گویند: «احمی من مجیر الجراد»، یعنی فلانی حمایت کردنش از کسی که در پناه او است، بیشتر است از پناه دهنده ملخ ها.

و این مثل از آنجا به وجود آمده که مردی بادیه نشین از قبیله طی که نامش مدلج بن سوید بود روزی در خیمه خود نشسته بود؛ دید جماعتی از طایفه طی آمدند در حالی که جوال و ظرفهائی با خود دارند؛ پرسید چه خبر است؟ گفتند: ملخ های بسیاری در اطراف خیمه شما جمع شده اند؛ آمده ایم تا آنها را بگیریم.

ص: ۱۷۲

مدلـج چون این را شـنید، برخاست و سوار بر اسب خود شـد. نیزه خود را بـدست گرفت و گفت: به خـدا سوگند که هر کس متعرض این ملـخ هـا شود من او را خواهم کشت. آیا این ملـخ ها به من پناه آورده باشـند و شـما آنها را بگیریـد؟ چنین چیزی نخواهـد شـد و پیوسـته از آنها حمایت کرد تا آفتاب گرم شـد و ملخ ها پریدند و رفتند. آن وقت گفت: هنگامی که ملخ ها از جوار من رفتند، دیگر خود دانید با آنها.(۱)

مهربانی بی کران امام رئوف، حضرت رضا (علیهِ السَّلام)

مهربانی بی کران امام رئوف(۲)، حضرت رضا (علیهِ السَّلام)

از کتاب «حبل المتین» نقل شـده است که میر معین الـدین اشـرف که یکی از خدام صالح آسـتان قدس رضوی بود، نقل کرده که در خواب دیـدم که در کشـیک خانه مبارکه هسـتم، و از داخل بارگاه متبرک حضـرت به جهت تجدید وضو بیرون آمدم، وقتی به سکوی امیرعلی شیر رسیدم، مردم زیادی را دیدم که داخل صحن مطهر شدند و در جلوی آنها شخصی نورانی، خوش صورت و عظیم الشأن بود، و در دست جماعتی از آن اشـخاص که پشت سـر او بودند کلنگهایی بود، همین که به وسط صحن مقدس رسـیدند آن شـخص بزرگوار که در جلوی آن جماعت بود به آنها فرمود که این قبر را بشکافید، و این خبیث را بیرون بیاورید؛ و اشاره کرد به قبر مخصوصی، پس چون شروع کردند به کندن آن قبر، از شخصی پرسیدم که این شخص .

۱- حیاه الحیوان، ج ۱، ص۲۶۷ به نقل از منازل الآخره.

۲- مهربان.

بزرگوار که امر می فرمایـد کیست؟ گفت: حضـرت امیرالمؤمین (علیهِ السَّلاـم) است. در این حال دیـدم که امام هشـتم ضامن، حضـرت امام رضا (علیهِ السَّلام) عرض کردنـد که: «یا جـدّاء(۱)، از شـما مسئلت می کنم این شـخص را که در اینجا مـدفون است، عفو فرمائید و تقصیر او را به من ببخشید.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیهِ السَّلام) فرمودند: «می دانی این فاسق فاجر شراب می خورد؟»

حضـرت امـام رضـا (علیهِ السَّلاـم) عرض کردنـد: «بلی، ولی در وقت مرگ وصـیت کرده که او را در جـوار من دفن کننـد. ما امیدواریم از شما که او را عفو بفرمائید.»

آنگاه امیرالمؤمین (علیهِ السَّلام) فرمودند: «تقصیرات او را به تو بخشیدم».

پس آن حضـرت تشـریف بردنـد و من از وحشت بیدار شدم و بعضـی از خدام آسـتانه مبارکه را بیدار کردم و آمدیم به همان موضـعی که در خواب دیـده بودم، دیدم که قبر تازه ای است و قدری از خاک آن بیرون ریخته شده، پرسـیدم که صاحب این قبر کیست؟ گفتند: مردی از اتراک (تُرک ها) است که دیروز در اینجا دفن شده است.(۲)

حکایتی شیرین و امیدبخش

در حکایت تشـریف حاج علی بغدادی به خدمت امام عصـر (عجل الله تعالی و فرجه الشریف) که جان ما به فدای قدن هایشان باد، و سؤالات او از آن حضرت نقل .

۱- ای جد بزرگوار.

۲- دارالسلام نوری، ج۱، ص۲۶۷.

شده که گفت:

به آن حضرت عرض کردم: «ای آقا ما، آیا صحیح است که می گویند هر کس حضرت امام حسین (علیهِ السَّلام) را در شب جمعه زیارت کند، برای او امان است؟ حضرت فرمودند: «آری به خدا، و اشک از چشمان مبارکشان جاری شده و گریستند.»

گفتم: «ای آقای ما! سؤالی دارم.»

فرمودند: «بپرس.»

عرض کردم: «در سال ۱۲۶۹ ه-.ق حضرت امام رضا (علیهِ السَّلام) را زیارت کردیم و در ورود، یکی از عربهای شروقیه را که از بادیه نشینان طرف شرقی نجف اشرف بود(۱) ملاقات کردیم و او را مهمان نمودیم و از او پرسیدیم که ولایت حضرت امام رضا (علیهِ السَّلام) چگونه است؟ گفت: «بهشت است؛ امروز پانزده روز است که من از مال مولای خود حضرت رضا (علیهِ السَّلام) خورده ام، چه حق دارد منکر و نکیر که در قبر به سراغ من بیایند؟ در حالی که گوشت و خون من از غذایی که از مهمانخانه آن حضرت رسیده، روئیده است.

آیا این صحیح است که حضرت علی بن موسی الرضا (علیهِ السَّلام) می آیند و او را از نکیر و منکر خلاص می کنند؟

امام فرمودند: «آری به خدا و جدّ من ضامن آن است.»(۲) .

۱- یعنی از افراد ساده و بی تکلّف روستایی بود.
۲- نجم الثاقب محدث نوری ص۴۸۴ البته بایستی که انسان به ولایت ائمه اطهار: یقین و اعتقاد قلبی داشته باشد و در طول زندگی نیز عملاً پیروی و دنباله روی آنان را سرلوحه کارهایش قرار دهد.

پیغمبر اکرم (صَلّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) فرمودند: مؤمن در قبرش از عذاب مصون است، زیرا اگر عذاب از بالای سر او بیاید، تلاوت قرآن او را دفع می کند و اگر از پیش رو بیاید، صدقه او را مانع می شود، و اگر از پایین پا بیاید، رفت و آمد به مسجد او را مانع می شود. و صبر مانعی است که می گوید: هر جا راهی هست من حاضرم برای دفاع کردن از عذاب؛ یعنی قوی تر از همه مدافعین مؤمن از عذاب قبر، صبر است.(۱)

داستان مکاشفه عجیب ملامحمد مهدی نراقی

از مرحوم محمد مهدی نراقی (رَحمَه الله) که در نجف اشرف ساکن بود و هم اکنون در کنار صحن مطهر دفن است نقل شده است که: «ماه رمضان بود و من برای افطار هیچ نداشتم؛ عیالم مرا برای تهیه غذا بیرون فرستاد اما من که هیچ نداشتم برای زیارت اهل قبور به وادی السلام رفتم. وقتی غروب شد، جنازه ای را آوردند دفن کنند؛ قبر را آماده کردند و گفتند ما کاری داریم شما جنازه را دفن کنید.»

مرحوم نراقی ادامه می دهد: «من درمیان قبر رفتم که کفن را باز نموده و صورت او را به روی خاک بگذارم. ناگهان دیدم دریچه ای باز است من داخل شدم دیدم باغ بزرگی است سرسبز و پر از میوه های متنوع! از باغ راهی است به سوی قصر مجللی که در تمام این راه از سنگ ریزه هایی متشکل از جواهرات، فرش شده است. من وارد قصر .

۱- ارمغان شهید، ص ۵۱.

شـدم؛ دیـدم شخصـی بالای اطاق نشسـته و دور او افرادی نشسـته انـد، دیـدم آن افراد از او سؤال می کنند و او پاسخ می دهد. ناگهان دیـدم ماری وارد شـد و یکسـره آمـد به آن مرد نیشـی زد و خارج شـد و مرد از درد متغیر شد و کم کم خوب شد باز شروع کرد به صـحبت کردن از دنیا، تا دوباره آن مار آمد و نیشی زد و بر گشت! من گفتم: شما کیستید و اینجا کجاست؟ این قصـر کیست؟ آن مار چیست؟ چرا شـما را نیش می زنـد؟ گفت من همین مرده هسـتم که شـما دفن کردید و این باغ، بهشـت برزخی من است و قصـر مـال من است و این افراد ارحـام من هسـتند که قبل از من بـدرود حیات گفته و اینک برای دیـدن من آمدند و از بازماندگان خود می پرسند، گفتم این مار چرا تو را می زند؟

گفت: من مردی هستم مؤمن، اهل نماز، روزه، خمس و زکات، خلافی نکردم. مگر آن که در تابستان میان کوچه حرکت می کردم. دیـدم صـاحب دکـاتی بـا مشتری نزاع دارنـد و صـاحب دکان می گفت: سـیصد دینار (شـش شاهی) از تو طلب دارم و مشتری می گفت من پنج شاهی بدهکارم.

من به صاحب دکان گفتم: تو از نیم شاهی بگـذر. به مشتری گفتم: تو هم از نیم شاهی صـرف نظر کن و پنج شاهی و نیم بده، صاحب دکان ساکت شد ولی چون حق با صاحب دکان بود و من به قدر نیم شاهی حق صاحب دکان را ضایع نمودم خداوند این مار را معین نمود که هر یک ساعت بیاید و مرا بدین منوال نیش زند تا در صور دمیده

و خلائق برای حساب آیند و به برکت شفاعت محمد و آلش (عَلیهِم السَّلام) نجات یابم.

برخاستم و گفتم: عیال من منتظر افطاری است. مرد مرا تا در بدرقه کرد و یک کیسه برنج به من داد و از همان دریچه وارد قبر شدم و مرده را دفن کردم و به منزل آمدم مدت ها بود که از آن برنج طبخ می کردیم و تمام نمی شد. تا اینکه روزی مهمانی آمد من نبودم و عیالم برنج را طبخ کرد، مهمان می پرسد: این برنج از کجاست؟ و اهل منزل داستان را برای او تعریف می کنند پس از آن برنج تمام شد.(۱)

رفتار قبر با کسی که از اسلام بازگشت

از انس روایت کرده است، مردی ترسا (زرتشتی) اسلام آورد و سوره بقره و آل عمران را فرا گرفت، آنگاه به عنوان کاتب و نویسنده پیغمبر به کار پرداخت، طولی نکشید، از آئین اسلام اعراض کرد و به آئین زرتشتیان بازگشت و همه جا می گفت: محمد، بیش از آنچه که من برای او نوشته ام، مطلب دیگری نمی داند، خدای تعالی، آن زرتشتی دروغگو را به سزای عملش رساند و جانش را گرفت!

جسد او را دفن کردند؛ صبح روز بعد که کنار گور او آمدند، دیدند جسدش از گور بیرون افتاده است. گفتند: این کار را محمد و یارانش، به خاطر آنکه از آئین آنها دست برداشته نسبت به وی روا داشته، .

۱- معاد شناسی، ج۲، ص۲۲۲. از کتاب عذابهای قبر.

گورش را شکافته و بدن او را از قبر بیرون کشیده اند!

این بار گور عمیق تری برایش حفر کرده و جسد او را در میان آن نهادند. باز هم گور، جسد او را بیرون انداخت! فردای آن روز که کنار قبر او آمدند، دوباره همان صحنه را دیدند! باز هم این عمل را به رسول خدا (صَلَّی اللهُ عَلیه وَآله وسَلم) و یاران او نسبت دادند.

برای سومین بار تا آنجایی که می توانستند گور بسیار عمیقی حفر کردند و جسد او را در میان آن گور نهادند، روز بعد که کنار قبرش آمدند، همان صحنه دوباره تکرار شده بود! این بار گفتند: این کار آدمیان نیست! جسد او را به همان حال گذاشتند و رفتند.(۱)

نیش عقرب

مرحوم استاد احمد امین در کتاب (المتکامل فی الاسلام) نقل کرده است: دو نفر مأمور پست، تهران را به منظور زیارت قبر حضرت سیدالشهداء (علیهِ السَّلام) ترک کردند و چون دولت اجازه مسافرت به عتبات مقدسه را به کسی نمی داد ناچار از راه قاچاق رفتند، در بیابان شوره زاری گرفتار شدند و به قدری تشنگی بر آن ها فشار آورد که یکی از آن ها از تشنگی مرد و دیگری سخت به زحمت افتاد و بالاخره خودش را به تهران رسانید.

پس ازمدتی آن دوست و همکار و همسفر خود را در خواب .

۱- فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج۱، ص۱۲۶.

دید که در باغ زیبایی به سر می برد. از حال او پرسید: پاسخ داد: خدا را سپاس گزارم کاملاً راحتم ولی عقربی همه روزه پیش من می آید و انگشت ابهام پای مرا نیش می زند و به قدری مرا به رنج می دهد که نزدیک است جان دهم.

به من خبر داده انـد که این نـاراحتی برای این است که روزی در خـانه فلان دوست مهمان بودم و ضـمن اینکه با دوسـتم باقلا خوردم، چاقوی کوچکی از خانه او سرقت کردم و آن را در گوشه چپ و فلان نقطه خانه ام پنهان ساخته ام، از تو انتظار دارم که به خانه ام بروی و سـلام مرا به همسرم برسانی و از قول من به او بگویی چاقو را به تو بدهد و به صاحبش برگردانی و از او برای من بخشش بخواهی، شاید خداوند از خطای من بگذرد.

این شـخص میگویـد: من طبق خوابی که دیـده بودم عمـل نمودم، بار دیگر دوسـتم را در خواب دیـدم که در کمال خوشـی و راحتی است و از من سپاس گزاری نمود.(۱)

مثلهای حکمت آمیز بلوهر

بلوهر می گوید: «پادشاه (۲) نیکوکاری بود و لشـکر خداترسـی داشت که پرستش خدا می کردند، در پادشاهی پدرش کشور دچار گرانی و اختلافات داخلی بود و دشمن مقداری از شهرهای آنها را تصرف کرده »

ص: ۱۸۰

۱- داستانهای شگفت انگیز، ص۲۲۶.

۲- بلوهر زاهدی بوده که یوذاسف شاهزاده هندی را هدایت کرده «لغت نامه دهخدا»

بود ولی او مردم را به تقوای خـدا عزّوجلّ و ترس از وی و یاری جسـتن از او وادار کردند و ملاحظه او و پناه بردن به حضـرت او را پیشه کرد و دشـمن را عقب رانـد و ملت را متحـد کرد و کشـور را اصـلاح نموده و سـلطنت خود را منظم نمود. خـداوند متعال هم به او فضل و شرافت عنایت فرمود.

اما او بر اثر غرور، به جای شـکر گـذاری و بندگی خدا، دنیا پرستی و سرکشـی را آغاز نمود تا اینکه عبادت خدای عزّوجلّ را ترک کرده و کفران نعمـت او نمـود؛ و دست به کشـتار خداپرسـتان زد؛ تـا اینکه عمرش دراز شـد و دوران سـلطنتش طولانی گردید تا رعیتش از شـیوه خداپرستی غافل شدند و فراموش کردند و سـر به طاعت او نهادند و دستورات او را اجرا کردند و به گمراهی شـتافتند و بر این وضع ادامه داد و نسل جدید بر آن پرورش یافتند و دیگر خدا پرستی در میان نبود و نام خدا در میان آنها یاد نمی شد و معبودی جز پادشاه خود نمی شناختند.

اما این پادشاه پسـری داشت که در زمان حیات پدر با خدای عزّوجلّ عهد کرده بود که اگر به سـلطنت رسد، به وضعی خدای عزّوجلّ را اطاعت کند که هیچ پادشاهی پیش از او عبادت نکرده باشد و نتوانسـته باشد، ولی چون به سـلطنت رسـید پادشاهی نظر گذشته اش را از یادش برد و عهد خود را فراموش کرده و مست سلطنت شد و به هوش نمی آمد.

مردی نیکوکار و خدا پرستی در میان اطرافیان پادشاه بود که در میان اطرافیان پادشاه از همه مقامش نزد او بالاتر بود؛ او از گمراهی و بی دینی و فراموشکاری شاه نسبت به عهدی که با خدا کرده بود ناراحت بود و هر وقت می خواست او را پند دهد یاد سرکشی و زورگوئی او می افتاد و جز شخص او و مرد دیگری در یکی از اطراف این کشور که مجهور المکان و گمنام به سر می برد از امت خدا پرست گذشته کسی نبود.

یک روز استخوان پوسیده سر مرده ای را در بقچه ای پیچید و حضور پادشاه برد و چون در جای خود که دست راست شاه بود نشست آن را از میان بقچه بیرون آورد و جلوی خود گذاشت و جلوی روی شاه بر روی میز آن را خرد کرد و مجلس شاهانه را چرکین کرد و خرده های آن روی فرش ها ریخت.

پادشاه از کار او سخت خشمگین شد. چشم همه به او دوخته شده بود و نگهبانان قصر دست به شمشیر برده و منتظر دستور پادشاه بودند تا او را بکشند؛ ولی شاه جلوی خشم خود را گرفت. زیرا که پادشاهان در آن دوران با همه زورگویی و کفر خود برای مردم داری و آبادی کشور خود، بردبار و پر حوصله بودند تا بهتر مردم را جلب کنند و بیشتر مالیات بستانند؛ پادشاه به سکوت خود ادامه داد تا آن مرد خسته شد و برخاست و جمجمه را در بقچه خود بست و روز دوم و سوم هم این عمل را تکرار کرد؛ و چون دید که پادشاه درباره این جمجمه پرسشی نمی کند و از او بازپرسی نمی کند روز دیگر یک ترازو و چند

مشت خاک هم با خود آورد و چون کار هر روز خود را با آن جمجمه انجام داد ترازو را بدست گرفت. یک دهشاهی در یک کفه آن نهاد، و به وزن آن خاک کشید و آن را در چشم آن جمجمه ریخت و مشتی خاک هم در جای دهان او ریخت.

با این کار دیگر صبر پادشاه به پایان رسیده و به آن مرد گفت: من می دانم که موقعیت و مقامی که نزد من داری تو را بر این جسارت جرات داده و شاید از این کار مقصودی داشته باشی.

آن مرد برای شاه به خاک افتاد و پای او را بوسید و عرضکرد:

«پادشاها همه خِرَد خود را به من متوجه کن زیرا مثل سخن آدمی مانند تیر است که اگر در زمین نرمی انازند در آن جای گیرد و اگر بر سنگ سخت برخو.رد جایگیر نشود؛ سخن چون باران است اگر به زمین خوبی که بذر دارد بریزد، می روياند و اگر در نمک زار بریزد نمی رویاند، هوسهای مردم گوناگون است و خرد و هوس با هم در مبارزه اند، اگر هوس بر عقل پیروز شود انسانی با نادانی و هوسرانی کار می کند و اگر هوس مغلوب گردد، زشتی و کار ناشایست در کار انسان پیش نمی آید؛ من از دوران کودکی علم دوست بودم و به آن رغبت داشتم و آن را بر همه کارها مقدم می داشتم. و علمی نماند که استفاده شایسته ای از آن نبرده باشم.

یک روز در میان گورستانی گذر کردم و این جمجمه را دیدم که از گور پادشاهان بیرون افتاده، از غیرتی که برای پادشاهان دارم

بر من نـاگوار افتـاد و آن را بـا خود برداشـتم و به منزل بردم و با گلاب شسـتم و دیبا بر آن پوشـیدم و گفتم اگر کلّه پادشاهی است، احترام من در آن اثر کنـد و به زیبایی و خرّمی خود برگردد و اگر کلّه گـدائی است، احترام من در آن اثری ندارد. چند روز این کار را تکرار کردم و چیزی نفهمیـدم؛ چون چنین دیـدم یکی از پست ترین بنـده های خود را خواسـتم و او به دسـتور من اورا مورد اهـانت سـاخت. بـاز حـالش از احترام و اهـانت دگرگون نشـد چون چیزی نفهمیـدم به حکیمان مراجعه کردم، و دربـاره او از آنهـا پرسـیدم، آنهـا هم چیزی ندانسـتند بـا خود گفتم که پادشاهان سرچشـمه دانشـند و مرکز حلم؛ با ترس و لرز خـدمت شـما آمـدم و به خود حق نـدادم که بی اجـازه شـما پرسشـی کنم اکنون پادشاهـا بفرمائیـد این کلّه شاهی است یا کلّه گـداست؟ چون من از تشـخیص حالش درمانـده شـدم، متوجه چشم او شدم که وقتی زنده بود هیچ چیز از آن پر نمی کرد، تا آنجا که اگر بر همه آنچه زیر آسـمان است دست می یافت گردن می کشـید برای آنچه در بالای آسمان است؛ من فکر کردم که اکنون چه چیزی آن را پر می کنـد؟ دیـدم، وزن یک شاهی خاک آن را فرا گرفت و پر کرد، و توجه به دهانش کردم که وقتی زنده بود چیزی آن را پر نمی کرد و اکنون یک مشت خاک آن را پر کرد.

ای پادشاه به من بگو این کلّه شاهی است یا گدا؟ اگر می گوئی کلّه گداست که چنین است من می گویم آن رامیان قبرسـتان شاهان پیدا کردم و من کلّه های پادشاهان و کلّه گدایان را برای تو جمع می کنم و

اگر کلّه مرده های شماها برتری دارد، چنان است که تو می گوئی و اگر تصدیق داری که این خود کلّه پادشاهی است، من به تو اعلام می کنم که آن پادشاهی که اکنون کلّه اش به این صورت شده، خرّمی و جمال سلطنت او مانند امروز تو بوده است.

پادشاها مبادا شما هم به روز این کلّه پوسیده گرفتار شوی، زیر پا بیفتی و با خاک آلوده شوی و خوراک کرمها گردی، کثرت تو متلاشی گردد و عزّتت مبدل به خواری شود و یک گودال دو متری را با تو پر کنند و پادشاهیت را ببرند و یادت فراموش شود و هر چه کردی تباه گردد. به آن کسانی که گرامی داشتی، اهانت شده و آنان را که خوار کردی گرامی داشته شوند و دشمنانت شاد شوند و دوستانت سرافکنده شوند و زیر خاک نهان گردی. اگر صدایت کنیم، نشنوی و اگر گرامی داریم نپذیری، و اگر اهانت کنیم خشم نگیری فرزندانت یتیم شوند و زنانت بیوه گردند و همسرت بخواهد که شوهر دیگری گیرد.»

چون پادشاه سخنان او را شنید، بر خود لرزید و اشک از دیده اش فرو ریخت و فریاد وای وای او بلند شد؛ چون آن مرد این تغییر حال را در او نگریست دانست که گفتارش به دل پادشاه نشسته و در او تاثیرکرده است. بر جراتش افزود و آنچه را گفته بود باز تکرار کرد. پادشاه به او گفت: «خدایت پاداش نیک دهد و بزرگان دیگری که اطراف من هستند جزای بد دهد، به جان خودم مقصود تو را فهمیدم و در کار خود بصیرت یافتم»

مردم داستان توبه او را شنیدند و دین داران دور او را گرفتند و سرانجام، عاقبت به خیر شد.(۱)

مثالی دیگر در غفلت آدمی از مرگ

بلوهر گفته است که: شنیده ام مردی را فیل مستی دنبال کرده بود، او می گریخت و فیل او را تعقیب می کرد، تا اینکه فیل به او رسید. آن مرد از ترس داخل چاهی شد و در میان چاه به دو شاخه که در کنار چاه روئیده بودند چنگ زده و آویزان شد. ناگهان متوجه شد که دو موش بزرگ که یکی سفید و دیگری سیاه بودند، مشغول قطع کردن ریشه های آن دو شاخه هستند.

نگاهی به زیر پای خود افکند، دید چهار افعی سر از سوراخهای خود بیرون آورده اند، و وقتی نظری به قعری چاه انداخت دید اژدهایی دهان گشوده که هر کس به چاه افتد او را ببلعد. چون بالای سر خود را نگریست، دید که در سر آن دو شاخه، اندکی عسل آلوده است، پس مشغول لیسیدن عسل شد و لذت و شیرینی آن عسل آلوده، او را از آن مارها که نمی دانست چه وقت او را خواهند گزیدو از مکر آن اژدها که نمی دانست وقتی که در کام او بیافتد چه حالی خواهد داشت، غافل گردانید.

اما این چاه، به منزله دنیاست که پر است از آفتها و بلاها و مصیبتها .

۱- کمال الدین، ترجمه کمره ای، ج۲، ص۳۱۶.

و آن دو شاخه، عمر آدمی اند، و آن دو موش سیاه و سفید شب و روز هستند که عمر آدمی را پیوسته پیش برده و به پایان می برند.

و آن چهار افعی اخلاط چهار گانه اند (سوداء و صفراء و بلغم و خون) هستند که به منزله زهرهای کشنده ای هستند که آدمی نمی دانـد چه وقت آنهـا به هیجـان می آینـد و صـاحب خـود را هلاـك می کننـد؛ و آن اژدهـا مرگ است، که منتظر است و پیوسته در طلب انسان است، و آن عسل که فریفته آن شده بود و او را از همه چیز غافل کرده بود، لذتها و خواهشها و نعمتها و خوشی های دنیاست.(۱) .

۱- عین الحیات، ج۱، ص۵۲۶.

بار خدایا روزی که مرا برای دیدار خود از گور برمی انگیزی خوارم مگردان و در نزد اولیای خود رسوایم مساز و ذکر خود را از یادم مبر و زبان شکر و سپاس خویش را از من مگیر.

صحیفه سجادیه ترجمه آیتی، دعای ۴۷، ص۳۳۱، التماس دعا

ص: ۱۸۸

منابع

منابع مستقیم:

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

مفاتیح الجنان

منازل الآخره

مردگان از ما چه می خواهند؟

عذابهای قبر

معاد شناسی علامه تهرانی (رَحمَه الله)

داستانهای شگفت انگیزی از عالم برزخ

برزخ، پس از مرگ چه می گذرد

قبر و اجساد سالم

منابع غیرمستقیم:

بحارالانوار

اصول کافی

حق الیقین

داستانهای عبرت آموز از برزخیان

زادالمعاد

معاد شناسی استاد جوادی آملی

اعتادات شیخ صدوق

فروع کافی

قصه های اسلامی و تکه های تاریخی

معاد شهید دستغیب

ثواب الاعمال

تفسیر فرات کوفی

من لا یحضره الفقیه

مستدرک الوسائل

لوامع صاحبقرانی

ارشاد القلوب

تفسیر فرات کوفی

امالی شیخ صدوق

فلاح السائل

دارالسلام

مصباح کفعمی

علل الشرایع

الفصول المهمّه

بصائر الدرجات

روضه المتقین

مصباح المجتهد

مهج الدعوات

اقبال الاعمال

مجموعه ورّام

مجالس شیعه

طرائف الحکم

بشاره المصطفی لشیعه المرتضی

نقش اهل بیت (عَلیهِم السَّلام) در قیامت

مصباح المجتهّد

روضه الواعظین

قصه های اسلامی و تکه های تاریخی

کیمیای محبت

داستان عارفان

علل الشرایع

عجایب و معجزات شگفت انگیزی از چهارده معصوم (عَلیهِم السَّلام)

۷۲ داستان از شفاعت امام حسین (علیهِ السَّلام)

عدل الهی

دیدار با ابرار

حیاه الحیوان

نجم الثاقب

ارمغان شهید

داستانهای شگفت

فضائل پنج تن (عَلیهِم السَّلام)

کمال الدینه

عین الحیاه

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹